نهمین کتاب اسناد سیاسی

یکصد سند تاریخی

www.tabarestan.info
تبرستان

تألیف و تحقیق از :

ابراهیم صفائی

چاپخانه شرق

دیباچه

دراین سخن جای تردید نیست که تنظیم یك تاریخ صحیح و مستند نیاز بآن‌دارد که اسناد معتبر تاریخی منتشرشود و در دسترس تاریخ‌نگاران قرار گیرد ، ازاینرو می‌بینیم برخی از کشورها که تاریخ را بگونهٔ یك کار دقیق علمی و پژوهشی می‌نگرند هرسی سال یکبار اسنادسیاسی خودرا منتشر می‌کنند و دردسترس پژوهندگان تاریخ قرار میدهند .

درکشورمااین کارانجام نشده وهنوزهم‌عملاً سازمانی برای صورت یافتن این امرمهم وجود ندارد .

من‌ازسالیان پیش که بی‌پایگی بسیاری ازمندرجات کتب‌مربوط بتاریخ دوران قاجاریه وعصرمشروطه‌را دریافتم و بیشتر نوشته‌های اینگونه کتب را آکنده ازتملقات‌بیجا و شایعات ناروا و آمیخته باغرض و دور ازروش تحقیقی دیدم برآن شدم‌که در انتشار اسناد تاریخی و سیاسی این دوران کوشش کنم تا زمینهٔ مطمئن برای تنظیم یك تاریخ مستند و معتبر فراهم گردد .

من این‌خدمت را هدف کارهای پژوهشی‌خود قراردادم و با شوق سرشار ، جویان و پویان در این‌راه گام نهادم وسالها در جستجوی اسناد سیاسی وتاریخی بـه‌کتابفروشی‌ها ، فروشندگان خطوط قدیمی ، مغازه‌های عتیقه فروشی و به‌خانواده‌ها وافرادی که احتمال‌میدادم‌سندی دراختیارداشته‌باشند درطهران وشهرستانها مراجعه‌نمودم وپس‌از گردآوری‌اسنادتدریجاًبه بررسی وتنظیم آنها پرداختم و از هفت سال پیش باین‌سو هشت جلدکتـاب محتوی اسناد تاریخی باهزینهٔ شخصی خود منتشر ساختم .

انتشارکتب اسناد درایران کاری بود کـه من آغاز کردم ، مندرجات این کتب بسیاری ازحقایق‌تاریخی دوران قاجاریه‌وعصر

www.tabarestan.info تبرستان

مشروطه‌را روشن ساخت و نه تنها ازچهرهٔ تاریخ سیاسی بلکه از چهرهٔ تاریخ اجتماعی آن عصر نیز پردهٔ ابهام‌را یکسو زد و خوشامدگوئی‌های نابجا و شایعات بی‌اساس را که در کتب تاریخی بعنوان واقعیت ثبت شده بود از ارزش واعتبار بینداخت ونکته‌های مهم و ناگفتهٔ تاریخ عبرت آمیز گذشته را مطرح ساخت.

کتب هشتگانهٔ یادشده ازلحاظ ارزش واهمیت اسناد بزودی درشمار مآخذمعتبر تحقیق درامد وموردِاستناد پژوهندگان ایرانی و غیر ایرانی که (دررشتهٔ تاریخ قاجاریه کارمی کنند) قرارگرفت ونیز زمینهٔ مقایسهٔ همه جانبه‌ئی بین گذشته وحال به دست داد ودورنمای گذشتهٔ تاریک و نابسامان کشور را برای جوانان ترسیم نمود.

باآنکه کارمن کاری تحقیقی وملی وخدمت بتاریخ کشور میباشد، در این راه تنها پیش رفتم وخسارت و رنج بسیار دیدم و در این میان کسانی که ازانتشار این اسناد خشنود نبودندبرایم دشواریهائی ایجاد کردندوزحماتی فراهم ساختند وحتی آنان که درمراکز تحقیقی نشسته وباید کارمرا ترویج کنند، به تحریک بداندیشان موانعی در کارم پدیدآوردند، با اینحال من از پای ننشستم و اینك بیاری خدا نهمین کتاب اسناد سیاسی را انتشار میدهم

در این کتاب یکصد سند عرضه شده است و در این اسناد مطالب مهم وپرارج (دربارهٔ وقایع چندسال آخرسلطنت فتحعلیشاه، پادشاهی علیشاه ظل السلطان. چگونگی بسلطنت رسیدن محمد شاه، سه‌بارار دو کشی بیهوده به‌هرات، معاهدهٔ زیانخیز پاریس، اسرار برکناری میرزا آقا خان اعتمادالدوله، اختلافات مرزی و مناسبات سیاسی باروس و انگلیس و عثمانی. سازمان

لشکری و کشوری ایران وصدها مطلب دیگر) از گذشتهٔ تاریخ ایران بنظرمیرسد ونیزچهرهٔ معدودی ازبزرگان لایق و خدمتگذارو مردم‌اندیش وهمچنین رخسار بسیاری ازرجال نالایق وزبون و آزمند و خوداندیش از میان سطور این اسناد شناخته می‌شود .

این اسناد نه‌تنها روشنگر نیم قرن تاریخ سیاسی ایران میباشد بلکه آئینه‌ئی است که تاریخ اجتماعی و اقتصادی وزندگی رنج آور توده‌های مردم وآداب ورسوم ملی وخلقیات قومی نیاکان‌ما درآن جلوه‌گراست وما ازمطالعهٔ این اسناد بطرزفکر واندیشه وچگونگی شرائط سخت زندگی مردم آن زمان آشنا می‌شویم و دشواریهای گوناگون آنانرا درك می‌کنیم و مقدورات اندك و محظورات فراوان گذشتگان رانیزمی‌یابیم .

www.tabarestan.info تبرستان

اصول این اسناد متعلق بوزارت امورخارجه میباشدو شایستهٔ یادآوری است که بیش‌ازیکصدوپنجاه جلد کتاب بزرگ اسناد در زمان ناصر الدین‌شاه از مکاتبات درباری و دیوانی بدستور آن پادشاه گردآوری گردیده ودرکتابخانهٔ اندرون سلطنتی نگاهداری می‌شده ودرسال دوم تاجگذاری سلطان احمدشاه کتب مزبور به وزارت امورخارجه انتقال یافته است .

یکصدسند تاریخی که دراین کتاب عرضه میگردد پس‌ازشش ماه مطالعه از روی کتب یادشده تهیه گردیده و چندماه هم برای تنظیم و نوشتن حواشی و توضیحات بایسته صرف وقت‌شده واینك بصورت کتابی درآمده است .

بسیار خوشوقتم که دراین عصرشکوهمند نهضت اجتماعی و فرهنگی ایران درتألیف نهمین کتاب اسنادسیاسی موفق‌شدم وازادامهٔ خدمت بتاریخ کشورعزیزم بازنماندم .

اسفند ماه ۱۳۵۲

ابراهیم صفائی (مدیر انجمن تاریخ)

فهرست اسناد این کتاب

www.aftabeiran.info
ابرستان

۱ ـ نامهٔ ژنرال پاسکویچ دربارهٔ تخلیه آذربایجان صفحه ۹
۲ ـ نامهٔ محمد میرزا دربارهٔ فتح هرات « ۱۱
۳ ـ نامهٔ اللهیارخان آصف‌الدوله دربارهٔ فوت عباس‌میرزا « ۱۳
٤ ـ نامهٔ اللهیارخان آصف‌الدوله دربارهٔ علیشاه ظل‌السلطان « ۱٦
۵ ـ نامهٔ علی‌شاه ظل‌السلطان در اعلام سلطنت خودش « ۲۰
٦ ـ نامهٔ ضیاءالسلطنه دربارهٔ پشیمانی ظل‌السلطان « ۲٤
۷ ـ نامهٔ بانو گُدَّره دربارهٔ گرفتاری خسرومیرزا وجهانگیرمیرزا « ۲۵
۸ ـ نامهٔ شیخعلی میرزا دربارهٔ سلطنت محمد شاه « ۲۷
۹ ـ نامهٔ قهرمان میرزا دربارهٔ امنیت خراسان « ۲۹
۱۰ ـ نامهٔ مزینانی دربارهٔ امنیت خراسان « ۳۰
۱۱ ـ نامهٔ دونفر از بزرگان گیلان به قائم مقام « ۳۲
۱۲ ـ نامهٔ مکنیل وزیرمختار انگلیس دربارهٔ جنگ هرات « ۳٤
۱۳ ـ گزارش سمنو مهندس روسی دربارهٔ محاصرهٔ هرات « ۳۵
۱٤ ـ گزارش افسران اردوی محمدشاه دربارهٔ محاصرهٔ هرات « ۳٦
۱۵ ـ پیشنهادهای فرمانفرمای فارس دربارهٔ بحرین وخارك « ۳۷
۱٦ ـ نامهٔ حاجی میرزا آقاسی در دلتنگی ازشغل صدارت « ۳۹
۱۷ ـ نامهٔ حاجی میرزاآقاسی دربارهٔ وزیرمختار روسیه « ٤۰
۱۸ ـ نامهٔ حاجی میرزاآقاسی دربارهٔ اختلاف باروس وعثمانی « ٤۱
۱۹ ـ نامهٔ حاجی میرزاآقاسی دربارهٔ عهدنامهٔ ایران وعثمانی « ٤٤
۲۰ ـ نامه‌دیگرازحاجی‌میرزاآقاسی دربارهٔ عهدنامه‌ایران‌وعثمانی « ٤۵
۲۱ ـ نامهٔ امیرکبیر بنمایندگان روس و انگلیس « ٤٦

www.tabarestan.info تبرستان

۲۲ ـ گزارش میرزا آقاخان نوری دربارهٔ شکست خان خیوه صفحه ۴۸
۲۳ ـ گزارش حسام‌السلطنه دربارهٔ فتح هرات « ۵۰
۲۴ ـ گزارش حسام‌السلطنه دربارهٔ تصرف فراه « ۵۳
۲۵ ـ نامهٔ فرخ خان امین‌الدوله دربارهٔ مناسبات با روس و انگلیس « ۵۶
۲۶ ـ گزارش میرزا آقاخان نوری دربارهٔ وزیر مختار انگلیس « ۵۹
۲۷ ـ نامهٔ وزیر مختار ایران در روسیه دربارهٔ عزل میرزا آقاخان « ۶۲
۲۸ ـ نامهٔ دیگر از وزیر مختار ایران در روسیه دربارهٔ عزل « « ۷۲
۲۹ ـ « « « « « « « ۷۳
۳۰ ـ مقاله روزنامه سنت پطرزبورگ « « « ۷۴
۳۱ ـ گزارش وزیر امور خارجه دربارهٔ بحرین « ۷۶
۳۲ ـ گزارش دربارهٔ کارخانه کاغذسازی و ریسمانریسی « ۷۹
۳۳ ـ گزارش دیگر از وزیر خارجه دربارهٔ بحرین « ۸۱
۳۴ ـ نامهٔ میرزا جعفر خان مشیرالدوله دربارهٔ سختی زندگی خودش « ۸۳
۳۵ ـ گزارش وزیر امور خارجه دربارهٔ هرات « ۸۶
۳۶ ـ نامهٔ کارگذار بوشهر دربارهٔ خرید کشتی جنگی « ۸۸
۳۷ ـ گزارش کارگذار بوشهر دربارهٔ بحرین « ۹۰
۳۸ ـ گزارش میرزا محمد خان وزیر جنگ دربارهٔ ارتش « ۹۲
۳۹ ـ گزارش دیگر از سپهسالار دربارهٔ قانون سربازگیری « ۹۴
۴۰ ـ گزارش یک راپرت‌نویس دربارهٔ شبنامه‌های ضددولتی « ۹۶
۴۱ ـ گزارش وزیر امور خارجه دربارهٔ قرارداد تلگراف « ۹۷
۴۲ ـ گزارش اعتضادالسلطنه دربارهٔ کارخانه قند « ۱۰۰
۴۳ ـ گزارش عمادالدوله دربارهٔ ملکم و بهاءالله « ۱۰۱

۴۴ ـ گزارش میرزامحمدخان وزیرجنگ دربارهٔ ارتش صفحه ۱۰۳
۴۵ ـ گزارش میرزامحمدخان وزیرجنگ دربارهٔ سپاه خوزستان « ۱۰۶
۴۶ ـ گزارش وزیرامورخارجه دربارهٔ هرات « ۱۰۷
۴۷ ـ یادداشت وزارت خارجه دربارهٔ سیستان « ۱۰۸
۴۸ ـ گزارش وزیرامورخارجه دربارهٔ رویدادهای مرزی « ۱۰۹
۴۹ ـ گزارش تذکره‌چی خرمشهر دربارهٔ کودتای شیخ فارس خان « ۱۱۲
۵۰ ـ نامهٔ کنسول حاجی‌ترخان دربارهٔ جعل گذرنامه « ۱۱۴
۵۱ ـ نامهٔ دیگر از کنسول حاجی‌ترخان دربارهٔ جعل گذرنامه « ۱۱۶
۵۲ ـ مقالهٔ روزنامهٔ روسی دربارهٔ تاشکند و بخارا « ۱۱۸
۵۳ ـ نامهٔ ساعدالملک در بارهٔ راه تجارتی ایران و قفقاز « ۱۲۱
۵۴ ـ نامهٔ ساعدالملک درباره خطوط تلگرافی ایران « ۱۲۲
۵۵ ـ گزارش تلگرافی دربارهٔ اوضاع افغانستان « ۱۲۵
۵۶ ـ گزارش تلگرافی از مشهد دربارهٔ اوضاع هرات « ۱۲۸
۵۷ ـ گزارش محرمانه دربارهٔ اسرار سفارتخانه‌ها « ۱۲۹
۵۸ ـ گزارش دربارهٔ مسافرت ناصرالدین شاه به خراسان « ۱۳۱
۵۹ ـ گزارش محرمانه دربارهٔ رویدادهای سفارتخانه‌ها « ۱۳۳
۶۰ ـ گزارش دربارهٔ اوضاع استراباد « ۱۳۴
۶۱ ـ گزارش وزیر خارجه دربارهٔ گسترش تلگراف « ۱۳۶
۶۲ ـ نامهٔ کنسول حاجی ترخان در انتقاد از سیاست
وزارت خارجهٔ ایران « ۱۳۸
۶۳ ـ گزارش کنسول حاجی‌ترخان دربارهٔ ترکمن صحرا « ۱۳۹
۶۴ ـ گزارش دربارهٔ پیشنهاد عشایر عثمانی « ۱۴۲

www.tabarestan.info تبرستان

۶۵ ـ نامهٔ ساعدالملك دربارهٔ اختلاف مرزی باروسیه	صفحه	۱۴۳
۶۶ ـ گزارش والی کردستان دربارهٔ یکی از یاغیان مرزی	«	۱۴۵
۶۷ ـ گزارش مشیرالدوله دربارهٔ بحرین	«	۱۴۷
۶۸ ـ گزارش عیسی‌خان قاجار دربارهٔ مرزهای گرگان	«	۱۴۸
۶۹ ـ گزارش دربارهٔ اختلافات تیرهٔ شاهسون	«	۱۴۹
۷۰ ـ گزارش فرماندار بوشهر در شکایت از کارکنان کشتی‌های انگلیسی	«	۱۵۱
۷۱ ـ گزارش کارگذار گیلان درشکایت از مجدالدوله	«	۱۵۳
۷۲ ـ گزارش کارگذار فارس دربارهٔ تلگرافچیان انگلیسی	«	۱۵۵
۷۳ ـ گزارش وزیرمختار ایران درروسیه دربارهٔ گرگان	«	۱۵۷
۷۴ ـ گزارش کارگذار تبریز دربارهٔ خریداری تفنگ	«	۱۵۹
۷۵ ـ گزارش شجاع‌الدوله دربارهٔ تصرفات عثمانی درقطور	«	۱۶۱
۷۶ ـ پیشنهاد یك روحانی دربارهٔ روش سربازگیری	«	۱۶۳
۷۷ ـ گزارش وزیرمختارایران درروسیه دربارهٔ اعتراض انگلیس	«	۱۶۵
۷۸ ـ گزارش امیرنظام گروسی دربارهٔ اختلاف مرزی مغان	«	۱۶۷
۷۹ ـ گزارش کارگذار شیراز دربارهٔ کنسول هلند	«	۱۷۰
۸۰ ـ گزارش کارگذاراستراباد دربارهٔ اختلافات مرزی	«	۱۷۲
۸۱ ـ گزارش کارگذارفارس دربارهٔ بندرلنگه	«	۱۷۳
۸۲ ـ گزارش کارگذارسنندج دربارهٔ کنسول عثمانی	«	۱۷۵
۸۳ ـ گزارش مستوفی‌الممالك دربارهٔ نرخ گندم	«	۱۷۷
۸۴ ـ تعهدمیرزاعیسی وزیردربارهٔ ساختن خندق ودروازه‌های طهران	«	۱۷۹

www.tabarestan.info

۸۵ ـ گزارش مشیرالدوله دربارهٔ تشریفات سفر ناصرالدین شاه به عتبات صفحه ۱۸۰
۸۶ ـ گزارش دیگر از مشیرالدوله در بارهٔ مسافرت ناصرالدین شاه به عتبات « ۱۸۳
۸۷ ـ گزارش روزانهٔ مدرسه عالی دارالفنون « ۱۸۵
۸۸ ـ نامهٔ گلداسمیت دربارهٔ امور مرزی « ۱۸۷
۸۹ ـ پاسخ میرزا معصومخان به گلداسمیت انگلیسی « ۱۸۹
۹۰ ـ گزارش میرزا معصومخان دربارهٔ گلداسمیت « ۱۹۰
۹۱ ـ نامهٔ میرزا معصومخان به گلداسمیت « ۱۹۲
۹۲ ـ پاسخ گلداسمیت به میرزا معصومخان « ۱۹۴
۹۳ ـ گزارش میرزا معصومخان دربارهٔ خطوط مرزی بلوچستان « ۱۹۵
۹۴ ـ گزارش میرزا حسینخان سپهسالار دربارهٔ خرید اسلحه ۱۹۶
۹۵ ـ گزارش میرزا حسینخان سپهسالار دربارهٔ امور مرزی « ۲۰۰
۹۶ ـ گزارش میرزا حسینخان سپهسالار دربارهٔ خرید تفنگ « ۲۰۳
۹۷ ـ فرمان ناصرالدین شاه دربارهٔ تأسیس مشورتخانهٔ وزیران « ۲۰۵
۹۸ ـ یادداشت ناصرالدین شاه دربارهٔ امور کشوری « ۲۰۷
۹۹ ـ گزارش سپهسالار دربارهٔ قرارداد رویتر « ۲۰۹
۱۰۰ ـ گزارش معتمدالدوله دربارهٔ حسینقلی خان ایلخانی « ۲۱۲

www.tabarestan.info
تبرستان

یکصد سند تاریخی

www.tabarestan.info
تبرستان

یادآوری : تاریخ ذیل سند پنجاه و یکم در صفحهٔ یکصد و هفدهم این کتاب ۱۲۸۲ (ق) درست و ۱۲۸۳ ـ اشتباه میباشد.

www.parestan.info

سند یکم

نامهٔ ژنرال پاسکویچ (۱) ـ به عباس میرزا

دربارهٔ تخلیهٔ آذربایجان

اعلی‌جاه ضیاء بخش‌اریکه شهرت و احتشام فرزانهٔ یگانهٔ کامران شاهزادهٔ نامدارجمیل‌العنوان ولی‌عهد گرام‌معین ازحضرت‌شهریار مالك بالاقتدارممالك ایران عباس میرزا ادام‌الله شوکته .

ایلچی انگلیس جناب پولکونیك مکدانیل (۲) اظهار نمود که جناب مستطاب والا بنابرشدت ناخوشی‌احوال خودشان‌خواهشمندمیباشند مهماامکن بزودی وارد دارالسلطنه تبریز شده الی تخلیه کردن شهر از قشون‌ما ، در خانهٔ تابستانی نزدیك شهر تبریز اقامت نمایند .

طالب سلامتی و استقامت مزاج مبارك بوده مخلص قبول می‌نماید که نواب والا تشریف شریف‌را بمکان مزبور بیاورند ، لکن واجب شمرده‌اظهار می‌شود چنانکه به نواب مستطاب والا معلوم است مخلص بهر وضع در تخلیهٔ آذربایجان کمال سعی و اهتمام را مرعی میدارد و شاید تاروزجمعه چهارم ماه رمضان‌المبارك قشون تبریز را بیرون نماید ؛ اما درجاهائی که قشون ما می‌ماندالی برون رفتن آنها بایدکه آنجاها در تصرف ما بوده موافق‌عهدنامه مداخل و همه تحصیلات برای نفع روسیه عاید شود .

باقی با اعلی مراتب احترام و توقیرگزاری مخلص اطمینان مکرربنواب مستطاب والا میدهد که در مقام صدق ارادت وخیرخواهی آماده میباشد .

امر فرمای (فرمانفرما) عساکر و ولایـات واقعه بین‌البحرین‌الخضر

www.tabarestan.info تبرستان

والاسود ـ جنرال انشف صاحب حمایلات ـ پاسکویچ ـ فی ۲۸ شهر شعبان سنه ۱۲۴۳ تبریز . (۳)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ ژنرال پاسکویچ فرمانده قوای روس درقفقازبودکه در جنگ دوم ایران و روس در زمان فتحعلی شاه قوای ایران را درهم شکست و تبریز و چند شهر آذربایجان را تصرف کرد وپیروزی‌اومنجر به‌قرارداد ترکمانچای مورخ‌پنجم شعبان ۱۲۴۳ ق گردید .

۲ ـ سرجان مکدونالد وزیر مختار انگلیس در ایران که واسطه گفتگوی صلح میان عباس میرزا و ژنرال پاسکویچ بود .

۳ ـ از اسناد وزارت امور خارجه کتاب ۵۶ ،

توضیح ـ دلاوریها و فداکاریهای عباس میرزا و سرداران و سربازان ایرانی را در جنگ های طولانی ایران و روس نباید از یاد ببریم و نیز نباید نادیده بگیریم که سپاه ایران دربرابر سپاه روس از حیث شماره وتعلیمات وهم ازجهت داشتن جنگ افزار بسیار ناچیز بود و مقاومت رشیدانه وطولانی وگاهی پیشرفت‌های سپاه ایران نتیجه ایمان پاك ووطنخواهی سپاهیان و فرماندهان آنان بود .

سند دوم

نامه محمد میرزا به قائم مقام

دربارهٔ فتح هرات (۱)

جناب اتابک‌اعظم قائم مقام بداند، امشب که شب پنجشنبه‌است این ملفوفه رانوشتم ، دیشب باقاصد حامل کاغذهای مفصل نزد آنجناب‌فرستادیم امشب هم دونفر روانه‌کردیم ، امروز در شهر شهرتی بوده که سواره و پیاده هزاره و افغان بسر آن اردو میآیند ، کل جمعیت آنهـا زیاده ازچهار هزار نخواهدبود وبفضل خدا خاطر جمع‌هستیم که قشون پادشاهی که همراه‌آنجناب میباشد جواب ده مقابل آن قشون را مـی‌تواند داد لیکن چون خبرداری آن جناب لازم بود کیفیت را بآن جناب اعلام داشتیم ، امروز سه‌نفر ازشهروارد شدند یکی مذکور ساخت کـه دیشب یکهزار و پانصد نفر مقابـل آن اردو رفته‌اند، دونفر دیگر گفتند که سواره وپیاده از شهر حرکت نکرده‌اند، بالجمله احتیاط بنه و علف چین را داشته باشید بهتر است .

دیگر می‌باید زودتر بما خبر برسانید که کدام روز وارد سنگ‌بست (۲) می‌شوید ، بسیار دیر از شما خبر میرسد تاحال همین دو کاغذ است که امشب رسیده است یکی از سنگ بست مشهد دیگری از باغ سنگان (۳) دیگر کاغذی نرسیده‌است ، ماهم درمشرق‌شهر (٤) اردو زده‌ایم ارادهٔ ما این‌است روبطرف مغرب . . . . (۵) دو اردو بهم ملحق شوند وفـردا شب منتظر خبر از جانب آن جناب باشیم . . . . (٦) دیگر این صلاح و درست‌تر بنظر میآید کـه آن

جناب به غوریان (۷) بپردازید و دو اردو بهم ملحق شود و بمحاصرهٔ شهر (۸) اقدام شود وصدمه بشهر بزنیم آنوقت اگر صلاح باشد جمعیت به غوریان بفرستیم، البته آن جناب هر طور صلاح داند اعلام و عرض کند تا از آن قرار معمول شود.

حرر فی شهر جمیدی الاولی سنه ۱۲۴۹ ـ بالای کاغذ مهر ـ طراز افسر شاهی محمد (۹).

www.tabarestan.info تبرستان

۱ ـ محمد شاه دوبار برای تسخیر هرات کوشید، باراول ازطرف پدرش عباس میرزا نایب‌السلطنة مأمور فتح هرات شد وهرات را محاصره‌کرد ولی در اثر مرگ عباس‌میرزا (در جمادی‌الاخر ۱۲۴۹) باکامران حکمران هرات صلح‌کرده کامران به‌اطاعت ایران گردن نهاد و محمد میرزا به مشهد وسپس به‌طهران بازگشت ومقام ولایتعهدی به او تفویض شد و به آذربایجان رهسپار گردید. بار دوم در زمان پادشاهی خودش بسال ۱۲۵۳ ـ که سرانجام در اثر مداخلهٔ نظامی انگلیس ناگزیر بترك هرات گردید.

۲ ـ سنگ بست = محلی در چهار فرسخی هرات.

۳ ـ سنگ‌بست مشهد و باغ سنگان از آبادیهای این راه مشهد بسوی غوریان.

۴ ـ شهر = هرات.

۵ ـ و ۶ چند کلمه از اصل سند پاره شده و افتاده است.

۷ ـ غوریان = شهر مرزی افغانستان باایران که درجنگهای ایران و افغان دوبار به تصرف ایران درآمد.

۸ ـ = هرات ۹ ـ کتاب ۴۷ اسناد وزارت امور خارجه.

سند سوم

نامهٔ اللهیار خان آصف‌الدوله به قائم مقام

دربارهٔ محمد شاه

اللهیار خان آصف‌الدوله دائی محمد شاه پس از مرگ عباس میرزا نایب‌السلطنه برای سلطنت خواهرزاده خود (محمد شاه) کوشش بسیار کرد و پس از مرگ فتحعلیشاه و جلوس محمد شاه بفرمانفرمائی خراسان منصوب شد (۱) در اینجا نامه‌ئی ازاو می‌خوانیم که پس از مرگ عباس میرزا (ج ۲- ۱۲۴۹ ق) بمیرزا ابوالقاسم قائم مقام نوشته و از او برای حفظ موقعیت محمد میرزا استمداد کرده است .

www.tabarestan.info
تبرستان

متن نامه :

برادرجان‌من، چه‌نویسم کاشکی من وشما هردو مرده بودیم وابن‌روزها را نمیدیدیم لکن چه چاره با مقدرالهی چه میتوان کرد؟ حالا وقت‌مردانگی و اول زحمت آن برادر است الحمد لله خوب درخاطر داری بلکه آنوقت هم درمیان کار بودی که سرکار ولیعهد (۲) کـه‌خداوند عالم درجـات ایشان را عالی بدارد درسن هشت‌سالگی قائم مقام مرحوم مشغول (۳) خدمتگذاری‌آن سرکار مرحوم‌شد ، خود مطلعید که چه زحمت‌ها کشید و بادولت های‌بزرگ زد و خورد کرد ، از تصدق خاکپای مبارك شاهنشاه روحیفداه (٤) بجـائی رسید که پادشاهان افسوس می‌خوردند، خلاصه اگر خواهد از این‌مقوله (۵)

چیزها بشما بنویسد بیحاصل است، حال قریب بیست سال است کـه خود آن برادروزیر و قائم‌مقام دولت است ، زحمت‌ها کشیدید ، مرارت‌ها کشیدید تا آنکه الحمـد لله آقا و ولیعهد خودرا (۶) صاحب اسم و رسم کردید خود هم نیکنامی درهمه دولت ها بهم رسانیدید ، بعدازاین همه زحمت‌ها و مرارت‌ها مملکتی بنظم آوردید ، از نظم مملکت آذربایجان از تصدق خاکپای مبارك شاهنشاه روحیفداه تصرف درولایت ها و مملکت‌ها نمودید آلان را الحمد لله سپاه آذربایجان و سپاه رکابی به تسخیر هرات (۷) مشغولند ، ازحق نمیتوان گذشت ، اینها همه بعدازفضل خدا و توجه سایه خدا بکارگذاری قائم مقام مرحوم وآن برادر مکرم بوده اگرچه سرکار ولیعهد (۸) جان خود را در راه خدمت ودولت شاهنشاه روحیفداه گذاشت لیکن شاهنشاه روحیفداه‌درالتفات و توجه ملوکانه نسبت بسرکار شاهزاده معظم فروگذار نفرمودند (۹) بزیـارت فرمانهای مبارك سرافراز خواهند شد .

آنچه لازمهٔ مرحمت و التفات بود از سرکار اقدس مرحمت شدحـالا بسته باین‌است که آن برادر زحمت‌را بخود بیشتر ازپیشتر راه دهند ، انشاءالله کاری بکنند که دوست و دشمن بشما و ما نخندد امان است برادر جان من، حالا وقت همت و مردانگی است خدا شاهد است ، مرا توجان عزیزی و یار محترمی - بهرچه حکم کنی بروجود من حکمی .

حالا روز روزدیگر است وکارکار دیگر ، همین‌نوشتهٔ من حجت‌است مرا درخوداختیاری نیست ، آنچه بگوئی وبکنی مختاری، من دربرادری سرتسلیم دارم درحقیقت توقع پدری دارم ازآن برادرکه بسرکار شاهزاده (۱۰) بکینند نه نوکری .

www.tabarestan.info تبرستان

حالا اگر کاری کردی حقوق‌های ولیعهد را به نسبت بجانشین ولیعهدبجای آوردی آن درایت (۱۱) وطریقهٔ مردانگی ونمك شناسی خودرا آشکاربکنی، دیگر چه بنویسم که ندانی، تو دانی وآن مردانگی‌های خودت والسلام (۱۲) .

---

۱ ـ آصف‌الدوله درآغاز سلطنت محمدشاه دعوی صدارت داشت ولی چون حریفی مانند قائم‌مقام درمیان‌بودموفق‌نشد و به‌حکومت خراسان منصوب گردید ، وکارحکومت مشهد را برای پسرش «سالار» فرمان‌گرفت، سالار درآغاز سلطنت‌ناصرالدین شاه طغیان کرد و اسباب زحمت وگرفتاری دولت شد وعاقبت سپاه دولتی بفرماندهی سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه اورا مغلوب نمود .

۲ ـ ولیعهد = عباس میرزا نایب‌السلطنه

۳ ـ مشغول = درمتن سند « مشقول » .

۴ ـ شاهنشاه = فتحعلیشاه .

۵ ـ مقوله ـ درمتن سند « معقوله » .

۶ ـ آقا و ولینعمت = محمد میرزا = محمد شاه قاجار .

۷ ـ الان ـ در متن سند « العان » .

۸ ـ سرکار ولیعهد = عباس میرزا نایب‌السلطنه .

۹ ـ اشاره تبوجه ویژه‌ئی است که فتحعلی شاه پس از مرگ عباس میرزا نسبت به محمد میرزا مبذول داشت و با داشتن فرزندان مقتدر چون حسینعلی میرزا فرمانفرما وحسنعلی‌میرزا شجاع‌السلطنه‌وعلیخان ظل‌السلطان، محمدمیرزارا بولایت‌عهدی برگزید.

۱۰ ـ شاهزاده = محمد میرزا .

۱۱ ـ کلمه « درایت » درمتن سند بصورت « دراست » نوشته شده است .

۱۲ ـ از اسناد خطی وزارت امور خارجه ـ کتاب ۵۶ .

www.tabarestan.info
تبرستان

سند چهارم

یادداشت اللهیارخان آصف‌الدوله

دربارهٔ علیشاه ظل‌السلطان (۱)

ملاحظهٔ عریضهٔ ایلچی انگلیس را سابقاً نموده‌اید ، سواد عریضه ایلچی روس را هم خواهید دید ، حالا که ایلچی انگلیس این عریضه را دیده بیشتر اهتمام درحصول مطلب می کند ، زیاد کوشش می‌نمایند و ما کوتاهی‌نداریم تا قوت بازوی شما چه کند ، حق این است نظم این دوممملکت (۲) کارها را مضبوط خواهد ساخت ، جان من آنقدر کار کرده‌ام بعداز فضل‌خدا که شاه(۳) شاهزاده‌های دیگر را جواب گفته است : کسی که با شما حرف دارد همان ظل است ، خلاصه سخن این‌است ، حالادر ایران و درمیان کل شاهزاده‌ها کسی که میخواهد شمارا خراب وضایع کند واسم‌وولایت و منصب‌برادرش(٤) را صاحب شود همان ظل‌است وبس ، حالا بهرقسم مصلحت دانی‌منهم‌راضی هستم ، این نوشتجات که بشما میرسد کلاً خود بخوانید و خود جواب بنویسید لاغیر .

رأی شاه این است شما به طهران آمده باشید قرار و مدار امورات را باشما داده باشد، شما مصلحت درآمدن با شاهزاده یابی شاهزاده (۵) هریك بدانید بنویسید تا حکمش بشود .

حرف ظل بارکن (٦) و کشیکچی‌باشی (۷) این‌است که خود ولیعهد شود و برود آذربایجان باکل اولاد وهمهٔ اولاد مرحوم ولیعهد (۸) بیایند به خراسان ورکن بیاید به طهران ، کشیکچی باشی برود قزوین ، حرفی که ظل در جزو به «خازن‌الدوله» (۹) گفته‌که اورا رو بخود بکند این است : من که

ولیعهد شدم آذربایجان رفتم باید بهمن میرزا بیاید در طهران باشد تـا بهمن میرزا (۱۰) صاحب اختیار طهران نباید و نشود قبول ولیعهدی نخواهم کرد ، یزه را هم به محمد ولی میرزا (۱۱) وعده کرده است ، این راهنمائی‌ها را به ظل ، سیف سابق کرمان می کند (۱۲) .

فرمانهائی که خواسته بودید با خلعت خواهد رسید ، از قراری که خبر رسید بعداز رسیدن خبرفوت ولیعهد به شیراز فرمانفرما (۱۳) ایلخانی وایل ـ بیگی (۱۴) ومیرزا قاسم‌خان را با میرزا علی‌اکبر (۱۵) گرفته سوای میرزا علی‌اکبر آنها را کشته است لکن وقتی که شجاع (۱۶) از طهران‌رفت پیش‌از این مقدمه بود ، در جزو شاه حکم فرموده بود سوای میرزا علی‌اکبر آنها را بگیرند و تلف نمایند .

www.tabarestan.info تبرستان

وزیر خمسه مرد ، نوشته بودید چهارهزارسوار کفایت است خراسان بیاید ، ما پنجهزارخبر کردیم اول‌جوزا بخراسان بیایند . آقا علی‌اکبراز تبریز آمد عریضه‌ها را درجواب فرمان مبارک که نوشته بودید با سواد عریضه وزیر مختار فرستادم ، به سالار (۱۷) حکم شد سرباز قراگوزلو را درست کند بعد ازعید خود بحضوربیاورد ، بعدازمردن مرتیب خان ، سرهنگ ، فضل‌الله‌خان . حاکم ، محمودخان ، کارکن‌او محمدولیخان‌تاحکم شاهزاده ودستورالعمل شما برسد ، هشت‌هزارتومان شاه ازمن می‌خواهد و من امروز وفردا میکنم که بسال نوانداخته شود . خلعت های خراسان و آذربـایجان پیش‌از عید نوروز خواهد رسید ، دربـاب ابراهیم خان سردار قراجه رأی شمـا چـه چیز است ؟ شاه می‌خواهد در بهار با قشون رکابی بفرستد .

لاچین‌خان (۱۸) و محمود میرزا (۱۹) مذکور است این دو سه روزه واردخواهندشد، کاغذیکه به «امین» (۲۰) نوشته‌بودید دیدم یعنی‌خودش‌داد من‌هم با او گرم گرفته ام.

نوشتجات رمز را محمدحسین بیگ چاپار رسانید چون شمارا اطلاعی از اوضاع نبود بآن قسم‌نوشته بودید والاّ هرگز راضی نمی‌شدید بمن این قسم‌ها بنویسید هرگز زنده نمانم بشنوم شاهزاده (۲۱) گریه کرده یا می‌کند، یا اینکه شما غصه بخورید الحمدلله شما عاقل هستید ومن توقع دارم بشاهزاده پدری نمائید نه نوکری، من‌هم آنچه در قوه دارم کوتاهی ندارم (۲۲).

www.tabarestan.info

۱ - این‌نامه ازطرف اللهیار خان آصف‌الدوله پس از مرگ عباس میرزانایب‌السلطنه به میرزا ابوالقاسم قائم مقام که همراه محمد میرزا (محمد شاه) در خراسان‌بوده‌نوشته شده و ازتوطئه علیشاه ظل السلطان فرزند فتحعلیشاه و برادر عباس میرزا برای گرفتن مقام ولایتعهدی سخن رانده وقائم مقام را برای تثبیت ولایتعهدی محمدمیرزا به طهران فرا خوانده است.

۲ - دومملکت = آذربایجان و خراسان.

۳ - شاه = فتحعلی شاه.

۴ - برادرش = مرحوم عباس میرزا نایب‌السلطنه.

۵ - شاهزاده = محمد میرزا.

۶ - رکن‌الدوله علینقی‌میرزا (پسرفتحعلیشاه) که هواخواه ولایتعهدی‌ظل‌السلطان‌بود.

۷ - کشیکچی باشی = ~~محمد خان قاجار دولو (بعد سپهسالار)~~

۸ - ولیعهد = عباس میرزا.

۹ - خازن‌الدوله = گلبدن خانم یکی از همسران فتحعلی شاه و مادر بهمن میرزا.

۱۰ - بهمن میرزا = بهاءالدوله پسر فتحعلی شاه.

۱۱ - محمد ولی میرزا = از پسران فتحعلی شاه.

۱۲ ـ سیف = سیف‌الدوله میرزا (پسر ظل‌السلطان) که از طرف نایب السلطنه چندی حکومت کرمان را داشت .

۱۳ ـ فرمانفرما = حسینعلی میرزا والی فارس .

۱۴ ـ محمدعلیخان ایلخانی و مرتضی‌قلیخان ایل بیگی قشقائی .

۱۵ ـ میرزا قاسم خان ومیرزا علی‌اکبر = میرزا قاسم خان خلج ـ میرزا علی اکبر کلانتر شیراز .

www.tabarestan.info تبرستان

۱۶ ـ شجاع = حسنعلی میرزا شجاع السلطنه .

۱۷ ـ سالار = پسر اللهیار خان آصف‌الدوله .

۱۸ ـ لاچین‌خان ازسرداران گرجی که درسپاه عباس میرزا درجنگ قفقازشرکت‌داشت .

۱۹ ـ محمود میرزا = فرزند فتحعلی‌شاه (قبلاً حکمران نهاوند) .

۲۰ ـ امین = ظاهراً عبدالله‌خان‌امین‌الدوله وزیراصفهان وازهواخواهان ظل‌السلطان .

۲۱ ـ شاهزاده = محمدمیرزاکه‌ظاهراً برمرگ‌پدرش (عباس‌میرزاولیعهد)می‌گریسته‌است .

۲۲ ـ کتاب ۵۶ ـ اسناد وزارت امورخارجه .

سند پنجم

نامهٔ علی‌شاه ظل‌السلطان (۱) به حشمت الدوله

در بارهٔ مرگ فتحعلیشاه و سلطنت خودش

برادر مکرم مدتها بود چشم براه خبر شما بودم از مشروحه‌شما مسرور شدم از این مصیبت که خاك برسرعالم کرد نباید گفت . . . از اوضاع خود مکرر نوشتم بهمه حال مختصر نوشته می‌شود . . . . اهل اردو بسعی واهتمام ایلخانی نعش مبارك را به قم رسانیده بعد از دفن با کمال آراستگی وارد دارالخلافه‌شده بعدازمراسم‌تعزیه‌داری رکن‌الدوله وشاهزادگان وبزرگان‌ایران و رعیت و لشکر باتفاق بعد از مجالس متعدد و صلاح‌اندیشی صلاح‌را دراین دیدند که متکفل امور سلطنت ما شویم و بـه‌اصرار و ابرام جمیع ناس روز یکشنبه چهاردهم‌را ساعت جلوس دیدند و بمبارکی‌جلوس شد وسکه زده‌شد. بعداز جلوس صلاح را در رفتن رکن‌الدوله (۳) به آذربایجان دیدیم مأمور، رفتن‌شد که برود حرف را تمام کند وقراری بدهد والتزامی بگیرد وایلخانی(٤) را هم با پنجهزار سوار و پیاده و هفت عراده توپ مأمور زنجان نمودیم که رفته پشت بند حرف صلح باشدکه صلح باعجزنشود امیدواریم بخوشی‌بگذرد. کارشان در ولایت بسیار خراب است چون سپهدار (۵) هم تخلف کرده‌نیامده و بوی نفاقی از او می‌آید فرمان بسرکردگان عراق شد کـه هرکس حاکـم ولایت خود باشد ، برادر مکرم شیخ‌الملوك (٦) را هم نامزد فرمودیم بالشکر آمده میانهٔ‌عراق ، خسروخان(۷) را هم بادسته بیات وخلج ساوه باپانصدسوار شاهسون از آنجا مأمورکردیم که همگی باتفاق بروند کار سپهدار را تمام

www.tabaresan.info
تبرستان

کنند ، انشاء الله خواهد شد ، اطراف ولایات هم احدی حرف نزده‌اند ، مازندران که اعظم ولایات بود تمکین کرد بجز مازندران بسطام باین‌طرف هم آرام است ونوکرند، آن برادر آدم خودرا حاضر کند مستعد باشد که اگر آذربایجانی بصدد درنیامد وبیمزگی کند لابد از آن باید آن برادر داخل ملك آنها شود که حواسشان پریشان شود ، آقای حشمت ، آنقدر کاری که شده است شوخی نیست فضل خدا شامل شده است ولکن این‌مظنه‌ها نمیرفت که باین آسانی امربگذرد و حال وقت استراحت نیست وقت زحمت است وننگ و نام ، آدمت را حاضر کن که بمحض خبرباید حرکت کنی انشاءالله تعالی . این‌نامرد امین‌الدوله آخر نامردی کرد واز اصفهان نیامد ومرا معطل گذاشت ، آصف (۸) ملعون‌هم درقم است واز آنجابقدری که می‌تواند فساد می‌کند خدا بکشدش؛ حالا که الحمدلله کارها بدنیست روز بروزهم‌بهتر می‌شود ، قدری قشون در شهر کم داریم بعداز رفتن ایلخانی و خسروخان از بسطام وسمنان و مازندران بقدر سه هزار جمعیت خواستم که زمستان در شهرباشد خواهند آمد از صبح تا شام فرصت نماز و نفس کشیدن نیست امیدوارم بفضل خدا کارها تاشب عید سر وصورتی بگیرد و ازهمه طرف آسوده شویم ، مکرر میگفتی : سه روز خودداری کن تا بتوانیم خودی به تبریز برسانیم . الحمدلله امروز که بیست و یکم است و یك ماه و دو روز است که این وقایع روی داده است خودداری کردیم و جلوس کردیم و قشون جمع کردیم حال وقت کارشماست ونظم آن میانه‌ها ، دیگر خودداری معنی ندارد و انشاءالله از فضل خدا کسی انکار نخواهد کرد و هرکسی بملك خود وحق خود راضی و قانع خواهد شد

www.tabarestan.info تبرستان

مارا حرفی نیست چنانکه درسابق بوده‌اند حال هم باشند دیگر چه حرفی دارند وچه دردی (؟) آدمت را حاضر کن غصه پول مخور بقدر ضرورت هست الحمدلله، ازشماهم مضایقه نیست بقدر کفاف لشکر داده خواهد شد . (۹)

۱- علیشاه ظل‌السلطان دهمین پسر فتحعلیشاه (متولد ۱۲۱۰ ق) در سالهای آخر پادشاهی پدرش حاکم طهران بود پس‌از مرگ فتحعلیشاه در اصفهان (پنجشنبه نوزدهم جمادی‌الاخر ۱۲۵۰) دعوی سلطنت کرد اما موردی میرزا فرزند دیگر فتحعلیشاه که جواهرات سلطنتی را از اصفهان آورد بازوبند دریای‌نور و تاج ماه را بوی تسلیم کرد، محمد باقر خان بیگلربیگی طهران و اما موردی میرزا و برادرش علینقی‌میرزا رکن‌الدوله و ابوالملوك میرزا و میرزاابوالحسن‌خان وزیرامورخارجه اورا تشویق کردند، سرانجام روز چهاردهم رجب در طهران جلوس کرد ، رکن‌الدوله تاج برسر او گذاشت و سیف الملوك میرزا فرزند خودرا ولیعهد کرد و اماموردی میرزا را فرمانده سپاه خود نمود ونقدینه‌های فتحعلیشاه را سخاوتمندانه بداطرافیان بخشید و اللهوردی میرزا را بحکومت تم‌کسیل داشت برخی از اعیان و شاهزادگان از جمله محمد حسین میرزا حشمت الدوله حکمران کرمانشاه (فرزند دولتشاه و داماد ظل السلطان) و محمدقلی میرزا ملك‌آرا حکمران مازندران (فرزند فتحعلیشاه) به سلطنت‌اوتسلیم‌شدند، درخطبه او را عادلشاه خواندند واونام خودرا برسکه «علیشاه» رقم‌زد و محمدجعفرخان کاشی را بوزارت خود برگزید وقزوین و قم و زنجان را بآسانی گرفت .

علیشاه برخلاف محمدشاه (که بسیاری از برادران وعموهای خودرا کورکرد و زندانی نمود) به کسی آزاری نرساند ، چهل ودو روز سلطنت کرد اما امام‌وردی میرزا و سهراب‌خان گرجی فرماندهان سپاه‌او که برای جلوگیری از ورودمحمدشاه به قزوین‌رفته بودند به ظل‌السلطان خیانت کردند وتسلیم‌شدند، محمد شاه‌باوجود مدعیانی چون ظل‌- السلطان (درطهران) وشجاع‌السلطنه و فرمانفرما (درفارس) براثرحسن‌تدبیر قائم مقام و سعی آصف‌الدوله‌سلطنت‌را بدست آورد وروز۲۴ شعبان‌وارد باغ نگارستان شد وهمان‌روز

www.tabarestan.info طبرستان

جلوس کرد وضیاءالسلطنه وفخرالدوله عمه‌های شاه ظل‌السلطان‌را نزدمحمدشاه بردند، عذر بسیار خواست وکلید خزاین سلطنتی و جواهرکوه نور وتاج ماه را تقدیم محمدشاه‌نمود وپس از یکسال که در طهران تحت نظر بود به مراغه تبعید گردید و سپس با مداخلهٔ سفارت روس به عتبات رفت و دولت ایران به او مبلغی سالیانه می‌پرداخت .

۲ ـ حشمت‌الدوله = محمد حسین میرزا (فرزند دولتشاه حکمران کرمانشاه)

۳ ـ علینقی‌میرزا .

٤ ـ ایلخانی = اماموردی میرزا پسرفتحعلیشاه

۵ ـ یوسف‌خان سپهدار حکمران اراك .

٦ ـ شیخعلی میرزا حکمران ملایر و تویسرکان .

۷ ـ خسروخان بیات از فرماندهان افواج دولتی .

۸ ـ اللهیارخان آصف‌الدوله چندی درآستانهٔ حضرت معصومه ماند تاسرنوشت مدعیان‌سلطنت روشن‌شودودرعین‌حال ازهمانجا برای استقرارسلطنت محمد شاه‌می‌کوشید.

۹ ـ کتاب پانزدهم اسناد وزارت امورخارجهٔ .

www.tabarestan.info تبرستان

سند ششم

نامهٔ ضیاء السلطنه (۱) به قائم مقام
دربارهٔ پشیمانی ظل‌السلطان

جناب با احتشام قائم مقام حسب‌الحکم اعلیحضرت شهنشاه، صاحبقران میرزا (۲) مارا بدیدن فخرالدوله(۳) برد، نواب ظل‌السلطان‌هم درآنجاتشریف داشتند بعداز تعارفات رسمی ، ظل‌السلطان فرمودندکه پاره‌ئی اشخاص‌مرا باین راه واداشتند توقع من ازتو این‌است که بخدمت قبله‌عالم عرض کرده و بجناب اتابك‌اعظم (٤) حالی بنمائید که کس‌دیگرمتعرض کسان‌مانشود ، آنچه خرج کرده‌ایم موافق سیاهه همه‌را پس‌میدهیم که دیناری تلف نشود ، ازقراری که می‌شنوم این روزها درمیانهٔ اسباب شاهی وسایرمردم خیلی‌تلف وحیف و میل می‌شود اگرصلاح‌دانید این خدمت را سرکاراقدس به بنده محول فرمایند طوری میکنم که رضای‌ظل‌السلطان بعمل آمده ومال‌پادشاهی‌هم پایمال نشود و هرطورکه آن‌جناب صلاح دانند بهتر است ـ مهر ـ ضیاء السلطنه (۵) .

www.tabarestan.info تبرستان

---

۱ ـ ضیاء السلطنه دختر فتحعلیشاه .　　۲ ـ از پسران فتحعلی شاه .
۳ ـ دختر فتحعلی‌شاه وخواهرتنی ظل‌السلطان　　٤ ـ قائم مقام (میرزا ابوالقاسم) .
۵ ـ کتاب ۱۵ ـ اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتم

نامهٔ بانو "دره" به قائم مقام

دربارهٔ آزادی خسرو میرزا و جهانگیر میرزا

جناب اتابك اعظم نورچشمی جهانگیرمیرزا (۱) وخسرومیرزا (۲) و احمدمیرزا(۳) و مصطفی‌قلی‌میرزا (٤) به اعتقاد شما مقصر ومورد حبس‌بودند که بعضی‌را درخوی و ارومی با ذلت تمام بردند به اردبیل آن جناب‌را به‌نان ونمك نایب‌السلطنه اناراللهمضجعه می‌سپارم که دونفرجوان را مثل پسران‌مسلم درکدام مذهب رواست که بگیرند مثل غلام حبس کنند ، انشاءالله بزودی زود آن جناب را خواهد گرفت ،هرگاه دربارهٔ نورچشمان قراری بگذارد اینجانب چه‌تقصیردارد که اهل افشارنگذارند پا بخارج بگذارد و تبریزبیایدبانورچشمی ولیعهد دوسه‌فقره گفتگو نماید وزیاده ازنورچشمان اینجانب را بحبس‌اندازند معلوم است حبس ما بدون اذن شمانیست‌والاّ اهل افشار این جرأت‌راندارند که اهل وعیال نایب‌السلطنه‌را باین مرتبه بی‌حرمتی کنند، هرگاه‌آن‌جناب حق نان ونمك نایب‌السلطنه‌را میدانست باینگونه امور بهیچوجه من‌الوجوه راضی نمی‌شدکه سی‌سال نمك بخورد و نداند معلوم است بزودی خواهدگرفت واین مصیبت را برسراو خواهد آورد (۵) فرضاً آن جناب دانست که جهانگیرمیرزا و خسرو میرزا از سر تا پا مقصر بلکه خون هم کرده بودند اولاً به درخانه نورچشمی ولیعهد پناه آوردند کسی که پناه آوردباینگونه با او رفتار می‌کنند ؟

ثانیاً کسی مثل آن جناب درخانه باشد هرگز اینطور راضی نمی‌شد بلکه اخراج بلد می‌نمودند باری‌توقعی که دارم این است بزودی‌جواب مراسلهٔ

اینجانب‌را بنویس که تبریز آمده باولیعهد گفتگو نماید که اسیران اینجانب‌را از حبس خلاص کند و به دست اینجانب بسپارد که بجائی دیگر ببرد .

اولاد نایب‌السلطنه از اولاد حضرت یعقوب نیستند بلکه نوکر آنها هستند بآنها اینطور رفتارنمودند، باری بالتماس بیگلربیگی دو سه روزآمدن خودرا بتأخیر الداخت هرگاه جواب‌زود رسید فبهـا و الاّ بدون معجر خواهم آمد، بخدا خوش نمیآید که بعداز مرحوم نایب‌السلطنه بـه اولاد او اینطور بگذرد ، دلیا فانی است شمارا قسم میدهم بسر ولیعهد هنوز کـه اینجانب نرسیده است بجای من با ولیعهد گفتگو نمائید بنائی بگذارید ، خوب اسم ورسم میگذاری دراین پنجاه ساله ، که نزدیك‌است دخترمحمد قلی‌میرزا بمیرد خودش‌سهل‌است بلکه کسی‌را هم‌ضایع کند.انشاءالله قبل‌از آمدن‌اینجانب بنائی‌خواهید گذاشت.

پشت کاغذ مهر ـ کنیز فاطمه «دُرّه»

www.tabarestan.info
تبرستان

---

۱ - ۲ - ۳ - ٤ ـ فرزندان عباس‌میرزا نایب‌السلطنه (برادر محمدشاه) محمد شاه خسرو میرزا (۱۹ ساله) وجهانگیر میرزا (۱۵ ساله) را باصوابدید قائم مقام دراردبیل محبوس‌کرد بعد دستور داد اسمعیل خان فراشباشی آندو را از بینائی محروم ساخت ، مصطفی‌قلی‌میرزا و احمدمیرزا هم در اردبیل زندانی شدند .

۵ ـ بانو «دُرّه» مادرجهانگیرمیرزا و خسرو میرزا پیش‌بینی شگفتی درباره قائم مقام نموده است زیرا قائم مقام درماه صفر ۱۲۵۱ بدستور محمدشاه در حوضخانه نگارستان زندانی وخفه‌شد، غرور قائم مقام وتحریک وتفتین‌شدید گروهی ازرجال‌وشیطنت مسترکمبل وزیر مختار انگلیس ازعوامل برکناری و نابودی قائم مقام بود .

۶ ـ کتاب ۲۰ ـ اسناد وزارت خارجه .

سند هشتم

نامهٔ شیخعلی میرزا (۱) به قائم مقام

در فرمانبرداری از محمد شاه

جناب خالوئی‌ام قائم مقام سلمه‌الله تعالی فرزند ارجمند نامدار سالار آمد و ازمحبت های آن جناب چه خوب آمده است شب وروز به اوصاف حمیدهٔ آن‌جناب و محبت‌هائی که دارید و دراین سفر کرده‌اید مشغول‌میباشم، حق مقام مکرر نوشته‌ام که بعداز فضل خدا وائمه هدی اطمینان قلبی که هست بوجود آن جناب است .

درباب شرفیاب گشتن بخدمت سرکار اقدس صریح ننوشته‌اید ودستور-العمل نداده‌اید ولی فرزند از جان بهترم سالار (۲) میگفت که خوشایند این است که شرفیاب شویم . به چشم، عریضه‌هم نوشته‌ام بخوانید و برسانید و بزودی غلام روانه نمائیدکه بدانم به چه وضع بایدآمده باشم، سواروجمعیتی بیاورم یا بطور مختصر آمده باشم (؟) .

خبر تازه نیست مگراینکه نمیدانم سپهدار (۳) منظورش چیست لازم وواجب است بشما بنویسم زحمات مارا حالا که شما می کشید ماهم بعدازشما کسی را نداریم . این‌روزها مهرعلیخان وزیر (٤) قریب دوهزار تومان موافق حجت شرعی ازمهدی‌خان نامی‌است ملایری (غلام‌من) می‌خواهد و اوفرار می‌کند به‌کزاز (۵) ؛ خان‌هم میرود با چندنفر سرباز در ده او که متصل است به سربندکزاز ازاینکه حضرات باید نگهدارند سهل‌است حمایت‌هم می کنند ،

www.tabarestan.info

دیدم مفسده می شود و حرف حسابی بیحساب خواهد شد نوشتم به خان وزیر آمد گفتم حالا سپهدار آنجا است هزار راست و دروغ می بافد لازم بود بجهة استحضار شما همینقدر بدانید که رفتار آنها چه چیزاست و احتیاط ما از حرف بدگو ومعاندین چه‌چیزاست . پسر آقارفیع آستانه(٦) آمده‌بود با خان قرارداد که مهدیخان‌را پیدا کنند وبفرستند ماهم‌حالا را گفتیم بماند تاشما چه مصلحت بدانید ؟ میگویند بگیریم میگیریم و اگر خودتان محصل می‌فرستید بهتر موافق شرع انور راضی هستیم .

زیاده چه زحمت‌دهم ایام بکام باد - بالای کاغذ مهر - شیخ‌الملوك (٧)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ - شیخ‌الملوك ::: شیخعلی‌میرزا فرزند فتحعلی‌شاه بنیانگذارشهر کنونی‌ملایر وحاکم آن شهر از طرف مادر نسبت‌او به زندیه میرسید (مریم خانم مادر او دختر شیخعلیخان زند بود) .

۲ - ارسلان میرزا سالار فرزند شیخ‌الملوك .

۳ - یوسف خان سپهدار گرجی حکمران سلطان‌آباد (اراك)

٤ - مهرعلیخان وزیر ملایر

٥ - کراز از روستاهای اراك .

٦ - آستانه از روستاهای بین ملایر واراك .

٧ - کتاب بیستم اسناد وزارت امور خارجه .

سند نهم

نامهٔ قهرمان میرزا (۱) به قائم‌مقام (۲) از خراسان

دربارهٔ امنیت خراسان

جناب قائم مقام مراسله شما رسید، خبر فتوحات و گرفتن حسنعلی میرزا (۳) و فرمانفرما (٤) را نوشته بودید لله‌الحمد والمنه، آنچه تا بحال اتفاق افتاده همه خوب بوده است طالع سرکار اقدس پادشاهی انشاءالله بیش از اینها کار خواهد کرد، خبر گرفتن شجاع پدر همه مفسدین و بدخواهان دولت علیه را می‌سوزاند انشاءالله تعالی، عنقریب چاکران جان‌نثار پادشاهی صفحه خراسان را از مفسدین پاك خواهند کرد و بدخواه را دست‌بسته بدربار همایون خواهند فرستاد، قوچان بتصرف عساکر منصوره پادشاهی آمد حکومتش به سردار محمدولی‌خان (۵) تفویض شد، شیروان هم شیرمحمدخان (٦) حاکم شد، منهم انشاءالله بیاری خدا روز شنبه از قوچان حرکت میکنم رو به بجنورد، مقرب‌الخاقان محمدرضاخان (۷) باتوپ وسرباز وجمعیت مشهد به محمدآباد امروز رسیده است فردا به چناران میرسد. ابراهیم خان (۸) را با عرب و پیاده ولایتی به رادکان وچناران فرستادم یقین دارم که زود امر چناران و رادکان خواهد گذشت، همه روزه انتظار مراسله شما و دستورالعمل را دادم.

دهم ماه ذی حجه ۱۲۵۰ (۹).

---

۱ ـ قهرمان میرزا = برادرتنی محمدشاه و حکمران خراسان.

۲ ـ قائم مقام = میرزا ابوالقاسم وزیر دانشمند محمد شاه.

۳ ـ حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه والی کرمان فرزند فتحعلیشاه ازمدعیان سلطنت.

٤ ـ حسینعلی میرزا فرمانفرما والی فارس فرزند فتحعلیشاه از مدعیان سلطنت.

۵ - ٦ - ۷ - ۸ ـ ازسران محلی طرفدار سلطنت محمدشاه که زیرنظر قهرمان میرزا در هنگامیکه شجاع‌السلطنه رهسپار اصفهان شده بود برضداو متحد شدند و شجاع السلطنه و فرمانفرما در شیراز ازبرابر منوچهرخان معتمدالدوله وفیروزمیرزا، شکست خورده دستگیر و روانه طهران شدند.

۹ ـ کتاب بیستم اسناد وزارت امور خارجه.

www.tabarestan.info
تبرستان

سند دهم

نامهٔ محمد مزینانی (۱) به قائم مقام

دربارهٔ خراسان

خداوندکارا بندگان پناها دراین‌اوان که معسکر ظفر بنیان درخراسان باعث امیدواری دولتخواهان و جان نثاران گردید وبقدر قوه واستعداد در خدمتگذاری کوشید وخاطر جمعی تمام بحصول انجامید لازم آمد که مجملی از مفصل اوضاع را از روی صداقت عریضه نگاری نماید این‌است که خوانین مفسد خراسان وناپاکان بی‌ایمان چون‌اوضاع خودرا پریشان دیده‌وازمخالفت بهرهٔ ندیدند حال که دولت را قائم و دائم ملاحظه کردند راهی بجهة خیانت خود نجستند ازقرار ظاهر حرفشان‌این است‌که از ابتدا مخالفتی نداشتیم مگر آنکه بمقرب‌الخاقان محمدرضاخان (۲) راه نمی‌بردیم وبااورفتار نمی‌کنیم، ظاهرآدرین‌خصوص‌عرضی‌هم بسرکار بندگان خدایگان اعظم دام‌اقباله‌العالی میشده از اینکه مقرب‌الخاقان خداوندگار مهربان محمد رضا خان کسی‌است که بدام فریب نمی‌افتد وحیله وتزویر برنمیدارد و میخواهند این‌ناپاکان بعداز روسیاهی وحال‌تباهی این‌حرف‌را مستمسک خود نمایند، هرچند وجود مخلص قابل این‌گونه عرایض نیست و خودرا درعرصه این نمیدانم که چنین عرضی‌را ابراز نمایم لکن جسارت و بی‌ادبی را برخود پسندیدم و این سخن‌را نتوانستم در دل نگهدارم که این اشخاص کسانی هستند که بهمچنین حیله‌ها تاحال امر خودرا پیشرفت داده وراه رفته‌اند اما ازانتقام این دولت خبر ندارند که‌افسون بردار نیست وخائن را نمی پروراند یقین است کـه عقل قاصر این فدوی بجز

www.tabarestan.info
تبرستان

شمشیر آبدار بجهت مخالفین شقاوت آثار بجائی دیگر نمی کشد، خاطر الطاف ذخایر سرکار بندگان سپهرمکان خدایگانی دام اقباله العالی که عقل کل هستند دربارهٔ مفسدین صدهزار بار از این بالاتر است.

دیگر اینکه مزینان(۳) درین عبور جنود ظفرنشان از حیث معدومیت جنس قدری دست تنگ آمد. فریومد و فیروزآباد که دو فرسخی عباس آباد است و در سه فرسخی مهنان اتفاق افتاده وجنس خودرا به کسی نداده اند، متوقع چنانم که در اینخصوص حکمی صادر که درهمه اوقات خرج مترددین منزل عباس آباد را ایشان ازبابت جنس دیوان متحمل باشند که این اهالی وفقرای مزینان قدری رفاهیت دیده ومراعاتی بجهت ایشان حاصل شده بتوانند ازعهدهٔ دیوان اعلی برایند و در کمال آسوده خاطری بـه امر خدمتگذاری و جان نثاری دولت ابد بنیان مشغول باشند، چون لازم بود بی ادبی نمود متوقع چنان است که بصدور رقیمه جات التفات آیات فدوی را مفتخر که باعث سربلندی و مباهات خواهد بود.

باقی امرکم مطاع (٤). (۱۲۵۰)

---

۱ ـ محمد مزینانی از متنفذان خراسان.
۲ ـ محمد رضا خان قراهانی وزیر و پیشکار خراسان.
۳ ـ مزینان = بخش میان شاهرود و سبزوار.
٤ ـ کتاب ۳۰ اسناد وزارت امور خارجه.

سند یازدهم

نامهٔ دونفر از سران گیلان به قائم مقام (۱)

دربارهٔ کار رشت

خداوندگارا ولی‌النعما تعلیقهٔ آفتاب طلیعه که به افتخار این چاکران جان نثار مصدر فرموده‌اند به استصحاب صاحبان کرام آقا لرخان و محمد اسمعیل خان (۲) شرف نزول بخشید و پرتو صدور افکند ، از آنجائی که از الطاف بی‌پایان آن خداوندگار بفرمان قضا جریان پادشاهی روحنا و روح العالمین فداه این فدوی چاکران جان‌نثاران را مورد التفات و مباهات بلا نهایات فرموده اشهدبالله که از عهدهٔ شکر گذاری چنین نعمت عظمی عاجز و قاصریم زیراخدمتی که درخور این مرحمت باشد ازچاکران بظهورنرسیده ، بدیهی‌است که اینگونه بنده پروری‌ها ازمراحم بی‌کران آن خداوندگاراست ، که خواجه خود روش بنده پروری داند .

چون فرمایشات و احکامی که نسبت باین چاکران به سرکار صاحب مکرم آقا لرخان شده بود ، پس از ابلاغ و اطلاع از آن حسب الامر جهانمطاع بخدمات محوله قیام و اقدام و در بلدهٔ رشت از قرار دستورالعمل مترصد و متقبل گشته است که لازمه جانفشانی و اهتمام تمام در انجام آن بعمل آوریم .

چون لازم‌بود که حقیقت مراتب معروض حضور مهر ظهور گردد بوسیلهٔ

www.tabarestan.info
طبرستان

عریضه معروض و جلوه‌گر نظر مرحمت‌اثر مبارك گردید ، مترصداست که پیوسته این‌چاکران را به‌ارجاع خدمات و فرمایشات بین‌الاماثل مفتخرفرمائید (۱۲۵۰) . امرکم‌العالی مطاع مطاع .

پشت کاغذ ـ مهر عبده‌الراجی مصطفی ـ المتوکل علی‌الله عبدالله . (۳)

www.tabarestan.info
تبرستان

---

۱ ـ قائم‌مقام درآغاز پادشاهی‌محمدشاه بیشتر سرجنبانان و فرمانگذاران شهرستانها را بوسیله‌نفوذشخصی باگسیل‌داشتن‌فرستادگان ویژه ونوشتن نامه‌های‌مؤثربه‌فرمانبرداری وادار نمود .

۲ ـ آقالرخان و محمد اسمعیل‌خان = دونفر ازفرستادگان ویژهٔ قائم‌مقام‌که ازطرف او به بیشتر شهرها برای رساندن تعلیمات و دستورهای او فرستاده می‌شدند .

۳ ـ کتاب ۳۰ ـ اسناد وزارت امور خارجه .

توضیح ـ از دونفر نویسندهٔ نامه جز آنکه از متنفذان و فرمانگذاران گیلان بوده‌اند شناسائی بیشتر در دست نداریم .

سند دوازدهم

نامهٔ مکنیل وزیرمختار انگلیس به وزیرلشکر (۱)

دربارهٔ جنگ هرات

در اردو ۲۵ - آپریل ۱۸۳۸ (۱۲۵۳ق)

دوست عزیزمن از قراریکه شنیده‌ام جواب مراسله که به وزیر نوشته بودم حاضراست وازسمت سنگر اظهارشده که حاضراست بنابراین «میجرتاد» را فرستادم وشکرگذار شما خواهم‌بود که نوشتهٔ مزبوررا تسلیم ایشان کنید، من نمی‌خواهم درمیانهٔ سنگر افغان و ایران گفتگوی زبانی با همدیگر بکنید مبادا بعدازاین چیزی واقع شودکه بدخواهان سعی کنند که شاه باین صرافت افتدکه بواسطهٔ گفتگوکه درمیانهٔ شما و «میجرتاد» روی‌داده میباشدمن دوست صدیق شما هستم.

شاه قدغن کرده‌اند که از سمت سنگر فتحی محمد خان مراوده و آمد رفت نباشد. تنها جائی که مرخص می‌کنند درمیانه دروازه قندهار و برج خاکستر است که بعالیجاه ولیخان (۲) سپرده است.

از وزیر (۳) خواسته شود که درباب امیربیك که یکی‌ازچاپاران ما بود و درمنزل شوراب راه خاف اورا گرفته‌اند استفساری کنند گمان میرود که اورا به هرات برده‌اند. (٤)

---

۱ - وزیرلشکر = میرزا آقاخان نوری که درموکب محمدشاه بوده است.

۲ - ولیخان تنکابنی که درجنگ هرات کشته شد.

۳ - وزیر = حاجی میرزا آقاسی.

٤ - کتاب ۲۳ اسناد خطی وزارت امورخارجه.

www.tabarestan.info
تبرستان

سند سیزدهم

گزارش مهندسی روسی(۱) به محمدشاه

در بارهٔ شهربندان هرات

قربان خاکپای مبارکت شوم - فوج گرازیرا از قبله عالم روحنافداه خواستم بجهت محافظت باستیان و سیصدنفر بودند محافظت میکردند . بجهة بعضی امورات یك فوج تمام خواستم که راه به خندق ببرند ، فوج خوی را مأمور فرمودند، حال محبعلی‌خان سرتیپ (۲) میگوید بمن رجوعی ندارد که راه به خندق ببرم، منظور این فدوی این است که سه راه بخندق برده شود یك راه نبی خان سرتیپ (۳) می‌برد یکی هم علیمرادخان (٤) راه دیگررا محبعلی خان باید ببرد ، اختیار با قبله عالم روحنافداه است، جهت سه نقب بردن این است، افاغنه هرگاه یکی از این سه نقب را آتش بزنند نقب دیگر به‌لب خندق رسیده باشد، استدعای این جان‌نثار این است که درین باب حکم صریح صادر شود که محبعلی خان از بردن نقب ابا دارد چون واجب بود عرض شد -

الامرالاشرف الاعلی مطاع مطاع - پشت کاغذ مهر - سمنو . (۵)

---

۱ - سمنو ؛ = موسی‌سیمنوف = مهندس روسی - درسپاه محمد شاه هنگام جنگ هرات نام چند افسر روسی را می‌بینیم که یکی ازآنان همین « سمنو » و دیگری «ژنرال بروسکی» بوده است .

۲ - ۳ - ٤ - ازفرماندهان سپاه ایران‌درجنگ‌هرات (نبی‌خان‌فرمانده‌افواج‌قراگوزلو).

۵ - از اسناد خطی وزارت امورخارجه .

سند چهاردهم

گزارش افسران اردو به محمد شاه

دربارهٔ شهر بندان هرات

بتاریخ یوم یکشنبه چهارم شهر صفرالمظفر (۱) مطابق سال فیروزی مال ایت‌ئیل قلمی و مرقوم می‌شود که از اهل شهر خبرآورده‌اند که بزیر سنگرهای توپ نقب می‌آورند باید امیر و سرتیپ هرسنگر پیش توپ را چاه بکنند وخندق بسازد که نقب آنها عیب بکند، بمجرد رسیدن حکم باید نصف شب هم باشد خندق پیش‌روی سنگر توپها را بکنند و عموم سرتیپان و صاحبمصبان توپخانه مبارکه که درسر توپها می‌باشند همین حکم را مهر کنند که اطمینان و خاطر جمعی حاصل شود ودر سنگر توپها معروض شد که سرتیپ‌ها وسرهنگان قراول نمیگذارند، من‌بعد بخلاف ماضی باید قراول مضبوطی در سر توپها گذارند. فی شهر صفر ۱۲۵۳ـ دستور بخط محمدشاه «جناب حاجی (۲) بنویسید همینطور عمل کنند» پشت کاغذ مهر ـ حاجی ـ محبعلی ـ عباسقلی ـ اسکندر ـ رستم ـ و چند مهر دیگر. (۴) (۳)

---

۱ ـ سال ۱۲۵۳ ق

۲ ـ حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم.

۳ ـ حاجی خان سرتیپ ـ محبعلی خان ـ عباسقلی خان ـ اسکندرخان ـ رستم خان سرتیپ از فرماندهان سپاه ایران درجنگ هرات ، حاجی‌خان قرابلاغی امیر بهادر جنگ از فرماندهان طراز اول ارتش ایران در جنگ هرات .

۴ ـ از اسناد خطی وزارت امور خارجه کتاب ۲۴ .

www.tabarestan.info
تبرستان

سند پانزدهم

پیشنهادهای فرمانفرمای فارس (۱) به محمدشاه

دربارهٔ اوضاع فارس

(۱) من از جانم متعهد می‌شوم که به اندك تقویتی سندرا بگیرم و بحرین (۲) را تصرف نمایم وبصره را عوض خسارت محمره (۳) ضبط نمایم از تصدق فرق مبارك پادشاهی روحنا فداه این خدمات آسان است اگر اسباب واخراجات مرحمت شود. نوشته محمدشاه « نوشتم که بعداز اطمینان از انگلیس به بحرین برود »

(۲) اگر ما اهمال نمائیم انگلیس (٤) وفرانسه در کمین هستند و اینها را تصرف می‌نمایند تأسف برای ما خواهد ماند بالجمله باید درنظم این سرحدات کوشید و امام مسقط را این روزها برای مصلحت دولت تقویت میکنم اگرهم مثل دیگران رشوه میگرفتم هرگز راضی نمی‌شدم و این حرف را نمیزدم. نوشته محمد شاه « فرانسه یعنی کجا را میگیرد » (۲)

(۳) درباب جزیره خارك اوایل که انگلیس آمد هروقت به بالیوز (۵) اظهارشد گفت برای تغییر آب وهوااست حالا میگوید هروقت وزیرمختار (٦) بنویسد من آنها را بیرون میکنم ، اما مصالح بنائی می‌آورند وقلعه می‌سازند حالا باید چاره کرد بعداز این دشوار می‌شود ، اهل فارس همیشه با انگلیس باطناً راه دارند. دو فوج خوب ضرور است درآنجا باشد. خط محمد شاه « از خاك ما هرگز آجر ومصالح وغله ندهید. »

(٤) البته درباب خارك با ایلچی حرف بزنید اگر بخوشی و خوبی

www.tabarestan.info تبرستان

نگذشت قدری قشون با بیست هزارتومان کرایه کشتی بدهید بنده این تعهدات را میکنم وانشاءالله ازپیش می‌برم وهرطوراست آنهارا بیرون‌میکنم. خط محمد شاه « ایلچی اینجا نیست » .

(۵) پارسال چند فروندکشتی میفروختند هرچه نوشتم اذن ندادند حالا کشتی هست ، هفت‌هزارتومان می‌فروشندچه‌میفرمایند(؟)بندروسرحدات اسباب لازم دارد باید پول مصرف کرد و قشون آماده نمود تـا طمع نکنند ، نوشتهٔ محمد شاه « جناب حاجی (۷) هرطور صلاح میدانید بنویسید کشتی‌خریدن‌هم بعداز اطمینان ازانگلیس خوب‌است و الاّ ما بخریم آنها ضبط کنند چه‌فایده دارد (؟) . شعبان ۱۲۵۶ (۸)

www.tabarestan.info تبرستان

۱ ـ فریدون میرزا (برادر محمدشاه) از ۱۲۵۲ تا ۱۲۵۵ ق والی فارس بوده است ، خلاصه‌پیشنهادهای فریدون میرزا بوسیلهٔ حاجی میرزا آقاسی تهیه شده و بنظر محمد شاه رسیده است .

۲ ـ درین هنگام عیسی‌ابن طریف رئیس قبیلهٔ عتوب دربحرین تسلط داشته وادمیرال هیل انگلیسی از او حمایت و نگهبانی میکرده است و شیخ محمد حسن مجتهد بحرینی فریدون میرزا را بتصرف بحرین دعوت می‌نموده است .

۳ ـ اشاره به تجاوز علی‌رضا پاشا والی بغداد به خرمشهر در سال ۱۲۵۳ ق .

۴ ـ درمتن‌گزارش‌بجای « انگلیس » « انگریز » نوشته شده است .

۵ ـ نماینده سیاسی انگلیس دربوشهر ظاهراً همان ادمیرال هیل بوده است (نیروی انگلیس در جریان حمله محمد شاه به هرات در خارك پیاده شد .)

۶ ـ وزیرمختار ـ ماکنیل وزیر مختار انگلیس .

۷ ـ حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم .

۸ ـ کتاب ۲۴ ـ اسناد خطی وزارت امور خارجه .

سند شانزدهم

نامهٔ حاجی میرزا آقاسی به محمدشاه

در شکایت از شغل صدارت

قربان خاکپای آسمان سای همایونت گردم فاش میگویم و از گفتهٔ خود دلشادم ـ بردهٔ عشقم واز هردوجهان آزادم. یك‌هزار تومان‌را عالیجاه معیرالممالك نمیدهد ، به سهرابخان میفرمایند به حاجی بگو بیاورد تنبیه کند، اوهم میان‌مردم میگوید پادشاه‌را نمی‌شناسم، اورا تنبیه میکنم که چنین حرف نامربوط نگوید، سرکار پادشاه روحنا فداه به لفظ مبارك سلطنت به بردهٔملای عاجز پیر شکسته که مدتها است از دنیا ومافیها گذشته مرحمت فرمایند ، بدهن هفتاد پشت من زیاد است که کدخدای یك ده باشم تا بحکومت‌چه‌رسد، تنبیه و سیاست کار سلطان است و بردهٔ ملای نادان نمی‌توانم از حد خود تجاوز کنم و قابلیت آن‌را هم ندارم که کوچکی بکنم تا به بزرگی چه رسد، خواهند فرمود بیعرضه و بیکاره هستی ، بلی چنین است اگر بیعرضه و بیکاره نبودم ملائی ودرویشی‌خودم که هیچ‌مرارت نداشت چه عیب داشت که هرروزه هزارها ناملایم‌ازایلچی روس بشنوم ومتحمل‌شوم، باری از راه‌صدق درویشی و فانی‌آن آستان کردم و خود را داخل زمرهٔ هرزگان نمودم ، آبرورفت ، جان رفت ، مال‌هم‌ندارم که برود قرض بسیاری و پریشان روزگاری .

این مرد ایستاده است که مابین دولتین‌را بهم بزند (۱) نمیدانم‌باآقایش عداوت دارد یا نادان است، امروز بازمیآید بحضورتاچه‌گوید وچه بشنود(؟) دیروز از ظهر تا عصر تنگ برده‌را معطل کرد همینقدر یافتم که غرضش برهم زنی است ، بسیار آدم دیوانهٔ لجوج بیعقل است صاحبمنصبان خودش هم تنگ آمده‌اند مستحضر باشند که باز چه خواهد گفت .

زیاده جسارت ندارم (۱۲۵۹) . الامر الاشرف مطاع .

---

۱ ـ دالغورکی وزیر مختار روس .

سند هفدهم

نامهٔ حاجی میرزا آقاسی به محمد شاه

دربارهٔ وزیر مختار روس

هو - قربان خاکپای آسمان آسای همایونت گردم در حضور باهرالنور عرضه داشتم که جناب جلالتمآب وزیر مختار جدید (۱) پاره [ئی] تعرضها و پیغامات و تهدیدات دربارهٔ دولت خودشان به غلام خاکسار گفت ورساند ومن درجواب گفتم که من از این کارها بری هستم وازآبرو ودین خود برحذر می‌باشم متعهد دخالت دراین کارها نمی‌توانم شد و تهدیدات هم بمن فایده ندارد ، من ازاعلیحضرت ظل اللهی روحنا فداه دراعانت و اهانت کسی مأذون نیستم ، جزئیات و کلیات باید بخاکپای مبارك عرض شود .

گفت : توصدراعظم ایرانی. من گفتم : ملائی هستم فقیر ورعیت می‌باشم نه‌نوکر، نه منصبی دارم و نه دخیل کارکه سر خودکاری متقبل شوم ،از حضرت ولیعهد روحی‌فداه هم اندیشه دارم که ازمن برنجد. باری ، گفت وشنوداز حد گذشت و سخن بطول انجامید ، چنین میدانم که با این مرد به‌کنار نتوانم بیایم و فیمابین نقاری حاصل شود ، فکر کردم که این کاغذ دولتی را زود به او برسانم ، حرف دیگر بمیان نیامد . و شکوه و گله بروز نکرد تامعلوم شود که درجواب چه خواهدگفت ، بعالیجاه مقرب الخاقان مخدومی کفیل مهام دول خارجه (۲) زحمت‌دادم که آن کاغذرا به اسم جناب وزیرمختار جدیدتجدید نماید . فرستادم بنظر اقدس همایونی روحنا فداه برسد اگر مقبول‌است مهر کرده بفرستم - زیاده جسارت ندارم . امرالاشرف مطاع .

نوشته محمدشاه : جناب حاجی دیگر بـه از این کاغذ کـه به ایلچی نوشته‌اید نمی‌شود ، خدا گوش شنوا بدهد وزوری که حرف‌حسابی‌را ایشان مجری بکند آمین (۱۲۵۹ ق) . (۳)

---

۱ - وزیر مختار جدید = دالغورکی وزیر مختار روسیهٔ تزاری ،

۲ - میرزا ابوالحسن خان . ۳ - از اسناد وزارت امور خارجه .

www.tabarestan.info تبرستان

سند هجدهم

نامهٔ حاجی میرزا آقاسی به محمد شاه

دربارهٔ اختلاف با عثمانی و روس

قربان خاکپای آسمان سای همایونت گردم عالیجاه غراف صاحب(۱) برای ابلاغ اخبار دولت روم (که عارف پاشا (۲) برای عذرخواهی از دولت مأمور است که به ارزنة الروم آمده از عالیجاه میرزا تقی خان (۳) عذرخواهی نماید و فوجی از «سیواس» مأمور شده که ارزنة الروم آمده مستحفظ باشد وازاین قبیل گفتگوها) آمده بود؛ بعد از ابلاغ گفتم فی الحقیقه دخیل امور دولتی نمی شوم وکسی را بمن حرف حسابی نیست ملائی هستم میروم پی ملائی خود آنچه خواستم نشد.

اولاً حرکات دولت روم درمحمره و کربلای معلی (٤) علی ساکنها الصلوة والسلام وکردستان وآذربایجان وعدم رد عشایر وایلات وقتل ونهب واسروسلوکهائی که با ایرانی می کنند، عاقبت بعداز توسط دولتین بهیتین و پذیرفتن تکالیف شاقه ایشان امر منجر بمهمانکشی شد واهل سفارت ایران را در ارزنة الروم جمعیت غیر متناهیة با تفضیح بقتل رساندند (۵) و این عار تا دامن قیامت ماند، انتظار دارم که هرقسم سلوک در مهمانکشی آنها رفتار می کنند دستورالعمل ایرانیان بااهالی سفارت سایر دولت ها باشد، بسیار از این نقل مضطرب گشت.

www.tabarestan.info
تبرستان

ثانیاً حرکت دولت روسیه که با زور یا رضا عهدی درترکمانچای بستند الان یك فقره از آن باقی نیست همه‌را برهم‌زدند هرچه‌ازاینطرف باعلیحضرت امپراطوروجنابان «پرنس‌دراتسوف» و «غراف‌نسلرود» و وزرای‌مختار نوشته‌شد یکی‌را نپذیرفتند با اینکه همه موافق عهدنامه بود تا کاربجائی رسید که چاپار را از رفتن تفلیس مانع آمدند، رذالت زیادتر از این نمی‌شود هرچه‌خودشان خواستند همه‌را با اینکه خلاف عهدنامه بود مجری داشتند تاکار بجائی رسید که با زور به استراباد آمدند و با ترکمان مخالطه کردند وقنسول گذاشتندحالا بی‌اذن واجازه کشتی بمرداب آمده گیلان را برهم زده‌اند.

این امر ازپیش مطلقاً نمیرود من میان‌مردم بدنام می‌شوم بهتر این‌است که تاکار بر ملا نشده وامر واضح نگشته‌خودرا برکناربکشم که این‌نقل بجای بد خواهد رسید، من شریك فسادنشوم.

قدری دست و پا زد وقسم‌ها خورد که مقصوداعلیحضرت امپراطوربغیر از دوستی و اتحاد با پادشاه دین پناه روحنا فداه نیست.

گفتم نشانهای بسیاربد وعلامت‌های بسیارغلیظ می‌بینم من عاقلم‌خودرا بورطه نمی‌اندازم که بعداز من‌بگویند که نفهمیده‌کاری کرد و برای دولت ایران ضررشد. گفتم جناب وزیرمختار هم بسیار کتره می‌نویسد وزرای سابق هم نوشتند بجهة مهمان‌بودن متحمل شدم والاّ انسان متحمل این کتره‌ها نمی‌شود.

باری اینطرف وآن طرف دست وپائی‌زد بجائی‌نرسید و رفت، بجهة استحضار قبله عالم وعالمیان روحنا فداه عرضه داشتم که هنگام آمدن وزیر

مختاراستحضار داشته‌باشند وفرمایش به‌استحضارشود. زیاده‌جسارت‌ندارم.

امرالاشرف مطاع.

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ غراف صاحب = کاردار سفارت روسیه.

۲ ـ عارف پاشا = از درباریان بلند پایهٔ سلطان عبدالحمید.

۳ ـ میرزا تقی‌خان = امیرنظام = امیرکبیر در ۱۲۶۱ ـ از طرف حاجی میرزا آقاسی مأمور رفع اختلافات مرزی ایران و عثمانی شد و با تشریفات شکوهمند به ارز روم رفت.

٤ ـ در سال ۱۲۶۰ و ۱۲۶۱ بتحریك نجیب پاشا والی بغداد، خرمشهر موردحمله قرارگرفت و خساراتی از خرابی و غارت و اسارت افراد برآن شهر وارد شد ودرکربلا نیز سپاه نجیب پاشا بیرحمانه نسبت به ایرانیان تجایعی انجام دادند و گروه بسیاری را کشتند.

۵ ـ بدستاویز اینکه در محل سفارت ایران یك پسربچه ترك مورد تجاوز قرار گرفته، اهالی ارز روم شورش کردند و گروهی ازهمراهان امیرنظام زخمی‌وکشته شدند وعمارت‌محل‌سکونت‌اوویران گردید واثاث‌آن‌به‌غارت‌رفت، فریق‌بهری‌پاشا فرمانده‌پادگان سیواس (نزدیك ارزروم) به ارز روم آمده امیرنظام ویارانش را چند روز بپادگان برد وهم او بجای اسعد پاشا حاکم ارزروم شد و دولت عثمانی پانزده هزار تومان غرامت اثاث غارت شده را به امیرنظام داده

سند نوزدهم

نامهٔ دیگر از حاجی میرزا آقاسی

دربارهٔ عهدنامه ایران وعثمانی

قربان خاکپای آسمانسای همایونت گردم ازبس که جنابان جلالت مآبان وزرای مختار دولتین سنیتین مرا عاجز کردند با این قسم رفتار بردهٔ کمترین درکمال شدت وخفت و ابتذال ودیوثی راه میروم ، صبح زود عالیجاه میرزا حسینقلی(۱) آمد که کلمه « الفاظ » را بردارد و بجایش « عبارات » بنویسد ، باینطورکه، بدون تغییر معانی وعبارات ، کمترین بردههم قبول کرده کاغذرا مهر کرده دادم وسوادش را برداشتم ، حالا عالیجاهان دوستان مهربان غراف صاحب روسیه ومستر کلن صاحب انگلیس باکاغذی که سراپا تهدید و تشدد بود وبنظر مبارك همایون میرسد وارد شدند ، من گفتم بعدازاینکه اختیار به دست عالیجاه میرزا تقی خان خواهدافتاد هرچه کاغذ من دادهام رد نمائید وشماهم دستورالعمل بدهید ، عالیجاه میرزاتقیخان بنویسد ومبادله کند (۲)، بعداز این منتظر امضای اولیای دولت روم و امنای دولت ایران باشند ، برده نهوزیرم نهوکیل باین قسم امور دخیل نمیشوم ،(۳) برای استحضار حضرت همایون ظل اللهی روحنافداه عرضه داشت . زیاده جسارت ندارم (۱۲۶۲) - الامرالاشرف الاقدس مطاع .

---

۱ - میرزا حسینقلی = منشی یکی از دو سفارت روس یا انگلیس که واسطه عقد قرارداد مرزی بین ایران وعثمانی بودند .

۲ - قرارداد مرزی ایران و عثمانی در جمادی الثانی ۱۲۶۳ ق امضا شد و میرزا تقی خان در آن قرارداد مرتکب اشتباهاتی شد که قریب یکصد سال موجب بروز اختلافاتی بین ایران وعثمانی میگردید .

۳ - یکی ازسیاست بازیهای حاجی میرزا آقاسی همین بوده است که درمواقع مقتضی خودرا بدون اختیار و یك ملای فقیر معرفی میکرده است .

www.tabarestan.info

سند بیستم

نامهٔ دیگر از حاجی میرزا آقاسی به محمدشاه

دربارهٔ عهدنامه ایران و عثمانی

قربان خاکپای آسمان آسای همایونت گردم ایزد تعالی روز بروز بر عمر و دولت روز افزون بسیار بسیار افزون گرداناد ؛ مژدهٔ فتح و فیروزی عساکر منصوره الحمدلله تعالی رسید (۱) دشمنان مقهور گردیدند و عساکر منصور آمد ، دعای بسیار هنگام افطار کردم واهب بی منت بر شکستگی و عجز این درویش فقیر عطاها فرمود، بشکرانهٔ این موهبت عظمی زیارت آستانه مقدسه لازم است و نظم خراسان واجب، جناب وزیر مختار دولت بهیه روسیه (۲) امروز آمده بود و کاغذی از جناب جلالت مآب غراف نسلرود داشت (۳) اعلیحضرت امپراطور اعظم بسیار رضامندی از مصالحه روم فرموده بودند(۴) خودش هم اظهار کرد هر خدمتی باشد اعلیحضرت ظل اللهی روحنا فداه مقرر دارند. چند دانه هلو از باغ آورده بودند ایفاد حضور همایون شد.

زیاده جسارت ندارم (۱۲۶۳).   الامر الاشرف مطاع.

www.tabarestan.info
تبرستان

---

۱ ـ پیروزی در نواحی خراسان بوده است.

۲ ـ وزیر مختار روسیه = دالغوروکی.

۳ ـ غراف نسلرود = وزیر خارجه روسیه.   ۴ = قرارداد مرزی ایران و عثمانی که در ج ۲ ـ ۱۲۶۳ ق بین امیرنظام و سعدالله افندی بسته شد.

سند بیست و یکم

نامهٔ امیرنظام به نمایندگان روس و انگلیس

در باره یورش مردم ارزروم به سفارت ایران

عالیجاها بلند جایگاها فطانت و درایت همراها مکرم دوستانا مهربانا روز یکشنبه ۲۴ شهر رجب چنانکه خود شنیدید و معاینه بچشم دیدید بل کونسولهای مقیم این شهر وسایر مسافرین وغرباء که دراین شهر بودند همه دیدند وشنیدند که بدون نیم ساعت خبرداری سابق دوستدار بی جهة وسبب وبدون دست آویزی حسابی از راه لجاج ومحض افتضاح دوستدار مسلح ومکمل پنج شش هزار نفر غفلتاً با شمشیر و تفنگ وطپانچه برسرمنزل دوستدار ریختند و خانه‌را از بام و در خراب کردند واز هرطرف آتش زدند و پنج شش ساعت متوالی هجوم آوردند با تفنگ واسلحه برسر دوستدار وآدمهایم ریختند وتاتوانستند ازسعی در قصد کشتن دوستدار و آدمهایم ویغما کردن مال کوتاهی نکردند و یک نفر نویسندهٔ دوستدار میرزا حسن نام‌را درخارج آن‌خانه بدست آورده پارچه پارچه کردند ویکنفر احمد نام دیگر را در همانجا کشیده وپیش روی پاشایان نظام پارچه پارچه کردند وچندنفر دیگر که همه حاضرند زخمدار کردند وآنچه‌هم از نقد و جنس واسباب و اشیاء بدست آمد بردند بخودم هم پیش از رسیدن پاشایان نظام وبعداز آن درحضور آنها از انداختن گلوله و زدن سنگ وشمشیر کوتاهی نکردند بالاخره بعداز چندساعت اینگونه گیر و دار که این آشوب جزئی تشکیل یافت شما خود بآنجا آمده وجمیع اوضاع زخمدارها وکشته‌ها و خانهٔ خراب وآتش زده و یغمای اموال و اشیاء را مفصلاً دیدند که حاجت بتفصیل نیست ، بعداز آن بصوابدید شما قرار شد که دوستدار و آدمهایم آمده

www.tabarestan.info

در چادر عـالیجاه بهری پاشای فریق یك دو روزی نشسته تـا چنانکه شایستهٔ شأن مأموریت دولت ابدمدت علیه ایران است باهم که لازم باشد قراراجرای تنبیه و سیاست مرتکبین این تقصیر عظیم و رد اموال منهوبـه را بدهید و قرار امنیت وامکان اقامت بعدراهم بگذارید ، تا امروز که روز سوم است نه یکنفر مقصر گرفته شده ونه قراری معلوم شده نه کسی سیاست شده و نه امنیتی از برای دوستدار حاصل است ونه آرامی هست ، چون انعقاد این مجلس ارزنةالروم و اقامت دوستدار در این ولایت معلوم است بـا امر اولیای دولت ابد مدت علیه ایران و صوابدید دو دولت بزرگ واسطه است و شماهم که دو مـأمور متوسط هستید برای انجام این مطلب دراینجا توقف دارید درینصورت دوستدار را میرسد که بهرجهة از شما قرار اجرای تنبیه و سیاست و قـرار امنیت آتیه در این شهر را بخواهم تا مراتب را بعرض اولیای دولت متبوعه خود برسانم لهذا بشما اظهار میکنم وخواهش دارم که تا پس فردا که روز پنجم این مقدمه است از آخرین قرار وجواب شما مستحضر شوم ۲۶ رجب ۱۲۶۲ . (۲)

---

۱ ـ میرزا تقیخان امیرنظام (امیرکبیر) در ۱۲۶۱ ق بعنوان سفیر فوق‌العادهٔ ایران به ارزروم رفت تا با میانجیگری نمایندگان روس وانگلیس عهدنامه دیگری دربارهٔ رفع اختلافات مرزی ایران وعثمانی تنظیم کند و مواردابهام عهدنامهٔ ۱۲۳۸ را برطرف سازد، مأموریت او بسیار طولانی شد و در رجب ۱۲۶۲ دراثر نادانی یکی از مأمورین ایران و بعضی تحریکات سیاسی مردم ارزروم شورش کرده به محل سفارت ایران حمله بردند ، امیرکبیر در نامه فوق (که رونوشت آن را بوزارت خارجه فرستاده است) شرح آن حمله را نوشته است . امیر کبیر سرانجام در ۱۲۶۳ موفق به تنظیم عهدنامه ارزروم گردید ولی عهدنامه بعلت ابهام و بی دقتی رافع اختلافات نشد (کتابچه رساله سرحدیه از میرزا جعفرخان مشیرالدوله و کتاب مرزهای نا آرام از ابراهیم صفائی دیده شود) .

۲۲ ـ کتاب ۵۶ ـ اسناد وزارت امورخارجه .

www.tabarestan.info

سند بیست و دوم

گزارش میرزا آقاخان نوری به ناصرالدین شاه

دربارهٔ شکست خان خیوه

قربان خاکپای اقدس همایونت شوم انشاءالله، نزدیک است عرض کنم دیگر آرزوئی ندارم، پریروز بجهة گرفتن توپ خان خوارزم عرض کردم در سلام نفرمالید با اینکه درعهد پادشاهان دیگر داخل فتحهای نمایان بود لکن این بندهٔ شاهنشاه روحی فداه لایق شأن ولینعمت خود نمیدانم .

دیروز خان خیوه (۱) نامه بشاهنشاه نوشته بود خطاب برادر کرده بود ، تا صبح از خجالت مردم و بحضور نفرستادم، الحمدلله سر او با نامه به آستان مبارك آمد حالا میتوان عرض کرد درپیری خدمت کردم لایق مرحمت هستم، اگرهیچ نکردم بختم در نوکری با این بخت پایدار مساعدت کرد ، الحمدلله خدمات بزرگ کردم ، همیشه مستحق مرحمت بودم لکن این دخلی بآن خدمات بندرعباس (۲) وتوپ خان خیوه (۳) ندارد .

به چاپار خلعت مرحمت شود تا نوبهٔ التفات این چاکر هرچه بخواهم باید مرحمت شود . (٤) امر اقدس اعلی مطاع ۱۲۷۱ . (۵)

---

۱ ـ محمدامین خان ـ سلطان خیوه (خیوق) و خوارزم با ایران درگیری داشت زیرا ایران قبل ازتصرف شهرهای ترکستان از طرف روسیه تزاری برای خود در آن شهرها حق مالکیت قائل بود . خان خیوه هم که گاهی بمرزهای خراسان تجاوز میکرد،

www.tabarestan.info تبرستان

در ۱۲۷۱ در جنگ با سپاه ایران کشته شد و سر او وجمعی از سردارانش را به طهران آوردند وضمن یك مراسم رسمی کـه برای آن پیروزی برپای شد شمس‌الشعراء سروش اصفهانی چکمه‌ئی خواندکه چند بیت آغازش‌چنین است :

افسر خوارزمشه که سود بکیوان | با سرش آمد درین مبارك ایوان
بهرپذیرای جنگ لشکری آراست | پیش زبرگ درخت وریگ‌بیابان
کشتند او را ولشکرش بشکستند | لشکر شاهنشه مظفر ایران

www.tabarestan.info
تبرستان

۲ ـ اشاره به حادثه بندرعباس‌که در ۱۲۷۰ چندماه سلطان مسقط بران بندرچیره شد و در همانسال سپاه ایران اورا بیرون راند .

۳ ـ اشاره به جنگ ۱۲۷۰ میان سپاه‌ایران و سپاه خان خیوه که سپاه ایران‌چندتوپ به غنیمت گرفت .

٤ ـ میرزاآقا خان خدمات استانداری فارس وخراسان وفداکاری سپاهیان را درشمار خدمات خود محسوب داشته است !

۵ ـ کتاب ٤۷ اسناد خطی وزارت امورخارجه .

سند بیست و سوم
گزارش حسام‌السلطنه برای دبیرالملك
در بارهٔ فتح هرات

حضرت دبیرالملك (۱) وفقه‌الله تعالی - انشاءالله فتحنامه هرات‌را خوب جواب‌خواهیدنوشت وزحمت ومرارت‌های‌مرا بطورشایسته درفرمان همایون بیان‌خواهیدکرد حالا وقت جولان قلم دبیراست .

وقت آن شد کای دبیر بی‌نظیر — که تـوام دستی بجنبانی بخیر

فضل و عنایت خداوندی شامل حال‌من ضعیف شد وخدمت مرجوع‌را به‌اتمام رساندم تا شماآن‌همه تعهدات را که میکردید و وعده‌های زیاد را که می نوشتید کی بجابیاورید (۲) اگر بگوئید که نمی توانم ، کیست که‌باور کند خدمت باین بزرگی‌را از ابتدای سلطنت قاجاریه اگرکسی کرده‌است بنده‌ثانی باشم‌والا" به‌اندازهٔ خدمتم باید مرحمت والتفات‌ببینم، اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاهی روحنافداه وجناب مستطاب اشرف ارفع (۲) دام اقباله را شکر زیادی لازم است که نایب‌السلطنه مرحوم وشاه مرحوم باآنهمه جمعیت دراین خاك وقلعه‌چقدرها معطلی کشیدند و آخر امر دق کردند، الحمدلله قلیل قشونی از دولت با پست‌ترین نوکری مأمور شد و در مدت قلیل هرات و توابع آنرا با ایلات وطوایف اطراف تصرف کرد ، خوب فکر کنید ببینید تاچه مرتبه‌شکر دارد ، شکرانهٔ بازوی توانا آزادی‌صید بی‌گناه‌است که مرخصی‌خودم باشد واذن‌شرفیابی والسلام، باین سرکردگانی که مأمور این خدمت بودند بهمه التفات و مرحمت لازم‌است ، هیچکس‌را موضوع نمیکنم هرکس‌دراین اردوبخدا قسم که بقدر اندازه وطاقت وتوان‌قبول زحمت کرد . مقرب‌الخاقان

قوام‌الدوله (۳) به اندازهٔ خودش بیچاره شب وروز برای گذشتن این کار بخدا قسم که آرام نداشت ، ایلخانی (٤) جان و مال و عیال را دراین‌راه گذاشت میرپنجه و سرتیپان و سرهنگان افواج دیوانی کلهم، عراقی و آذربایجانی و خراسانی و هراتی همیشه درزحمت و مرارت بودند .

مسیوبهلر (۵) ازاین طورگذشتن کارهرات درجرت است که چرا بتدبیر او شهری مفتوح نشد اگرچه غایت مقصود او سرتیپی بود که قبل ازافتتاح شهر بشرط افتتاح از من حکم و نشان سرتیپی گرفت او هنم باندازهٔ نقطه‌های خودش که می‌چید کاری کرد، خلاصه خدمت بزرگی ساخته شد وبشکرانهٔ این موهبت ومرحمت خداوندی شما از جانب من خدمت جناب مستطاب اشرف ارفع عرضه دارید که بهمه مرحمت والتفات بفرمایند از بـابت پاشاخان هم چون آن‌احکام بعداز فتح‌هرات رسید دیگر ابراز مطلب را صلاح ندانستم‌حالا که کار گذشت باید از آن بیچاره هم گذشت نمود .

www.tabarestan.info تبرستان

عجب بموقع خبر فتح هرات بشما میرسد . کشتی‌های حضرات بعد از استماع این خبرقطعاً بگل می‌نشینند و داغ این‌کار دردل اثر می‌کند الحمدلله الذی اعزجنده ونصرعبده وهزم‌الاحزاب . . . فتح و ظفر ونصرت و پیروزی و اقبال با عز خداوند قرین بودند ، امسال حالا اول کار این صفحات است فکر درستی بکنید من که شرط کرده‌ام‌اسمی‌ازپول‌نبرم اگربمیرم • مردم‌این‌صفحات بعدازفتح‌هرات کم‌کم میآیند چیزی‌هم‌نیست حساب پول سابق راهم‌قوام‌الدوله فرستاده است خواهید دید ده‌هزارتومان که قرار است به هراتی نوشته‌اند داده شود، غله وتدارك چهارپنج‌فوج ساخلو هرات‌ازکجاخواهد رسید(؟) خودتان حساب جیرهٔ‌آنهارا بقیمت هرات بکنید وپولش‌را بخودشان بفرستیدمن‌رجوع ندارم بمحض اینکه پول بدست‌من رسید خواهم‌خورد(!) فکر باقی اخراجات

مردم هم باشید. درپشت کاغذ - افواجی که دراطراف شهرسنگر داشتند بعداز تصرف دروازه وبروج و ارك امروز که دوشنبه ۲۷ بود حکم فرستادم وسنگرها را خالی کرده به اردو آمدند درنهایت شکر وجلال والسلام.

(صفر ۱۲۷۳) - پشت کاغذ - مهر - حسام‌السلطنه . (۶)

---

www.tabarestan.info تبرستان

۱ - میرزا محمدحسین دبیرالملك فراهانی وزیر رسائل و منشی مخصوص شاه .

۲ - میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری (صدر اعظم) .

۳ - میرزا محمد قوام‌الدوله وزیر خراسان در ۱۲۷۷ زمان استانداری حمزه میرزا حشمة‌الدوله پس از اینکه سپاه ایران در سرخس از ترکمن‌های مرو شکست سختی دید با صورت بسیار خفت‌باری از کار بر کنار شد ولی این گزارش حسام‌السلطنه دلالت بر کاردانی ووطنخواهی او دارد وچنین می‌نماید که شکست دربرابر ترکمن بیشتر در اثر ناشایستگی حمزه میرزا بوده است .

۴ - ایلخانی = سامخان زعفرانلو

۵- بهلر- کارشناس اطریشی که باروت‌خانهٔ سپاه خراسان درمشهد زیرنظراو بوده‌است .

۶- کتاب ۱۱۵ - اسناد وزارت امور خارجه . توضیح = تاریخ فتح هرات بدست سرداران ایرانی ۲۵ صفر ۱۲۷۳ ق بوده و حسام‌السلطنه درغره ربیع‌الاول درمسجدبزرگ هرات بنام پادشاه ایران ناصرالدین شاه خطبه خواند وسکه‌های طلادرضرابخانه هرات بنام شاهنشاه ایران ساخته و بین مردم توزیع گردید و تمام بزرگان هرات اطاعت ایران را پذیرفتند .

سند بیست و چهارم

گزارش حسام‌السلطنه به صدراعظم (۱)

دربارهٔ تصرف فراه (۲)

اگر خیال اولیای دولت تصرف قندهار و کابل است حالا که بحمدالله هرات مفتوح شد و از این عمل آسودگی دست داد اسباب آن صفحات هم دردست است هر که را باین خدمت مأمور خواهند فرمود بفرمایند، برادرزاده‌های امیر دوستمحمدخان (۳) که اسباب کارند عماً قریب شرفیاب آستان همایون می‌شوند از اینها کارهای خوب ساخته است، هزاره‌جات پساکوه که قریب چهل پنجاه هزار خانوارند همه عریضه نوشته‌وهمراه شاه‌الدوله‌خان فرستاده‌اند ومنتظر رجوع خدمت هستند، اولاد کهندل‌خان (٤) هم حاضرند همینکه خبر فتح هرات بآنها و به‌قندهار بهار رسید دور نیست مایهٔ اغتشاش کار کابلی‌شده مفسدهٔ برپا کنند، احتمال میرود که خیرالله خان (۵) بعداز فتح هرات ارك فراه را تسلیم نماید، خیال‌دارم که فردا به خان‌ناظم که درجوین است بنویسم که برود به فراه و خیرالله خان را ببیند و ارك را تخلیه کرده وازقاینی ساخلو بگذارد وخیرالله خان را خاطر جمع کرده باخود بیاورد انشاءالله و اگر مطمئن‌نشد و ارك را تخلیه نکرد محمدصدیق خان و محمدعمرخان را باید درشهر فراه نگاهداشت و بآنها تقویت کرد و بجان او انداخت . درباب حرکت وسکون درهرات در باب پیادهٔ جوین بعداز فتح هرات در باب سرخس اینطور که فرمایش‌خواهید فرمود زود بفرمائید که بداتیم قرار ساخلو ارك و دروازه را اینطورخواهم‌داد

که محمدرضاخان سرتیپ با دو فوج جمعی خود درارك باشد و حسنعلی‌خان سرتیب (۶) دروازه‌ها را آدم بگذارد و محافظت شهررا بکند واحدی را از اهل‌اردو بی بلیط بشهر راه‌ندهد، بعداز جابجا شدن سرباز در ارك و دروازه آنوقت خودم به ارك میروم و درتدارك ارك آنچه لازم است اهتمام میکنم که از هربابت نقصانی نداشته باشد، ایلخانی (۷) خالی ازهمه‌چیز درست خدمت کرد وخوب از عهدهٔ خدمت خود برامد بخدا قسم زحمتی که او کشید دراین اردو درقوه احدی نبود وخدمتی‌هم که اوکرد هیچکس نکرد التفات درستی لازم دارد ازلقب ونشان و همه‌چیز، امیرحسین‌خان برادرش را هم فرستاد که عرض خدمات و زحمات اورا بکند و مژدهٔ هرات را هم ازجانب ایلخانی‌او آورد انشاءالله مورد التفات خواهدشد بخالی ازهمه‌چیز حسنعلی خان‌سرتیپ گروسی خوب خدمت کرد اگرچه درحق‌او و محمدرضاخان (۸) هرچه‌بنویسم محتمل به غرض خواهم بود لکن به ارواح نایب السلطنه مرحوم (۹) که بی‌غرض می‌نویسم الان نشیمن افواج گروس در یکصدقدمی خندق بسته‌شده و خندق‌را تصاحب کرده‌است حیف که اولیای دولت عایه دراینجا تشریف‌ندارند که کار مردم را درست ببینند وکذلك محمد رضاخان، آنهم با دوفوج ناقص خود در کنار دروازهٔ عراق اردو زد وشب و روز با شهری در جنگ و جدال بود، باقی سرکردگان هم خدمت کرده‌اند و سربازان زحمت ومشقت کشیده لکن کاراین‌دونفر زیاد بود و آدمشان کم، چون خودشان کارکن بودندبحمدالله وهنی حاصل نشد و خوب از عهدهٔ خدمت برامدند اسکندرخان و یوسف خان هم دائم درزد وخورد بودند و بسیارخوب پاداری کردند، سرکردگان افواج وسواره‌همه‌علی قدر مراتبهم‌خدمت کرده‌اند، انشاءالله‌باچاپار بعدتفصیل‌خدمت

آنهارا عرض وتقاضای التفات ومرحمتشان رامیکنم وخست نفرمائید ، مواجب عیال فرمانفرما(۱۰) راحالا که خدمت هرات بعمل آمدچون وعده داده اندبایدسه هزار تومان بفرمایند که بقرار فصلی دوعشردو هزار وچهارصدتومان بآنهابرسد ، تمسك چهارهزارتومان راکه بوعدهٔاین خدمت بنابود پس بدهند و التفات بفرمایند انشاءالله خواهند گرفت التفات شود ونقلی نیست ، سلامتی وجودمبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روحنا فداه برای ما ازهمه چیز بهتروبرتراست چون تودارم همه‌دارم ، دستورالعمل افواج وسوارورا توجه باید کرد زود بفرستید که تکلیف معلوم شود چاپاردولتی امروز که دوشنبه۲۵است رسید ، الحمدلله وقتی رسید که عیسی خان(۱۱) و سایرین درحضور بودند خجالت نکشیدم که بخوانم دانستم کـه قلم شما تندرفته حکایت مزح و حرف های مزخرف «مرجفون فی الاردو» اولیای دولت را خیلی پریشان کرده بخداقسم اکثری دروغ نوشته‌اند وخیالات شماهم بیجاست چون کار گذشته است بهتر آن است که نخوانم و جواب عرض نکنم که مایهٔ دلسردی از خدمت است .

پشت کاغذ ـ مهر حسام السلطنه (۱۲) ربیع الاول (۱۲۷۳) .

---

۱ ـ صدراعظم = میرزا آقاخان نوری .

۲ ـ فراه = ازشهرهای مرزی ایران و افغان در نزدیك هرات .

۳ ـ ٤ ـ امیردوستمحمدخان وکهندلخان درجنگ اول هرات (۱۲۵۲) سردار کابل و قندهاربودند . ۵ ـ خیرالله خان = سردارفراه . ٦ ـ حسنعلی خان = امیرنظام گروسی .

۷ ـ ایلخانی = سامخان . ۸ ـ محمد رضا خان سرتیپ .

۹ ـ نایب السلطنه = عباس میرزا . ۱۰ ـ حسینعلی میرزا .

۱۱ ـ عیسی خان سرتیپ . ۱۲ ـ کتاب ۱۱۵ ـ اسناد وزارت امور خارجه .

(توضیح ـ حسام السلطنه سردار نامی ایران که همه‌جا با فتح و پیروزی همراه بود پس ازتسخیرهرات تصرف قندهار وکابل را در اندیشه‌داشت ولی صدراعظم نالایق و متکی به سیاست بیگانه درصدد عزل و برکناری او بود) .

www.tabarestan.info تبرستان

سند بیست و پنجم

نامهٔ فرخ خان امین‌الدوله به میرزا آقاخان

در بارهٔ مناسبات ایران با انگلیس و روس

خداوندگارا. «لردکاولی»(۱) را دیدم فقرات لازمه‌را مفصل ومشروح بقدری که می‌توانستم باو گفتم و لازمهٔ همراهی را از او خواستم ؛ در باب «استونس»(۲) ازحالت اوچنان فهمیدم باکمال میلی که (بسبب حرفی که اول خودبمن‌زده) بمراجعت اودارد ولی بزودی‌عزل اورا مشکل میداند چون خود چنانکه سابق عرض‌کرده بودم‌کاغذ به وزیردول خارجه‌انگلیس خواهم نوشت به اوهم گفتم اوهم مصلحت دانست کاغذی نوشتم و چون اغلب کاغذهای فارسی را مترجمین انگلیس درست نمی‌توانند ترجمه بکنند یا اغلب نکات مطلب ازمیان میرود یا تغییرمعنی میدهد واین فقره یك‌عیب بسیاربزرگی‌است که اغلب کاغذهای دولتی که در این مدت از وزارت خارجه و غیره که به آنها نوشته شده باعتقاد فدوی اصل مقصود اولیای دولت‌علیه کمترحالی آنها شده است و همچنین بعضی کاغذهای فدوی که بی ترجمه داده‌ام ، لابد میرزا ملکم خان ترجمه‌کرده کاغذ رابا ترجمه فرانسه فرستادم که هم‌لردکاولی ببیند وهم مطالب درست حالی آن ها بشود وفرستادم سواد کاغذ را که ملاحظه بفرمایندازتفصیل‌مطالبی که‌با«لرد کلرندن»(۳) بمیان‌آورده‌ام‌استحضارحاصل خواهند فرمود وهروقت جواب کاغذ برسد خواه درپاریس یا اسلامبول‌تفصیل را بعرض عالی خواهم رسانید ویقین دارم خود لردکاولی چه بسبب تقریرات

فدوی چه بسبب سفارش وزیر دول خارجه فرانسه لازمهٔ همراهی را خواهند کرد، تصدیق نامه‌های مرحمتی هم مبادله شد مگر با دولت پروس که اشکالات بمیان آمده است سبب این است که همه دول جرمانی که جزو عهدنامه پروس بودند بسبب استقلال خودشان خواستند عهدنامه ازخود بدهند وازدولت علیه عهدنامه سوا بگیرند، ایلچی دولت پروس هم اصرارزیاد داشت ازجانب دولت خودش که ما ناچاریم در همراهی با آنها؛ فدوی میدانست اگر این فقره رجوع بدارالخلافه بشود خالی‌اززحمتی نخواهدبود، گفتم این کارمقدور نیست، دولت ایران محض میل قلبی که بدولت پروس داشت قبول کردکه با آنها هم عهدداشته باشد ولی‌بهریک سوا سوا تصدیق‌نامه دادن گویا باین‌زودی مقدورنباشد، بالاخره پس ازحرف زیاد طرفین و مکرر جوع کردن بدولت خودش ازاین قرارگذشت که فدوی اصل عهدنامه را بدولت پروس بدهم و ونوزده سوادکه درصورت از خط و تذهیب وجلد مثل عهدنامه پروس باشد حاضربکنم؛ بیست عهدنامه بگیرم و یك اصل تصدیق‌نامه ونوزده سوادبایلچی پروس‌بدهم ودر آخر سواد تصدیق نامجات بنویسم که آنچه دراین‌اوراق‌نوشته شده مطابق تصدیق نامهٔ همایون اعلی است که بدولت پروس داده می‌شود بهمین طور نوزده سواد را نویسانده تذهیب وجلد ترمه کرده دیروزبا ایلچی پروس حاضرشده تمام کرد. گفته‌ام میرزا ملکم‌خان مفصل‌تر بنویسد. مختصراً اینقدررا عرض کردم که اگرنوشتهٔ او بااین چاپار نرسد بندگان ولی‌النعمی بی استحضارنباشند ـ والسلام (۱۲۷۴).

---

۱ ـ لردکولی = سفیر انگلیس در پاریس.

۲ - استیونس = کاردار سفارت انگلیس درطهران پیش از قطع روابط .

۳ - لردکلرندن = وزیرامورخارجه انگلیس .

٤ - کتاب ۳۷ - اسناد وزارت امور خارجه .

توضیح : فرخ‌خان‌غفاری (امین‌الدوله کاشی) عاقد قرارداد استقلال شکن پاریس مورخ ۷رجب ۱۲۷۳ (۴ مارس ۱۸۵۷) میباشد، اوسفیر ایران درعثمانی‌بود و پس‌از فتح هرات از طرف ارتش ایران و اولتیماتوم‌دولت انگلیس وحمله‌قوای‌آن‌دولت به خرمشهر و خارك و بوشهر و قطع روابط سیاسی از طرف میرزا آقـاخان صدر اعظم برای آغاز گفتگو رهسپار پاریس شد و با سرعت آن چنان قراردادی بست کـه برای همیشه به حاکمیت ملی ایران در قسمتی از سرزمین خراسان بزرگ لطمه جاوید وارد ساخت، دراین‌خطای عمدی هم میرزا آقا خان، هم فرخ خان هم‌ملکم مترجم فرخ‌خان تحت تاثیر انگلیسی‌ها قرارگرفتند .

www.tabarestan.info تبرستان

سند بیست و ششم

گزارش میرزا آقاخان صدراعظم به ناصرالدین شاه

دربارهٔ گفتگوی با وزیر مختار انگلیس

قربان خاکپای اقدس همایونت گردم - باقتضای حکم همایون که مقرر فرموده بودند کیفیت ملاقات خود را با «مسترموره» (۱) عرضه دارد جسارت می‌شود که مشارالیه یکساعت بعد ازظهر وارد نظامیه (۲) شده ملاقات باکمال گرمی و خشنودی اتفاق افتاد ، چون احوال درستی نداشت به او اظهار کردم روزی که از برای بازدید بسفارتخانه خواهم آمد گفتگوی مفصل خواهم داشت :

گفت : چاپارسفارت چند روز دیگرخواهد رفت اگرممکن باشدقدری زودتر قرارملاقات وانجام واتمام کارهاداده‌شود ، روزیکشنبه یادوشنبه‌راوعده کردم که ازاوملاقات نمایم ، گفتم اگرچه مفصلاً با شما حرف خواهم زدولی مختصراً امروزبشما میگویم که میل خاطرهمایون رضای خاطر دولت انگلیس واستحکام دوستی ذات‌البین است ، اگــردرسریك مسئله حرف وگفتگوئی باشد دلیل عدم همراهی ودوستی ازاین طرف نباید باشد بعدازآنکه محقق شد که دولت ایران حق بین وآشکاردرمسئله دارد بازگذشت ازآن محض رضاجوئی خاطردولت‌انگلیس در پیشگاه حضورهمایون امکان دارد. کیفیت «لاش وجوین» (۳) هم همینطوراست مامیتوانیم بدلایل حقه ثابت‌نمائیم که ملك‌ایران است ، روزی که بسفارتخانه خواهم آمد دلایل خودم را اقامه می‌نمایم امـا چون میدانم که میل دولت انگلیس در این است که ما تصاحب ننمائیم هیچ مضایقه نداریم وبصاحب قدیم خودش رد می کنیم . سکه وخطبهٔ هرات راهم

ازروزاول طالب نبودیم(۵) وحالا هم می‌نبشتیم وصریح می‌نویسم که ما میل نداریم (!) سلطان احمدخان موقوف دارده اما میخواهم بفهمم که گذشت و همراهی درهمه موارد همیشه باید از جانب دولت ایران باشد ویا از طرف انگلیس هم باید ملاحظه این مراتب بشود(؟) . ازآن اندیشه داریم که از اینها هم بگذریم وبازآسوده نباشیم وشما تجدید مطلع دیگر بکنید، چون در زمان وزیرمختاری شما و صدارت من فیمابین دولت ایران وانگلیس بهم خورده خوشتراین است که شما ومن ساعی باشیم این زنگی که بر روی آئینهٔ مودت دولتین نشسته است برخاسته شود و کدورت علیحده روز بروز برآن عارض نشود، من که درنیت خودم صادق وثابتم و چندین دلایل هم اقامه کرده‌ام ، از طرف شما هنوز دلیلی ندیده‌ام مگربعدازاین اقامه شود.

گفت : انشاءالله تعالی بعدازاین سعی واهتمام زیاد از جانب من هم خواهد شد.

گفت : چاپارهندوستان زودتر میرود میتوانم این وعده‌های شما را به هندوستان بنویسم(۶) گفتم بلی بنویسید اما نوشتهٔ لندن باشدتامن شمارا ملاقات نمایم وحرف مفصل خودم را بزنم.

نامه ازجانب اعلیحضرت پادشاه انگلستان به اورسیده است که ابلاغ نماید چون بجهة بد احوالی نتوانست شرفیاب شود بچاکر دادکه در ضمن عریضه ایفاد خاکپای همایون شد ، در خصوص رضامندی از فرخ خان نوشته است .

رأی همایون درباب شرفیابی چاکر بخاکپای مبارك هرطور علاقه گرفته باشد حکم بفرمایند که اطاعت نماید . امروز عصر می‌فرمایند شرفیاب خواهد شد .

سند بیست و نهم

نامهٔ دیگر ازقاسمخان سرتیپ به وزیرخارجه

دربارهٔ میرزا آقاخان

قبله‌گاها در ضمن احکام‌سابقه مرقوم گردیده بود که مأمورین دولتین فرانسه و روس گویا ارادهٔ توسط واگذاری شغل ومنصب میرزا آقا خان را بخودش دارند، مأمور دولت روس بیشتر و فرانسه کمتر، چنانچه در اینجا از بزرگان و امنای دولت اینجا مذاکره در اینباب بشود طوری باآنها گفتگو و سئوال و جواب بنماید که از این صرافت افتاده باشند.

بنده هم حسب‌المقرر مترصد می‌بودم تا اینك اظهاری از طرف ایشان نشده چنانچه در عریضهٔ مطول هم تقریرات آنها را عرض نموده‌ام گویا ازاول هم مایل و راغب باین امر توسط نبودند بلکه مقصودشان این بود که شاید دوباره رأی مبارك همایون بتفویض شغل و منصب صدارت بمشارالیه قرار بگیرد، خیال این را میکردند که بواسطهٔ توسط درامر اورا رهین‌منت خود کرده حقی درگردن او داشته باشند والاّ حالا که یقین قطعی حاصل کردند که دیگر مشارالیه‌را بسرشغل خودنخواهند آورد بالکلیه ازاین خیالات توسط، هرگاه داشتند، هم افتاده‌اند وباطناً هم‌مایل نبودند که او سر کار باشد، گویا محض اظهار خصوصیت با طرفین اقدام نموده بودند.

تفصیل مراتب بنحوی است که درعریضهٔ جداگانه معروض داشته‌است. زیاده چه عرض شود ۲۹ شهر ربیع‌الاخره ۱۲۷۵ (ق) نمرهٔ ۱۰۸ـ ۸ پشت کاغذ مهر - یا قاسم‌الارزاق -

www.tabarestan.info
تبرستان

سند سی‌ام

ترجمهٔ مقاله روزنامه روسی سنت‌پطرزبورغ

دربارهٔ برکناری میرزا آقاخان

اخباری که از طهران بروزنامه‌نویس اسلامبول رسیده ومی‌نویسد از این قرار است که در سابق درخصوص معزولی میرزا آقا خان صدر اعظم سابق ایران بشما نوشته بودم که چند روز بعداز معزولی خود و دوپسرش با یکدسته سواره ایشان را بخانهٔ شهر روانه نمودند و سربازها بقراولی آنها معین و مشدد داشتند وبعد از آن مشغول محاسبه کردن ایشان‌شدند، اگرچه‌محاسبات ایشان تمام نشده لیکن می‌توان قبول نمود که آنچه در اوایل نوشته بودیم از قراریکه معلوم می‌شود اکتفا بمواجب خودکه یك میلیون فرانك باشد ننموده و از وجوه خزانه دولتی نیز هرسال شش میلیون برمیداشته‌است و در اوقات جنگ با انگلیس بهمه ولایات‌اشتهار دادند که جهاداست وبدین جهت دوازده میلیون فرانك از ایران جمع گردیده ربع آن وجه داخل خزانه دولتی گردیده و سه قسمت دیگرش صرف جیب صدر اعظم و متعلقانش گردیده و این است تفصیل حساب، گویا آنکه این مشاهدات عیان و حاجت بیان نباشد و چنین مذکور است که یك یا دوسفارت زیاد سعی و اهتمام نمودند که صدراعظم را اعلیحضرت پادشاه دوباره منصوب فرمایند وعلاوهٔ این میگویندکه درصورت عدم قبول به پادشاه تهدید و وعید هم دادند اما بجا و مؤثر نیفتاد و بعضاً اسامی وزراء جدید را هم می‌نویسند، میرزا صادق خان حاکم سابق تبریز وزیر داخله ـ و میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی وزیرجنگ و سپهسالار و میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالك وزیرمالیات و عباسقلیخان جوانشیر وزیر

عدالت، وامورات وزارت خارجه موقتاً در دست میرزا سعیدخان میباشد، چون مشارالیه بعید است که استحضارات امورات را بوفق دلخواه بانجام برساند، علاوه براین تکیه نموده که صدراعظم دوباره منصوب گردد لهذا محل اعتماد اعلیحضرت پادشاه نخواهد بود و سهو نمودم که درسابق ذکر نمایم که صدراعظم را پس از رسیدگی محاسبات روانهٔ قریه (ئی) از ملایر نمودند و بعضاً نوشته بودند. در خصوص رفتن جناب فرخ خان ایلچی کبیر اعلیحضرت پادشاه ایران به طرابوزان با طوفان شدن دریا و مشقت زیاد دو روز دیگر بـه طرابوزان رسیده و قنسولهای فرنگستان که در آنجا مقیم می‌باشند و تجار رعیت ایـران بدیـدن جناب معزی الیه آمدند و در سوم مـاه اکتبر جناب معزی‌الیه اتباع خود مع یک نفر صاحب منصب از سفارت فرانسه مقیم اسلامبول را مأمور داشتند که جناب معزی‌الیه را تا سرحد ایران برسانند ـ ربیع‌الاول ۱۲۷۵ (۱)

۱ـ کتاب ۳۷ ـ اسناد وزارت خارجه.

سند سی و یکم
گزارش وزیر امور خارجه
دربارهٔ تصرف بحرین

تصدق خاکپای اقدس همایونت گردم رالنسن (۱) را برحسب وعده دیدم بسیار برافروخته وپریشان ، تفصیل بیان او اینکه ، دیروز آدمی از بالیوز (نمایندهٔ سیاسی) بوشهر رسید تفصیلی از تدبیرات حسام‌السلطنه (۲) درباب تصرف بحرین نوشته است که میرزا مهدی (۳) را پیش شیخ عبدالله حاکم بحرین فرستاده و اورا بنوکری و رعیتی دولت ایران دعوت کرده ، اوهم قبول کرده آدم از جانب شاهزاده گذارده و علم شیر و خورشید افراشته است و دلیل های زیاد اقامه کرد برثبوت حقیت مداخلهٔ دولت انگلیس در کار بحرین وعدم مصلحت دولت ایران در تصرف آنجا (وگفت) حالا که ما در دوستی با دولت ایران دست بکارهای بزرگ زده‌ایم ، این کار اسباب برودت کلی خواهد شد ، در حالی که اینطور تصرف دولت ایران در بحرین هیچ فایده و منفعتی متصور نیست چنانچه همین شیخ عبدالله بدولت عثمانی هم آدم فرستاده‌است دور نیست فردا آدم او را بیاورد و آدم شما را بیرون کند ، در حالتی که دولت انگلیس مداخلهٔ شمارا ممانعت بکند شما کشتی و اسباب گرفتن بحرین راندارید و مفتضح خواهید شد و حال آنکه دولت انگلیس موافق ادله که خود میدانید حق ممانعت دارد ومانع هم خواهدشد. کمترین غلام جواب‌های مفصل به او دادم که جمیع سئوال وجواب را فردا معروض خاکپای مبارك خواهم‌داشت خلاصه‌اش اینکه امروز عاقبت دوستی این دولت بجائی رسیده است که درحق

www.tabarestan.info تبرستان

یکدیگر تصور غرض نمی‌رود ، واین فقرهٔ بحرین را لایق این نمیدانم که شما باین شدت رنجیده خاطر شوید ، زیرا که با عدم غرض طرفین و کمال‌موافقت باطنی بسیار آسان است که این حرف بخوبی تمام شود ، باینطور که طرفین باهم نشسته‌ازروی اصول قواعد دوستی گفتگو میکنیم ، اولاً ملاحظه میکنیم که این‌خاک‌سابق درتصرف کدام دولت بوده است ، ثانیاً موافق جغرافیا خاک کدام دولت میتواند محسوب شود ، ثالثاً درعهدنامهٔ دولت ایران وانگلیس هیچ ذکری دراین باب شده‌است یاخیر ، رابعاً درحالتی که این‌خاک‌درتصرف دولت‌ایران باشد چه‌ضرری برای دولت انگلیس خواهد داشت، خامساً چگونه شده است که دولت ایران با همجواری به بحرین و تصرفات‌مالکانهٔ سابق در آنجا امروز حق مداخله ندارد و دولت انگلیس‌حق مداخله دارد و تفصیلات دیگری که بخاطر رسید و مناسب مقام بود گفتم و نیز اظهار کردم که با میل مفرطی که سرکار شاهنشاه بشخص شما دارند خوش ندارم مطالب شمارا باین طرزی که بیان کردید معروض خاکپای مبارک بدارم ، چون حالا وقت نهار شما است وگفتگو طولانی شد ومطلب‌هم بجائی نرسید بهتراست که فرداعصر شما بمنزل من بیائید اصل حقیقت حقیت و عدم حقیت طرفین را شخصاً بهم معلوم کنیم و اگر چاره‌هم بخاطر طرفین میرسد گفتگو کنیم ، پس‌ازآنکه غور کامل‌دراین باب بعمل آمد واصل‌مطلب درست معلوم شد آنوقت‌بعرض‌خاکپای مبارک‌برسانم، اوهم قبول کرده وقراربملاقات‌فرداعصر داده ازهم سواشدیم.

این را هم پرسید که، شاهزاده این کاررا خودسر کرده است یا ازجانب دولت‌حکمی به‌اوشده‌است(؟) گفتم‌هیچ خبرندارم‌باطلاع من حکمی بشاهزاده

www.tabarestan.info تبرستان

نشده و با اینکه مخصوصاً وکالت او با من است چیزی بمن‌ننوشته‌است . باین جهت‌ها نمیتوانم جواب درست بشما بدهم ، ولی درحالتی‌که شاهزاده میرزا مهدی را به بحرین فرستاده باشد شخصاً چنین تصور میکنم که خودسر نکرده باشد ، این فقره‌را هم عرض‌کرده هرچه مقرر شد جواب بشما میگویم .....

جمادی‌الثانی ۱۲۷۶ ـ الامرالاقدس الاعلی مطاع مطاع . (٤)

www.tabarestan.info
تبرستان

---

۱ ـ وزیر مختار انگلیس .

۲ ـ سلطان مراد میرزا والی فارس

۳ ـ منشی حسام‌السلطنه .

٤ ـ کتاب چهاردهم اسناد وزارت امور خارجه .

سند سی‌ودوم

روزنامچه

دربارهٔ کارخانهٔ ریسمانریسی و کاغذسازی

---

۱ ـ کارخانه ریسمان‌ریسی که چند روز بود بجههٔ نرسیدن زغال سنگ کارنمیکرد روز شنبه سیزدهم مقرب‌الخاقان ناصرالملك(۱) ازشهر مقدار پانزده خروار زغال سنگ خرواری دوتومان خریده بکارخانه روانه نمود و بعد از سه روز زغال باز تمام شد از معدن ساوجبلاغ که حسب الامر متعلق بمقرب‌ـ الخاقان ناصرالملك است مقدار سی‌خروار گماشتهٔ مقرب الخاقان معزی‌الیه حمل شتر کرده فرستاده بود رسید دیروزهم عراده که برای آوردن زغال رفته بود شش خروار آوردند حالا همه روزه کار می کند.

۲ ـ روز چهارشنبه هفدهم چهارنفر شمیرانی برای اینکه برسرچرخ‌تمام کارکرده بیاموزند که بعدازراه افتادن چرخ آب انشاءالله معطلی حاصل نشود. مقرب‌الخاقان ناصرالملك اجیر کرد.

۳ ـ استاد یعقوب صورت بعضی میلها (میله‌ها) را داده است که نوشته شود از مسکو بیاورند برای چرخ آب.

٤ ـ در باب سایر چرخها و اسباب‌ها مقرب الخاقان ناصرالملك گلوله ریزها را جمع کرده و با استاد یعقوب گفتگو نمود قرار براین شدکه چنانچه پارسال ناصر الملك تدبیر کرد امسال نیز چهارکورهٔ ایرانی یکجا بسته شود و امتحان‌شودکه در همین‌جا انشاءالله ریخته شود و الاّ بنویسد ازمسکو بیاورند.

۵ ـ کارخانه کاغذ سازی بعداز تعمیر شترگلو کارمی کند .

۶ ـ کارخانهٔ ریسمان را مقوا لازم است بـرای بستن ریسمان یك حوض مصالح بجهة مقوا ریخته شد روزپنجشنبه باتمام رسید .

۷ ـ کهنهٔ سفیدبجهة کاغذچیز نویسی مصالح ریخته که بعداز حل شدن، کاغذ برای احکام و غیره تهیه شود .

۸ ـ چون بجهة کاغذ خوب لابد عرق گوگرد لازم است تا اینکه انشاءالله کارخانهٔ عرق گوگردساختهٔ بشود. مقرب الخاقان ناصرالملك باامین التجاررشت قرارداده که سیصدمن عرق گوگرد از مسکو خریده بفرستد ، چون حمل عرق گوگرد را بکشتی نمیکنند و اذن نمیدهند ، امین التجـار محض خدمتگذاری قبول کرد که باکشتی‌های خود بنویسد بیاورند. بیستم شوال ۱۲۷۶ (۲)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ میرزا محمود خان قراگوزلو .

۲ ـ کتاب ۲۲ ـ اسناد وزارت امورخارجه .

سند سی و سوم

گزارش دیگر از وزیر امورخارجه (۱)

در بارهٔ بحرین

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم ـ در باب بحرین دیروز با اولیای دولت علیه که حضور داشتند و شرفیاب خاکپای مبارك شده بودند گفتگو ومشاوره شد وقرار براین دادند که دستورالعملی دراین خصوص به نواب حسام السلطنه نوشته شود : امروز که مشیرالدوله (۲) بمنزل چاکر فدوی آمد نوشتجات بحرین را (بجهت اینکه این کار دخل بمأموریت او دارد و هم بملاحظهٔ اینکه در این باب چه مصلحت میداندبگوید) بمشیرالدوله داد همه آنها را من اوله الی آخره خواند و عمداً از قرار و گفتگوی اولیاء دولت علیه در اول وهله چیزی به اونگفت تا خیال او را هم بفهمد ، از قضا همانطور بیان کرد که با قرار و مصلحت دیروزی موافقت تمام داشت و از توجهات ملوکانه خیال او را هم مؤید دیده دستورالعمل حسام السلطنه راموافق قرار و مصلحت اولیای دولت علیه و مشیرالدوله نوشته برای عرض حضور مراحم ظهور اقدس اعلی فرستاد و چاپار شیراز را نگاهداشته منتظر است که هر وقت این دستورالعمل از پیشگاه عنایت دستگاه شاهنشاه برگشت فورآپاکت فارس را بسته چاپار را روانه دارد . (۳)

اختیار نامه مشیرالدوله را هم برای عرض خاکپای همایون فرستاد که بشرف صحه همایون مشرف شود ، عرض مشیرالدوله این است که مواجب علی

www.tabarestan.info
تبرستان

خان پسر حسینخان نظام‌الدوله مرحمت شود، مواجب غلام پیشخدمتی او سیصد تومان است پارسال که در سلطانیه منصب سرهنگی به او التفات فرموده‌اند سر برات مواجب او را نوشت و فرستاد که بهرطوری رأی جهان آرای اقدس اعلی علاقه گیرد برات مواجب علیخان نوشته شود ـ امر امر اقدس ارفع است الامر الاعلی مطاع مطاع مطاع ـ ذیقعده ۱۲۷۶ (٤)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ـ میرزا سعید خان انصاری مؤتمن‌الملک (۲) میرزا جعفرخان عضو دارالشورای دولتی و کارشناس امور مرزی (۳) از دستور وزیر خارجه آگاه نیستیم ولی با آگاهی ازکارهای ناروا و ناتوانی او در برابر بیگانگان می‌توانیم احتمال دهیم که حسام‌السلطنه‌را ازتصرف بحرین‌بازداشته (همچنانکه میرزاآقاخان اورا ازادامهٔ تصرف هرات‌بازداشت) زیرا بحرین‌هم از سال ۱۲۸۷ ببعد درتصرف ایران نمانده است .

٤ـ کتاب ۲۷ اسناد خطی وزارت امورخارجه .

سند سی و چهارم

نامهٔ میرزا جعفرخان مشیرالدوله به ناصرالدین شاه

دربارهٔ سفارت فوق‌العادهٔ خود به عثمانی

عریضهٔ عاجزانهٔ محرمانه است - قربان خاکپای مبارك اقدست شوم این پیرغلام که باکهولت، سن و تکسر مزاج این چنین خدمت صعب معظم را محض اقتضای غایت غیرت ودولتخواهی بذمه عبودیت خود اختیارنمود بجهة تکمیل این نبت و تخفیف دردسر اولیای دولت مصمم بودکه بهیچوجه زحمتی به اولیای دولت علیه ندهد و ابداً لفظی که بتواند بارخاطری‌شود بقلم نیاورده انجام تمام ملزومات این مأموریت‌را بهمه جهت بعهدهٔ دولتخواهی و صرافت ایشان واگذارد ، بهمین خیال هرچه از لوازم توفیق سفارت در ایام توقف دارالخلافه سهواً و یا عمداً متروك گردید بسکوت گذرانید اکنون که نزدیك است از سرحد ممالك محروسه پا بخاك خارج گذارد باز حالت خود را از بعضی راهها بنوعی که مایهٔ انواع خیالات پریشان باشدمشاهده نموده به‌احتیاط اینکه مبادادنباله و امتدادی بهمرسانیده باعث‌فسادنتیجه شود اضطرارآجسارت بعرض مراتب ورزیده ازانصاف ملوکانه باکمال ضراعت استدعای عفو این جسارت ومحرمانه باقی بودن آن‌را می‌نماید . نمیدانم بـه چه ملاحظه وبه چه سبب وجهت گویا خیال بعضی کارگذاران دولت علیه از لحاظ لوازم توقیر و پیشرفت این‌مأموریت منحرف گشته بحدیکه می‌توان گفت بغرض شخصی مبدل گردیده است .

در بادی‌امر ضمن نامهٔ همایون مأموریت فدوی را بسمت وزیرمختاری

نوشتن و نامهٔ اعلیحضرت سلطان روم‌را پس‌از تحقق مأموریت فدوی بمصاحبت چاپار فرستادن و نشان و حمایل صاحب‌منصبان سفارت را که محض ملاحظهٔ جلوه‌وشکوه سفارت عاجزانه‌استدعا شده‌بود ، بمراجعت وعده‌دادن‌ودرخلعت آنها‌تفاوتی برای‌مراتب درجات‌ایشان ملاحظه‌ننمودن وهیچیک از‌ایشان‌را وقت مرخصی‌بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی‌مشرف‌نساختن ، باآنهمه‌مطالب عمده و ادعای‌غایت‌یگانگی واتحاددولتین‌قوی‌شوکتین‌ازبودن یك‌هدیه مناسب که‌حاکی از میل خاطر مبارك می‌باشد و قطعاً بلاعوض هم نمی‌گشت اغماض کردن و بسکوت گذرانیدن هریکی قرینه و اسبابی‌است که درخیال هرمأمور البته مایهٔ سوء ظن می‌شود ، اگر نامهٔ اعلیحضرت سلطان مصحوب فدوی می‌شد چقدر به احترام سلطان‌وعظم نامهٔ همایون و توقیر‌سفارت می‌افزود ، همچنین‌است نتایج بد سایر نکات متروکهٔ خود فدوی بحق خدا‌محض از راه دولتخواهی و ملاحظه پیشرفت‌فرمایشات علیه همراه بودن یك‌هدیهٔ معقول ومناسب‌را درین سفر خیریت اثر ازجمله واجبات میداند ، چون پای خود درمیان بود ازعرض آن حیا نمود ، جناب امین‌الدوله خواهش کرد که این غلام دراینخصوص به ایشان بنویسد بآندست آویز بخاکپای مبارك عرض کرده انجام دهد ، پیغام ایشان‌رسید که به تبریزوارد نشده هدیهٔ‌مزبوره‌خواهدرسیدهنوز اثری‌ظاهرنیست .

وقت توقف جناب امین‌الدوله درپاریس میرزا آقاخان برای‌پیشرفت کار و اظهار خصوصیت‌رخت‌زنانه‌وحتی کفش مروارید برای‌عیال وزیرامورخارجهٔ دولت فرانسه فرستاد ، گاهگاهی این نحو ملاحظه‌های جزئی منتج فواید کلی می‌شود. فدوی‌توقع‌زیاد وتکلیف شاقی نداردکه انجام آن برای اولیای‌دولت دشوار باشد ، روز اول که مأموریت این‌غلام محقق شد و اعلیحضرت اقدس

www.tabarestan.info تبرستان

شاهنشاه روحنا فداه بخطاب مستطاب فرمایش فرمودند که: چه می خواهی (؟) عرض کردم غیر توجه باطنی و ظاهری پادشاه بچیز دیگر احتیاج نیست، برای ملاحظهٔ این نحو فقرات بود، امیدوارم که بعون الهی واقبال بی زوال اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی وتوجه خدام درگاه جهان پناه همایون یوماً فیوماً اسباب جلوه و پیشرفت این مأموریت و دواعی تحصیل نتایج خیر آن کاملاً فراهم آمده ازجان گذشتن این پیرغلام درراه خدمت دین و دولت بی ثمر وخالی ازمنفعت نشود. درباب اوضاع آذربایجان چون اذن عرض احوالات خارج ازمأموریت خودرا نداشت لهذا سکوت را ترجیح داد ـ الامرالاقدس الاعلی مطاع مطاع. سوم محرم الحرام ۱۲۷۷ عرض وجسارت شد ـ پشت کاغذ مهر ـ عبده الراجی جعفرالحسینی. (۲)

www.tabarestan.info تبرستان

۱ ـ میرزا سید جعفرخان مشیرالدوله (مهندس باشی) ازچهره های روشن وازرجال وطنخواه وآگاه دوران قاجاربه سالها عضو و یارئیس دارالشورای دولتی بود، واپسین مأموریتش متولیگری آستان قدس رضوی بود (۱۲۷۹ق) و درهمانجا درگذشت. چنانکه گزارش بالا دلالت دارد او در یك سفارت فوق العاده برای تبریك جلوس سلطان عبدالعزیز رهسپار عثمانی شده ولی وزیر خارجه (میرزا سعیدخان مؤتمن الملك انصاری) که نقطه مقابل مشیرالدوله بوده درکاراو کارشکنی بسیار نموده است.

۲ ـ کتاب چهاردهم اسناد وزارت امور خارجه.

سند سی و پنجم
گزارش وزیر امور خارجه به شاه
دربارهٔ هرات

اعتقاداین چاکرفدوی درحالت حالیهٔ افغانستان این است که دولت علیه آنچه می‌تواندبه‌استناد عهدنامه اهتمام کندکه دراینجا باسفارت انگلیس و درلندن هم باخودامنای دولت مشارالیها کاری بکنند که انگلیسی‌ها خودشان بمیان افتاده دوستمحمدخان را از صرافت تصرف هرات بیندازند و دولت علیه اسبابی فراهم آورد که نه فراه از دست سلطان سردار احمدخان(۱) بیرون برود و نه دوست محمد خان (۲) تجاوز به ملك هرات نماید و درحفظ استقلال سردار سلطان احمد خان کوشیده نگذارد انگلیسی‌ها دراین فرصت کم اگرهم هیچ نتوانند لااقل بترکیب سردار مشارالیه دست نزنند . اگر این طرح پیشرفت‌نماید زمینهٔ بهترین پیشرفت ها برای دولت علیه خواهد بود و اگر خدا نکرده‌مقدور نشد اولاً تکلیف که از اجرای آن ناچار است این است که ایستادگی کرده بهر تدبیر وکوشش که باشد به دست خود انگلیس ها مانع از تصرف امیر دوستمحمدخان درملك هرات بشود منتها این است که امیرسردارسلطان احمد خان دربن بین بالفرض خدا نکرده متزلزل و دیگری درهرات حاکم‌خواهدشد آنوقت باز برای دولت علیه مقدور خواهدبود که باحاکم جدید طرح مراوده بیندازد و اورا روبخود نماید ولکن اگر دوست محمدخان صاحب هرات و تمامی افغانستان شود کارمشکل خواهد بود و چون دولت علیه حق‌داردکه از

دولت انگلیس مطابق عهدنامه حکماً مطالبه نماید که رفع تشویش دولت ایران را بنماید و این حق‌را باعتقاد فدوی همه دولت‌ها تصدیق خواهند کرد.

بنظر قاصر این چاکر چنان میرسد که دولت انگلیس بهمین ملاحظه نتواند همیشه (مثل اینکه حالا از تلغراف خبر میرسد) دراجرای فصل عهدنامه سرهم‌بندی نماید ولابداست که اگر محض حفظ خود از بدنامی درپیش دولتها و بدگوئی روزنامه‌های فرنگستان هم باشد موافقت بادولت علیه کرده نگذارد دوستمحمد خان صاحب هرات وتمامی افغانستان و مایهٔ پریشانی خاطر دولت ایران شود این کوشش و ایستادگی دو فایده دارد یا این است که انشاءالله تعالی بهمین طورها بی‌زحمت لشکرکشی وتحمل مخارج گزاف کار ازپیش میرود ومقصود دولت حاصل می‌شود وسردار سلطان احمدخان در استقلال خود باقی‌می‌ماند و یا اینکه اگرنشد لااقل این فایده را خواهدداد که درهمین‌جا چاره‌جوئی خود دولت علیه و داخل کردن قشون به هرات وافغانستان حق بجانب دولت علیه خواهد بود و بهمه‌قسم اتمام حجت خودرا با دولت انگلیس کرده وبعداز آنکه هیچ موافقت ازجانب آنها نشده است لابد خود بمقام چاره‌جوئی برامده‌است ونسبت نقض عهدنامه را از خود دور نموده است. . . . (۱۲۷۷)

---

۱ ــ سردارسلطان احمدخان از سرداران افغانی و وفادار به ایران بود وپس‌از آنکه ببهانهٔ قرارداد پاریس (۱۲۷۳ق) میرزا آقاخان نوری تلفات و خسارات ایران‌را نادیده گرفت و حسام‌السلطنه والی خراسان و فاتح هرات را که حاضر بترك هرات نبود از فرمانروائی خراسان برکنارکرد، سلطان احمد خان با موافقت ایران به حکومت هرات برگزیده شد ولی چندسال بعد دوستمحمدخان که برانگیختهٔ انگلیس‌ها و مخالف ایران بود به حکومت سلطان احمد خان خاتمه داد.

سند سی و ششم

نامهٔ میرزامهدیخان کارگذار بوشهر به وزیرخارجه

در بارهٔ خریداری کشتی جنگی وتجارتی

در باب ابتیاع جهاز و فوائد آن مکرر بحضور مبارك عرض کردم بهیچوجه جوابی مرقوم نفرموده‌اند این فقرهٔ محاسن و منافع داشتن جهاز و معایب نداشتن آن بقدری واضح است که فدوی تکرر درعرض را فضولی و اظهار بدیهی میدانم هرچه در اینباب لازم بوده است در ضمن عرایض عدیده معروض داشته‌ام‌البته درطوری رأی مبارك اولیای دولت علیه علاقه بگیردمقرر خواهند فرمود.

سابقاً عرض شد که حاجی احمدخان حاکم بندرعباس (۱) چند عراده توپ بسیار خوب خریده فدوی بمشارالیه نوشته بودم که وضع واندازه‌وقیمت توپ‌ها را بنویسد ، نوشته بود دو عراده توپ چهل وهشت پوند کار امریکا در سال ۱۲۸۰ ساخته‌شده‌توپهای‌مزبور برنج مسوار وبسیارخوب‌است، گلوله‌میان خالی و میان پر زیادی هم دارد بمبلغ پنجهزار ویکصدتومان هم خریده‌است از قراریکه نوشته بود خیلی ارزان خریده اگر بخواهد بمبئی بفرسند در آنجا بفروشد مبالغی منفعت خواهدکرد ولی حیف است برای دولت ابتیاع‌نشود.

بعضی هم دیده بودند وضع آنها را بفدوی گفتند آنطور که می بایست معلوم شود نشد که بکار دولت علیه برآ و بحرآ میآید یا نه ! و بحسب قیمت ارزان است یا نه ؟

www.tabarestan.info
تبرستان

فرداجهاز دودی تجارتی روانهٔ بندرعباس است می‌خواهم آدم بفرستم تا از نزدیک آنها را بتفصیل ببیند قطرته ر دهن و قد و جنس فلز و وضع و وزن آنها را روی دقت معلوم کند و خبر بیاورد اگر فی‌الحقیقه همانطور است که حاجی احمدخان نوشته حیف است از دست داد برای ما جهاز لزوم تمام‌دارد برای بعدهم لازم است ، بعد مراتب را عرض خواهم کرد .

اگر رأی مبارك اولیای دولت علیه علاقه گرفت ابتیاع شود. اگرواقعاً آنطور نباشد بآن آدمی که فرستادم بمشارالیه خواهم گفت صریح بگویدبکارما نمی‌آید، خودش هرقسم می‌خواهد بهرکس وبهرجا بفروشد از قراری که معلوم شد این توپ‌ها مال جهازات جنگی امام مسقط (۲) بوده‌است جهازهارابتوسط خود حاجی احمدخان بتجار فروختند چون تجار توپ لازم نداشتند مشارالیه این توپ ها را خودش همین مبلغ قبول کرد این فقره هنوز معلوم نشده که آیا پول نقدداده یاحق وحسابی باامام مسقط داشت وازآن بابت‌ها محسوب داشته درهرصورت اگر توپ‌ها آنطورباشد که خودش نوشته و بعضی که دیده‌اند تعریف می کنند ابتیاع آنها زیاد مقرون بصرفه است بعداز مراجعت آدم‌فدوی مراتب عرض خواهدشد زیاده‌جسارت بعرض‌نشد .

مورخه ۲۰ شهر محرم‌الحرام ۱۲۷۸ ـ مهر ـ محمد. (۳)

---

۱ ـ دریا بیگی .

۲ ـ شیخ سعید = سلطان سعید .

۳ ـ کتاب ششم اسناد وزارت امور خارجه .

www.tabarestan.info تبرستان

سند سی و هفتم

گزارش کارگذار بوشهر (۱) به وزارت امورخارجه

دربارهٔ بحرین و سرگردانی خودش

تعلیقه عالی مورخه سلخ ذی‌القعده، چهارم محرم دربوشهر زیارت شد ازالتفاتهای‌خودتان نسبت باین بنده بی‌نام و نشان اشعار فرموده بودید ولی، سرشك ازرخم پاك کردن چه‌حاصل- علاجی بکن کزدلم خون نیاید، شمارا بخدا خوب دقت فرمائید ، حاجی محسن خان چهار تا دروغ و راست بهم بافت وزیرمختار وبرادرش سرتیپ شد ومورد هزارگونه مرحمت گردید(۲).

بنده هرقدرعرض کردم که اینها حرف بی معنی است بـامتداد زمـان و تدبیرواستعدادبحری باید کاری‌ازپیش بردهمین قدرفرمایش کردند، برو، برای تنخواه مخارج راه، صدور برات و غیره هم سرکار مطلع هستید چه کشیدم و دیدم، بحرین وسط خاك ایران نیست ومردمش مثل اهالی یزد و کاشان نبود که بشودبحکم‌تنهارفت وکار پیش‌برد، ازیکطرف دریااست که ما یك‌قایق پوسیده نداریم دردریا سیر کنیم، ازیك طرف مأمورین‌انگلیس با آن‌قوت و قدرت و تحریك کردن‌مردم‌بنافرمانی‌وآن بسط یدبرای‌چیز دادن‌وخرج کردن، ازیکطرف اعراب زبان نفهم که به دعا والتماس به اطاعت نمی‌آیند .

من مفلوك ابله با اطلاع از این تفاصیل محض اطاعت حکم روانه شدم هرچه عریضه می‌نویسم وراه چارهٔ کارعرض میکنم و برای تنخواه مخارج داد وفریادمی‌نمایم بجواب لا ونعم سرافراز نمی‌شوم که عجالتاً تکلیف خودبدانم متهم مثل سایرین بنای گدائی را بگذارم و در قید نیك نامی و بدنامی دولت

www.tabarestan.info
تبرستان

نباشم یا با مأمورین انگلیس سازش کرده و بمراد آنها حرکت کنم و چیز بنویسم .

این خودم آن برادرم، عیالم که برای مخارج معطل وسرگردان مانده‌اند هرروزمی‌نویسند وبنده نمیدانم چه جواب بگویم و چطورآنها را آسوده کنم بحق خدا اززندگی بیزارشده‌ام، دیگری بدروغ اظهارخدمت می کندآن‌حالت بهم میرساند بنده بزحمت وگرفتار پاداش دروغ او می‌شوم .

زیاده عرض نمیکنم که هرچه عرض کنم بیجا است همین قدر جوابی مرحمت شود ۲۰ محرم ۱۲۷۸ مهر ـ محمدمهدی (۳).

www.tabarestan.info
تبرستان

---

۱ ـ حاجی میرزامهدی خان ناظم سرحدات جنوب .

۲ ـ شیخ محسن‌خان معین‌الملك در ۱۲۷۸ نایب اول سفارت ایران در لندن بود بعد وزیر مختار شد ، برادرش محمدآقا همزمان با پیشرفت شیخ محسن‌خان به درجه سرتیپی رسید .

۳ ـ کتاب ششم ـ اسناد وزارت امور خارجه .

سند سی و هشتم

گزارش میرزا محمدخان‌قاجار وزیرجنگ

دربارهٔ کارهای ارتش ایران

قربان خاکپای جواهرآسای مبارکت شوم ـ بزیارت دستخط همایون مباهات وسرافرازی حاصل نموده درباب امرافواج زنگنه و نهاوند دیروز که دوشنبه بود مواجب وجیره نهاوند را نفربنفر داده امروزهم مواجب فوج‌زنگنه را میدهد وروانه می‌شوند، سان سواره با جلان و بختیاری دیده شد و فرد خلاصه شان درجوف عریضه ایفاد حضور مبارک گردید، یکدسته با جلان که طائفهٔ عربان است هنوزنرسیده‌اند چند رأس‌اسب بی‌مصرف که درمیانهٔ سوارهٔ مزبوربود موقوف نموده عوض کرده ومیکنند.

بروات مواجب وغیره‌آنها نوشته شد، ملبوس قدك وشلوارهم از انبار به سواره داده شد، دیروز وامروزمشغول رسیدگی حساب تنخواه مواجب محلی آنها میباشد که درست مشخص شود به هرنفر سوارچه رسیده، فردا که عید مولود مبارک است، انشاءالله پس فردا صبح‌زودشرفیاب حضورهمایون بشوند وبعد روانه گردند، درباب خودموسی خان اگر رأی همایون قرار یابد این‌سفررا موقتاً باسواره‌برود بطریقی که پریروزمقررفرمودند بهترخواهد بود، چون چند ماه است رفته وقراربود سواره‌را آورده درراه وغیره هم مواظبت کند ازسواره‌فراری وغائب‌نشود و این خدمت را انجام برساند، بعد بهرقسم رأی جهان آرا اقتضا نماید مقرر خواهند فرمود موجبات آن را هم امروز

www.tabarestan.info
تبرستان

تمام نموده زمان شرفیابی عرضه داشت می کند.

در باب محمد رحیمخان سرتیپ بهمان قسم که موافق دستخط مبارك مقررشده بود حسب‌الامرنوشته ومجری‌شد امروز آدمش‌می‌برد. درباب‌عمارلو هم موافق حکم همایون به محمد رحیم‌خان ومحمودخان نگاشته‌شد، بروات جیره و کرایهٔ دواب توپچی مأمور فارس و انزلی نوشته شده بنظر همایون می‌رسد.

قورخانهٔ خراسان که پریروز معروض داشت ، امروز روانه میگردد. صورت مرمت توپهای کرمانشاه‌را میرزامحمدخان‌یاورنوشته وعمادالدوله(۱) هم‌حاشیه‌رانوشته اگرمقررفرمایند نوشته‌شود مرمت‌نمایند. امراعلی‌مطاع. (۲)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ عمادالدوله ـ امامقلی میرزا حکمران کرمانشاه.

۲ ـ کتاب چهاردهم ـ اسناد وزارت امور خارجه.

سند سی و نهم

گزارش دیگر از میرزا محمدخان قاجار (وزیرجنگ)(۱)

دربارهٔ قانون سربازگیری وتنظیمات ارتش

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم - چند فقره از احکام قانون سربازگیری بود که درکتاب قانون متعرض نشده‌اند درزمان نوشتن کتاب هم گفتگودراین باب شد قرار بر این دادند که اگراینگونه اموراتفاق افتد مجدداً بعرض همایون برسد ، حال ازدیوانخانه‌های نظامی ولایات دراینباب نوشته‌اند لذا فقرات مزبوره مشروحاً نوشته شده درجوف است که اگر رأی همایون قراریابد محول به مجلس شوری شودکه جواب بنویسند یا بهرقسم رأی جهان آرا قرارگیرد مقررخواهند فرمود.

سواره باجلان وبختیاری امروز تمامیهای کارشان تمام شد وفردا روانه هستند به خراسان ، افواج زنگنه ونهاوند هم امورشان ازهرجهت تمام شد طبیب وجراح و سایرلوازم آن‌ها درست شده آنها فردا انشاءالله به فارس و کرمان روانه می‌شوند. خانه‌زاد چون قدری ناخوش احوال بوده دوا خورده نتوانست به اردوی همایون بیاید اگرمرخص فرمایند درین دوروزمداوانموده بعد شرفیاب شود.

ملفوفهٔ فرمان مبارك که درباب فوج خلج نوشته شده با فرمان محمد قلیخان حسام‌الدوله و محمد رضا بیگ سرهنگ که کلا حسب‌الامر همایون می‌باشد ایفاد خاکپای مبارك شدکه بصحهٔ همایون مزین شود.

درباب برات عراده و بنائی جای توپ در دفترثبت می‌نماید دوروزه

www.tabarestan.info
تبرستان

ثبت آن تمام می‌شود ، از معیرالممالك تنخواه آن دریافت خواهدشد . در قورخانه وچاشنی سازی وبنائی‌های نظام مشغول کارهستند وپیوسته مواظبت دارد . فرامین دیوانخانه‌های نظام ولایات به حضور شاهنشاه ایفاد شده بود اگربصحه مبارك مزین شده مرحمت خواهند فرمودکه اجزای دیوانخانه که نرفته‌بودند دراین‌دوروزه‌روانه شوند. بنیچه (۲) ولایات مزبوره‌را هم‌به‌مستوفی الممالك اظهارنموده درکارند می‌نویسندکه با اهالی دیوانخانه‌ها ایفاد شود .

امرالاقدس الاعلی مطاع صفر۱۲۷۸ (۳)

www.tabarestan.info
تبرستان

---

۱ ـ میرزا محمدخان‌قاجار (کشیکچی‌باشی = سپهسالار) درسال ۱۲۷۵ به وزارت جنگ منصوب گردید و در سال ۱۲۸۱ صدراعظم‌شد و در ۱۲۸۳ ـ والی‌خراسان گردید و در ۱۲۸٤ درمشهد درگذشت .

۲ ـ بنیچه = نوعی از نظام‌دیرین و مستحسن‌سربازگیری که سربازان‌بطورداوطلب بخدمت ارتش در می‌آمدند .

۳ ـ کتاب دوازهم اسناد وزارت امورخارجه .

سند چهلم

گزارش یك راپرت نویس

در بارهٔ پخش شبنامه ضد دولتی

شخصی بچاکراز قول میرزا رضـا پسرمعین‌الملك می گفت کتابچه‌ئـی نوشته‌اند وانداخته‌اند در کمال سختی وتندی که آن کتابچه مشتمل است برعیوب دولتی‌ازهرقسم، ازجمله‌نوشته‌اند که اگرتغییر وضع وحالت‌ندهید اعلام‌می کنیم که اسبابهائی فراهم‌آمده موجودو آماده است تغییر کلی‌داده خواهدشد منتظر همه چیزباشید. ازاین‌کتابچه پانصد نسخه نوشته شده وبهمه ولایات ایران‌منتشر خواهد شد.

هرگاه رأی مبارك‌اقدس علاقه یابد چاکررا مرخص فرمایندعصربشهر برود میرزا رضا را ملاقات نماید،بمناسبتی این صحبت را بمیان آورد بلکه بتواندکتابچه‌را بدست بیاورد واگرکتابچه بدست‌بیابد بلکه انشاءالله نویسنده را هم بتواند معلوم نماید، دورنیست که اگر چنین کتابچه نوشته شده باشد هر کس باشد بدون اطلاع میرزا یعقوب خان نباشد (۱) این اوقات چاکر بقدر فهم خود آنچه می‌شنود و از حـالت مردم استنباط می کند حالت خـوبی در میان عموم مردم مشاهده نمی کند. چاکربیش ازاین جرأت نمی کند که آنچه می‌شنود و می‌فهمد بالصراحه عرض نماید.

درباب ضیاءالملك (۲) اگرچند نفر ازوزرا وارباب حل وعقد و اعتبار ازحکومت و وزارت میرزا آقاخان متوحش بودند؛ افراد و آحـادمردم از وجودو مداخلهٔ ضیاءالملك متزازل هستند مگرچندنفری که آنها هم بی‌مقصود نیستند صفر ۱۲۷۸ (۳).

---

۱ ـ میرزا یعقوب ارمنی پدر ملکم. (مؤسس فراموشخانه)

۲ ـ میرزا نقی ضیاءالملك پس از عزل میرزا آقـا خان در امور حکومت پایتخت مداخله داشته است.

۳ ـ کتاب دوازدهم ـ اسناد وزارت امور خارجه.

www.tabarestan.info تبرستان

سند چهل و یکم

گزارش وزیر امور خارجه

دربارهٔ قرارداد تلگراف با روسیهٔ تزاری

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایونت شوم ـ دستخط مبارك را که بهافتخار این چاکرفدوی شرف صدوریافته مقرر شدهبود درباب استحضار دادن ازشرایط تلغراف به سفارت روس ، با امین‌الدوله (۱) ومشیرالدوله (۲) گفتگو نماید : خودزیارت ومفاخرت حاصل نموده‌داد معزی‌الیهما هم‌زیارت کردند : مشیرالدوله اطلاع دادن از شروط تلغـراف را به وزیر مختار روس تجویز ننمود ودلیلش این است که کیفیت را وزیر مختار به دولت خود مینویسد وازآنجا بتوسط ایلچی انگلیس اولیای دولت انگلیس اطلاع حاصل‌می‌نمایند واین معنی باعث رنجش ودلخوری آنهاازدولت علیه می‌شود و میگویند کـه دوستی وخصوصیت شما باطناً با دولت‌روس بیشتر ازدولت انگلیس‌است ودر اموری که فیمابین شما وما دائر است رجوع بصوابدید دولت روس‌می‌نمائید و اگر این کار صورت پذیر نشود خواهند گفت : دولت روس نگذاشت شما اقدام نمائید . و اگر وزیرمختار اصرار درفهمیدن شروط نماید باو گفته شود کـه رسماً بنویسید و این فدوی بخاکپای مبارك عـرض نماید اگر امر و مقرر فرمودند اطلاع داده شود والا باید گفت که دولت‌انگلیس چنین تکلیفی‌بدولت ایران کرد وهنوز بجائی منتهی نشده است بعد از آنکه کار گذشت و تلغراف کشیده شدشما هم خواهید دید .

ولی امین‌الدوله را اعتقاد براین است که این امرچیزی نیست که پوشیده بماند ووزیرمختار روس اطلاع حاصل کرده‌است که دولت انگلیس خیال‌وضع

www.tabarestan.info
تبرستان

سیم تلغراف درخاك دولت علیه دارد ، اگراین عمل برخلاف میل آندولت بوده باشد همینقدراطلاع ازبرای القاء شبهه به اولیای دولت علیه وتلاش کردن در موفقی آن کافی است ، درمخفی داشتن شروط مقرره فایده متصور نخواهد بود وکاری نیست که بروزننماید وبلکه باید بهمه کس که صاحب تجربه واطلاع بوده باشدگفت وحسن وقبح کاررا درست فهمید وازروی بصیرت اقدام کرد، چه عیب داردکه وزیرمختار روس ازتفصیل اموراطلاع حاصل نماید و اگر درخیرخواهی چیزی بنظرش بیاید بگوید ، دولت انگلیس چه حق دارد باین جهت ازاولیای دولت علیه برنجد(۲) وانگهی دولت ایران دولتی است مستقل در هر کاری که صلاح وصرفه برای خود مشاهده بکند اقدام می نماید باین تصورات چرا باید استقلال خود را متزلزل ساخت ومیل وعدم میل دولت روس و انگلیس را مأخذ کارخود قرارداد، امثال این اموردرمیان جمیع دول دائر می شود بهیچوجه پوشیده وپنهان نمیدارند ودرروزنامه ها چاپ می سازند .

ازجانب وزیرمختار هم مجدداً اظهاری نشده است گویا بملاحظه اینکه دیدند دفع الوقت واعتذار می شود علی العجاله سکوت کردند .

برای اطلاع خاطرخطیرانوراقدس همایونی جسارت بعرض مراتب نمود الامرالاقدس الاعلی مطاع!ـ جمادی الاول ۱۲۷۸ (۳).

---

۱ ـ فرخ خان کاشی .   ۲ ـ میرزا جعفر خان .

۳ ـ کتاب دوازدهم اسناد وزارت امور خارجه .

www.tabarestan.info تبرستان

سند چهل و دوم

گزارش اعتضاد السلطنه برای شاه

در بارهٔ کارخانه قند

قربان خاکپای مبارکت شوم ـ چون چاکر جان‌نثار این اوقات اززیارت خاکپای مبارك دور(۱) و ازاین سعادت کبری وفیض عظمی محروم مانده عرایضی که داردناچاراست درخاکپای مبارك عرض کند، عرض اول آن‌است که حاجی یعقوبعلی را از مازندران آورده در خصوص شراکتی که از بابت کارخانهٔ قندریزی با ملك‌التجار (۲) داشت گفتگو کرده عمل شراکت خود را با ملك‌التجاربرهم زده تنخواهی که ملك‌التجارازبابت شراکت داده بود قرار شد با منفعت آن ازقرار تومانی یکصد دینارحاجی یعقوبعلی متدرجاً تحویل ملك‌التجار کرده چون کارخانه قند متعلق به دیوان دارد باید روزبروز در مقام آبادی آن بر آمده قندی که مشاراليه ساخته بسیار خوب است نمونهٔ آن را بحضورمبارك فرستاده و تعهد کرده است محل را ترقی داده وقند را مثل قند ارس (۳) ساخته ماه بماه نمونهٔ آن را بفرستد ، ازقراری که براین چاکر معلوم‌گردیده است ، امسال خسارت سالانه که حاجی یعقوبعلی‌بجهت کارخانه کشیده‌زیادبوده وعریضه‌بخاکپای‌مبارك عرض کرده‌است، پنجساله کارخانه قند را اجاره می کندکه سالی سیصد تومان به دیوان اعلی بدهد، چون کارخانه خرابی بهمرسانیده و اسباب آن معیوب شده است استدعا کرده است اجارهٔ سال اول را ازبابت بنائی کارخانه وتعمیربه او مرحمت شود . این استدعای

مشارالیه ضرری از برای دیوان اعلی ندارد بلکه لازم است این مرحمت را فرموده که باعث آبادی کارخانه و منفعت دیوان اعلی بشود .

عرض دیگر آن است از جمله شاگردانی که در این اوقات آمدند یکی هم نجار است ، شرحی که درباب صنعت او نوشته شده باکاغذی که حسنعلی خان وزیر مختار(٤) نوشته ایفاد حضور مبارک داشته که از نظر انور گذشته بعد از آن که موکب همایون بدارالخلافة الباهره تشریف آوردند شاگردان را بحضور مبارك می آورد که هرطوری امرو مقرر شود از آن قرار رفتار کند. دیگر امر امر همایون جهانمطاع (٥) جمادی الثانی ۱۲۷۸ .

www.tabarestan.info
تبرستان

---

۱ - گویا شاه در یکی از سفرهای ییلاقی خود بوده است .

۲ - ملك التجار پایتخت یا ملك التجار رشت ؟

۳ - اُرُس = روس .

٤ - حسنعلیخان گروسی (امیرنظام) در اواسط پادشاهی ناصرالدین شاه چندسال وزیر مختار ایران درلندن و پاریس و سرپرست دانشجویان ایرانی بود که ازطرف ناصرالدین شاه به اروپا گسیل شده بودند .

٥ - کتاب دوازدهم اسناد وزارت امور خارجه .

سند چهل و سوم

گزارش عمادالدوله استاندار کرمانشاه (۱)

دربارهٔ ملکم و بهاءالله

قربان خاکپای خدام آستان ملائک پاسبان همایونت شوم - در اواسط شوال که آقا علی پیشخدمت خاصه معاودت از عتبات نمود تفصیلی از خیانت و حرامزادگی میرزا ملکم (۲) در عریضهٔ مخصوصه عرض نموده بمشارالیه سپرد که در محل خلوتی بخاکپای اقدس همایون برساند ، مشارالیه در عرض راه ظاهراً بجهة ناخوشی احوالش‌خود قدری معطل شده است اینغلام جان‌نثار از وصول آن عریضه اطلاعی ندارد البته بنظر همایون رسانده است ، دراین وقت از کارپرداز بغداد نوشته رسیده بود که همان نوشته را ایفاد خاکپای اقدس همایون داشت .

www.tabarestan.info
تبرستان

میرزا ملکم حرامزاده را از بغداد به اسلامبول فرستاده است و دفع این مفسده از عراق عرب شده است ولیکن عمدهٔ مفاسد از میرزا حسینعلی حرامزاده بابی است (۳) که هنوز بسزای خود نرسیده است. اهتمام در وضع این خبیث حرامزاده از اهم والزم امور است ، ازقراریکه کارپرداز نوشته بود پاشای بغداد خوب همراهی کرده و خواهد کرد. اشخاصی که دور دایرهٔ او را دارند جمعی از اراذل جسته و گریختهٔ ولایات هستند، چندان قابل نیستند که بتوانند ممانعتی بعمل آورند همین قدر که آن حرامزاده را بسزای خود برسانند یاگرفته بفرستند دراینجا اورا بسیاست برسانند جمیع این مفاسد رفع می‌شود واگرهم

میفرمایند از اینجا آدم مخصوص بجهت دفع این حرامزاده روانه شود ممکن است، ولیکن احتمال دارد که نتواند از عهده برآید یا اینکه مطلب بروز بکند و مقصود ازدست برود .

البته اگر از پاشای بغداد حسب‌الامر اقدام در دفع او شود برای شأن دولت بهتراست، اشرار هم خواهند دانست که بعد از این نمیتوانندخاك بیگانه را مأمن خود قراربدهند و بآسودگی مشغول شرارت وحرامزادگی بشوند، علی ای‌حال بهرطورکه رأی انور اقدس همایون تعلق گرفته است اهتمامی در دفع این حرامزاده بفرمایند .

آقاجان پسراسمعیل‌میرزارا با سوار مستحفظ افشار چندی است روانهٔ دارالخلافه‌نمود، طفل دیوانهٔ‌جاهلی است بیشتر اسباب هرزگی نواب عباس میرزا(٤) اومی‌شده است کمال افتضاح ورسوائی در عمل اوظاهرشده‌است: ذیحجه ۱۲۷۸ الامرالاقدس ـ مطاع مطاع مطاع ـ پشت کاغذ ـ مهر ـ امامقلی ابن محمد علی (٥) :

www.tabarestan.info تبرستان

۱ـ امامقلی میرزا فرزند محمدعلی‌میرزا دولتشاه ۲ـ میرزا ملکم خان دیپلمات معروف و شیطنت‌پیشهٔ ارمنی (۳) بهاءالله ـ توضیح ـ میرزا حسینعلی و میرزا یحیی برادرش با اتباعشان بکوشش میرزا حسینخان مشیرالدوله در ۱۲۸۰ از بغداد به اسلامبول و سپس به ادرنه و بعد به عکا و قبرس تبعید شدند (شمارهٔ دهم نشریه انجمن تاریخ ـ نامه سپهسالار) ٤ـ عباس میرزا= ملك‌آرا برادر ناصرالدین شاه که در آن زمان در بغداد بحال تبعید بسر می‌برد

٥ـ کتاب ۱۲ـ اسناد وزارت امور خارجه .

سند چهل و چهارم

گزارش میرزا محمدخان سپهسالار وزیرجنگ

در بارهٔ کارهای وزارت جنگ و ارتش

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم ـ چون همه روزه عرض حقایق حالات به خاکپای مبارک از لوازم است بدینعریضه درمقام جسارت برآمد ، افواج قاهره هرروز درمیدان مشق مشغول مشق می‌باشند و امروزکه پنجشنبه بود حرکت افواج وشلیك نمودند و بعد از فراغ ازمیدان مشق بتقدیم سایر خدمات مرجوعه اشتغال دارند ودرقورخانه وجبه خانه‌متصل مشغول کارمیباشند ودقیقه‌ئی غفلت ندارند .

جعفرقلیخان سرتیپ اول کاغذی بخانه زاد نوشته ایفاد خاکپای مبارك شد، بدانچه رأی انور قرار یابد مقررخواهند فرمود ، بروات جیرهٔ ماه صفر افواج ملتزم رکاب ایفاد حضور همایون شد که بصحه همایون مزین شود وجیرهٔ آنها داده شود .

درباب ملبوس بجهة فوج عرب وعجم که ظهیرالدوله (۱) عرض نموده بود ودردستخط مبارك مقرر شده بود تفصیل را به دبیرالملك (۲) گفته بود که بعرض اقدس برساند، چهارماه است که بفوج مزبورملبوس داده‌شده حال که عرض نموده است لباسشان پاره شده حسب‌الامر امروز ملبوس قدك بجهت افراد فوج مزبور بسته و انشاءالله فردا می‌برند ، ملبوس ماهوت هم بجهت صاحبمنصبان فوج مزبور روانه می‌شود وبررأی انور واضح است که ملبوس صاحبمنصبان افواج قرارکلیه نبوده است که بهمهٔ افواج داده شود ببعضی افواج درعرض سال داده می‌شود، حال حسب‌الامر برای این فوج هم ایفاد

www.tabarestan.info

شد. در بارهٔ عمل سوارهٔ بختیاری و با جلال با موسی خان درروزجمعه بعرض همایون رسانید که هفتصدتومان تمسك ازموسی خان دریافت شده تنخواه‌آن حاضر است و درحقیقت این تنخواه مال سواره است وسواره روانهٔ ولایت شده‌اند چند نفرصاحبمنصبان درکارهستند اگر مقررمیفرمایند ازاین تنخواه بسوارهٔ مزبورچیزی داده شود و الاّ درجزء عمل تفاوت مواجب قشون جمع می‌شود، اگرامرقدر قدرمقرر می‌شود بمصرف بنائی نظام برسد یا اینکه ایفاد حضورمبارك گردد، بهرقسم امرهمایون صادرشود معمول افتد.

درباب بنائی نظام، معمار باشی سابقاً هزار تومان به‌استادحسن معمار نظام داده بود، دراین وقت هم ازاین تنخواه که مقررفرموده بودندهزارتومان داده واین دوهزارتومان سوای تنخواهی است که خانه زاد حسب‌الامر بجهت تعمیرسربازخانه وانبار عراده بمشارالیه داده است.

با نهایت اهتمام مشغول تعمیرات نظامی ازقراولخانه‌ها وسربازخانه‌ها وقزل قلعه وغیره‌میباشند، صورت مصارف تعمیرات بنظرانورمیرسد که بعد از تمام شدن این تنخواه اگرلازم باشد بازتنخواه مرحمت شود.

درباب سی‌عراده توپ که مقررفرموده‌انـد هرچه کسراسباب دارد نوشته شودوبنظرانوربرسد، بتوسط جهانگیرخان(۳) و عملهٔ قورخانه بدقت رسیدگی شده صورت مخارج آن نوشته شده بنظرانورمزین می‌شود اگرمقررفرمائید از آن قرار تعمیر شود، چند عراده هم که بفارس وعربستان برده‌اند درفرد مزبور نوشته‌شده‌سه‌عراده قیس(٤) درشیراز است، به مؤیدالدوله‌نوشته‌شدکه اگرضرور دارد نگاه‌دارد والاّ روانهٔ رکاب مبارك نماید.

مقررفرموده بودند قورخانه درارك مقابل جبه خانهٔ جدید ساخته شود، نقشه آن راکشیده‌اند چند باب خانه هست که باید خریده شودوقورخانه‌ساخته

شود ولیکن قیمت این خانه‌ها ازبیست تومان وسی‌تومان زیاده نیست همینقدر است که اسمش خانه است اگرمقررمیفرمائید خانه‌ها خریده شود و قورخانه بسازند ازاراضی قورخانه شهرفروخته می‌شود تنخواهش هرقدر صرف تعمیر قورخانهٔ اراك شده است مابقی مال دیوان اعلی است .

محمود خان سرکرده چلبیانلو چون برادرش تصدق خاکپای مبارك شد برات خلعتی بجهت‌اونوشته شده که‌اگررأی همایون قراریابد خلعت‌او مرحمت شود وروانهٔ ولایت گردد .

اسمعیل‌خان فردی از بابت باقیماندهٔ قسط برج اسد وجوه جمعی خود نوشته چون‌بواسطهٔ دردپا نمی‌توانست اینجا بیایدرقعه رابخانه زاد نوشته ایفاد حضور همایون داشت حکم آن رامقررخواهند فرمود . سان فوج خاصه امروزبا حضور یمن‌الملك (۵) دیده شد، فوج کمره را هم روزشنبه انشاءاله سان می‌بینند، ناتمامی هم اگر درکارشان باشد در این دو روزه تمام نموده صورت‌آن بنظرانورمیرسد که روزدوشنبه یا سه شنبه فوج مزبور مرخص شوند ربیع الاول ۱۲۷۹ امراقدس اعلی مطاع (٦) .

---

۱ ـ محمد ناصرخان .
۲ ـ میرزا محمد حسین فراهانی .
۳ ـ وزیر قورخانه .
٤ ـ قیس = جزیرهٔ کیش .
۵ ـ شناخته نشد .
٦ ـ کتاب نهم اسناد وزارت امورخارجه .

www.tabarestan.info تبرستان

سند چهل و پنجم

گزارش سپهسالاروزیرجنگ به ناصرالدین‌شاه

دربارهٔ سپاهیان خوزستان

قربان‌خاکپای مبارکت شوم - فوج بزچلو (۱) که درعربستان (۲) است مواجب سرباز آنها بخرج دستورالعمل عربستان آمده‌است ، چون اوایل سال بنابود فوج به رکاب آمده مرخص خانه شوند (۳) خانه زاد نوشت که در عربستان بآنها مواجب ندهند ، حال که پنجماه متجاوزازسال گذشته‌وفوج‌مزبور درمحل‌مأموریت هستند وموافق‌فرمایشاتی که درجواب‌عرایض معتمدالدوله (٤) میفرمودند لامحاله سه چهارماه دیگر هم مأمور آنولایت خواهند بود ومستحق مواجب سه ماهه علاوه‌برشش ماه محلی هستند ، اگرامرقدرقدر مقرر می‌شود به معتمدالدوله نوشته شود که مواجب سه‌ماهه فوج مزبورراکه بخرج دستور-العمل عربستان‌آمده کارسازی نمایند ، چون امور دیوانخانه نظامی عربستان ولرستان راجع بدیوانخانه بروجرد است وقشون مأمور ومتوقف آن ولایت درست دسترس به بروجرد ندارند ، معتمدالدوله رقعه بخانه زاد نوشته که امر دیوانخانهٔ نظامی‌عربستان ولرستان به سلطان اویس میرزا پسراوواگذارشود ، رقعهٔ مزبوره‌بنظرانورمیرسد آنچه مقرر فرمایندااطاعت شود- ربیع‌الاول ۱۲۷۹ امراقدس اعلی مطاع (۵) .

www.tabarestan.info
تبرستان

---

۱ - از دهستان های میان اراك و ملایر .   ۲ - خوزستان .

۳ - افراد افواج نظامی بطورکلی درهرسال پس ازیك دوره خدمت چند ماه مرخصی داشتند که بخانه‌های‌خود برگردندواین‌را مرخصی خانه میگفتند .   ٤ - فرهاد میرزا

۵ - کتاب نهم از اسناد وزارت امور خارجه .

سند چهل و ششم

گزارش وزیرامورخارجه برای ناصرالدین‌شاه

دربارهٔ هرات

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم نوشتجات حسام السلطنه (۱) و سردارسلطان احمدخان(۲) را از حضور همایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاه آوردند، برحسب فرمایش علیهٔ ملوکانه الآن اینغلام جان نثار مشغول است که ملفوفه فرمان مبارك وسایرنوشتجات را اصلا وسواداً با دو فصل عهدنامه در جوف پاکت حسام‌السلطنه بگذارد وهمچنین پاکت سردار سلطان احمد خان را جابجا مهرولاك کرده شبانه به شهاب‌الملك (۳) برساندو تأکید کندکه فرداخیلی‌زودبه‌امین‌الدوله (٤) رساندکه چاپارخراسان‌رابلامعطلی روانه دارند وفرمایش جهانمطاع شاهنشاه جمجاه روحنا فداه را مجری‌نماید و بعدازآن انشاءالله تعالی چاپاراسلامبول را زود عزیمت دهد.

حسب‌الامرالاقدس‌الاعلی امروز میرزاجوادخان(۵) را بسفارت‌انگلیس با دستورالعمل کافی فرستاد از قرار همین یادداشت که درطی عریضه میباشد با وزیر مختار مذاکره نموده است که از عرض خاکپای مبارك اقدس خواهد گذشت.

وزیرمختار بجز سئوال از وضع سیستان و حاکم آنجا حرفی نزده‌است برای استحضار خاطر مرحمت مظاهر خسروانه جسارت بعرض کرد.

ربیع‌الاول ۱۲۷۹ الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع. (٦)

---

۱ ـ سلطان مرادمیرزا فاتح هرات که بار دوم والی خراسان شد.

۲ ـ سردار افغانی که پس‌از قرارداد پاریس باموافقت ایران حکمران هرات شد.

۳ ـ غلامرضا خان نایب‌الایاله خراسان.

٤ ـ فرخ‌خان کاشی عاقد قرارداد پاریس.

۵ ـ میرزا جوادخان عضو وزارت خارجه.

٦ ـ کتاب هشتم اسناد وزارت خارجه.

www.tabarestan.info تبرستان

سند چهل و هفتم

یادداشت وزارت خارجه بسفارت انگلیس

دربارهٔ دست اندازی دوستمحمدخان به اطراف سیستان (۱)

در ضمن اخبار آخری خراسان چنین اخبار گردیده و نوشته‌اند که دوست محمد خان(۲)، آدم به‌سیستان فرستاده مطالبه سیورسات از آنجا و مداخله در کار آن مملکت می‌نماید، این خبر غرابت عظیم دارد و طرف نسبت با اخبار و حوادث دیگر که تا حال بآنجناب اطلاع داده شده نیست زیرا سیستان ملک طلق بلامنازع دولت ایران است و آنجا را با خراسان و هر یك از ممالك محروسهٔ ایران بیك نسبت ملاحظه می‌نمایند این مسئله چیزی نیست که پوشیده و محتاج بمذاکره باشد.

www.tabarestan.info تبرستان

این نوع حرکت تجاوزیه ازقوه تحمل خارج است آنچه تاحال مذاکره با سفارت انگلیس شده راجع بفقره افغانستان است و استناد اولیای دولت علیه در اینخصوص بفقرات فصل ششم عهدنامه پاریس است ولیکن این مسئله کلیتاً راجع بفصل هفتم عهدنامهٔ مزبور است و اولیای دولت ایران آن حرکت امیردوست محمدخان را جز تجاوز به‌داخلهٔ مملکت ایران بمعنی دیگر حمل نخواهند کرد. وهمچنانکه از یك طرف مطالبهٔ ترفیه شایسته می‌شود از طرف دیگر نواب شاهزاده والاتبار حسام‌السلطنه حقاً مجبور خواهند بود که بعدازیأس از دادن ترضیه به‌زور لشکری حق دولت متبوعه خودرا مجری و ممضی بدارد.

دنباله این کیفیت با امیردوستمحمدخان که مبادرت بتخطی و تجاوز بملك

دولت ایران کرده است بهر تفصیل که منجر بشود بحثی بدولت ایران نخواهد بود. برعهدهٔ خود اوست که ازحد وزی[*] خودش تجاوز کرده است ، دولت ایران در این مسائل که بمیان آمده است عموماً و در این مسئله جدید سیستان خصوصاً در حالتی که مطابق مدلول نص صریح عهدنامه حق معین وآشکار داشته باشد چگونه میتواند ساکت بنشیند وازخطرات وضررهای عمدهٔ محسوسهٔ آنها صرف نظر نماید ، حق این است که تحمل و سکوت فوق طاقت ایـران است و البته اولیای دولت انگلیس در مقام انصافی که دارند از تکمیل شرائط عهدنامه به هیچوجه اغماض وتقاعد نخواهند کرد و راضی نخواهند شد که این دولت برای حفظ حقوق خود محتاج بمخارج لشکرکشی گردد . ربیع‌الاول ۱۲۷۹. (۲)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ـ این یادداشت به‌دستور ناصرالدین‌شاه نوشته شده و زیر پیشنویس امضاء شاه دیده می‌شود .

۲ـ کتاب اهم اسناد وزارت امورخارجه

سند چهل و هشتم

گزارش وزیر امور خارجه

دربارهٔ رویدادهای مرزی

قربان خاکپای اقدس همایونت شوم ـ دیشب چاپاری از خرم‌آباد آمد و بعضی نوشتجات از معتمدالدوله (۱) رسید حاصل این است که عثمانی‌ها سوار نظام و جمعیت برای ضبط معادن پشتکوه فرستاده‌اند، حسینقلی خان (۲) والی و برادر او که در آنجا بوده‌اند بمقام ممانعت و مدافعت برآمده فیمابین آنها جنگ و نزاع واقع شده چند نفر هم کشته گشته بالاخره حسینقلی‌خان آنها را شکست داده و ازسرمعدن دور کرده نگذاشته است مداخله بکنند. کاغذها را انفاد حضور همایون داشت.

www.tabarestan.info
تبرستان

چاپار دیگر هم صبح امروز ازخراسان آمد از قراریکه شاهزادهٔ حسام‌السلطنه (۳) و اسدالله‌میرزا (٤) نوشته‌اند سوارهٔ ساروق (۵) که بتاخت صفحات قاین رفته بودند باباخان پسریوسف‌خان هزاره‌ئی به دو دستهٔ آنها برخورده و آنها را تعاقب کرده و بسوارهٔ مزبور شکست فاحش داده هفتاد اسیر وسرباز ازآنها گرفته است باقی دیگر فراری و متواری شده گریخته‌اند. (٦)

دیگر ازقراریکه حسام‌السلطنه وسایرین نوشته‌اند درحالتی که امیردوست محمدخان در آن ناخوشی بیحس و بی‌شعوربود. قلعه هرات مفتوح شده و به‌دست او افتاده (۷) اماخود اوهم رمقی بیشتر نداشته و از حیات او مأیوس بوده‌اند ظاهر این است بعد از این مقدمه وفات کرده باشد امید چنان است که

هرچه ازجانب خدا وارد شود خیردولت باشد و اینگونه اخبار و وقایع و آثار و حوادث مایهٔ انزجار خاطرمبارك نشود . نظرمرحمت و فضل خداوندی همه وقت متوجه سایه خدا بوده و خواهد بود و امیدوار هستیم بـا آن حـالت احتضاری که دوستمحمدخان داشته وعنقریب از میان میرفته بعد از مرگ او جبران همه اینها بشود و مقصودات بعمل آید . ذیحجه ۱۲۷۹ ـ الامر الاقدس الاعلی ـ مطاع (۸)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ـ فرهاد میرزا والی لرستان وخوزستان ۲ـ والی پشتکوه معروف به ابوقداره

۳ـ سلطان مراد میرزاوالی خراسان ٤ـ نایب الایاله

۵ـ از تیره‌های ترکمن ٦ـ یوسف‌خان رئیس تیرهٔ هزاره و از مرزداران دلیرایران (نوهٔ اویوسف هزاره‌ئی صولت‌السلطنه آخرین بازماندهٔ دودمـان هزاره‌ئی در ۱۳۲٤ زمان استانداری منصورالملك غافلگیرانه کشته شد).

۷ـ امیردوستمحمدخان پس ازسلطان احمدخان برهرات چیره شد وآثار نفوذ ایران را بالمره ازمیان برد .

۸ـ کتاب هشتم اسناد وزارت امورخارجه

سند چهل و نهم

گزارش مامور تذکره خرمشهر بوزارت خارجه

درباره رویدادهای خرمشهر (محمره) و فلاحیه (شادگان)

مشایخ و طوایف فلاحیه و چعب(۱) در سنه ماضیه و هذه‌السنه بموجب حکم نواب مستطاب اشرف والا فرهادمیرزای معتمدالدوله(۲) واگذار و سپردهٔ عالیجاه شیخ لفته خان برادرزادهٔ عالیجاه شیخ فارس خان بود، مشایخ و اعراب طوایف بتحریك عالیجاهان شیخ فارس خان و حاجی جابر خان (۳) بنابرعداوت ولجاجت که فیمابین آنها بود درشهرصفرالمظفر بعالیجاه شیخ لفته خان شوریده حتی مشایخ و اعرابی که درتحت اطاعت حاجی جابرخان بود آنها هم بتقویت مشایخ چعب رفته چند روز دور فلاحیه را محاصره نموده در روز بیست و پنجم شهر معروض نزاعی و جدالی مابین آنها واقع بعد از زد و خورد زیاد و کشته شدن یك نفرتوپچی ویك نفرسرباز عالیجاه شیخ لفته خان مغلوب وفراری شده وابستگان مشارالیه را با سرباز و توپچی کلاً منهوب و تمامی اسب و اسباب آنها را بغارت می‌برند و بعد ازفرار شیخ لفته خان، عالیجاه شیخ فارس خان باکمال استقلال واستقرار آمده و درفلاحیه‌می‌نشیند و تا ورود نواب مستطاب اشرف امجد والا حشمت‌الدوله (۴) به‌شوشتر (۵) در فلاحیه نشسته بود ، بعد از ورود نواب معظم‌الیه به محمره آمده‌چند روزی با حاجی جابرخان بودند و ازگفتگوی ایشان اینقدر معلوم شد که عداوت و لجاجت سابقی را به‌کنارگذاشته او دربزرگی و حاجی جابرخان در کوچکی خود حرکت‌نموده هردو ولایت محمره وفلاحیه و چعب یکی باشد وازصوابدید

یکدیگر تخلف ننمایند. عالیجاه حاجی حسین خان بروجردی را که نواب مستطاب والا بجهة احضار شیخ فارس خان و حاجی جابر خان مأمور نموده بود بعد از ورود به‌فلاحیه شیخ فارس‌خان به اتفاق حاجی حسین‌خان به‌محمره آمده سه شب در محمره بودند بعد از گفتگوی زیاد و مصلحت و مشورت هر دو در رفتن شوشتر و شرفیابی حضور نواب مستطاب والا متعذر بعذرهای چند شده رفتن را موقوف داشتند، لهذا عالیجاه مشارالیه را بایکنفر میرزای حاجی جابرخان وقدری تنخواه مالیات روانه شوشتر نمود و هنوز خبری از ورود آنها نرسیده است (٦) ـ ربیع‌الاول ۱۲۸۰ ـ مهر ـ بسم‌الله‌الفائق (۷)

www.tabarestan.info تبرستان

۱ـ از تیره‌های با نفوذ و قدرتمند خوزستان در حدود سوسنگرد و شادگان وخرمشهر ۲ـ والی خوزستان و لرستان ۳ـ پدر شیخ خزعل و شیخ خزعل (شیخ فارس‌خان و حاجی‌جابرخان پسران شیخ‌ثامرخان رئیس ایل بنی‌کعب خوزستان)

٤ـ حمزه میرزا بعد ازمعتمدالدوله والی‌خوزستان شد

۵ـ شوشتر مرکز و حاکم‌نشین خوزستان در زمان قاجاریه

٦ـ فائق خان ۷ـ کتاب ۱۹ اسناد محرمانه وزارت امورخارجه

سند پنجاهم

نامهٔ کنسول حاجی ترخان به وزیر امور خارجه

دربارهٔ جعل تذکره

تصدقت شوم ـ ازقرار مذکور سرکار جنرال قونسول تبریز ازاین فدوی... شکایت نموده است ـ اولاً نمیدانم ازچه سبب و ازچه جهت خداگواه است که در این مأموریت چه قدر با احتیاط حرکت نموده‌ام چنانکه در این مدت.. هیچکس از داخل و خارج در مقام شکایت برنیامده است وکلیه کوشش براین است که در این مأموریت مورد بی‌التفاتی واقع نشوم.

درچندی قبل کنیاز آقاییکف تلگرافچی نخجوان عازم تبریز شده باتفاق دو سه نفر سوار کلبعلی خان رسیده بسرحد، آنچه لوازم صحبت بود انجام داده‌ام بعد یك تذکره امضا بخود ایشان داده وجهش را هم از خودم داده‌ام سوارها را خواست تذکره بدهم قبول نکردم، آخرالامر وعاقبت یك تذکره امضاکرده دادم و نیم منات گرفتم رفته تبریز شکایت کرده این فدوی هم مکرر خدمت سرکارخان رئیس عرض کرده‌ام، هرگاه حکم میدهند که بسوارهای کلبعلیخان امضا داده نشود این فدوی تکلیف خود را بداند والا هر روز ده بیست سوار می‌آید می‌گذرد که من سوار کلبعلی خان هستم نباید تذکره بگیرم...

علاوه براین چندی می‌شود که سرکار خان رئیس (۱) بی‌التفاتی می‌فرمایند برجنابعالی هم معلوم است از چه راه است من هم بیش ازاین کفایت

ندارم که بتوانم ازعهده خیالات ایشان برآیم تا حال در مقام ایراد واقع نگشتم حال تحریك جنرال قنسول برپا شده است، سرکارمقرب الخاقان حاجی شیخ محسن خان هم خوب اطلاع دارند ـ ۱۳ شوال ۱۲۸۲ اسحق (۲)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ـ میرزا یوسفخان جنرال قنسول تفلیس ـ توضیح از طرف میرزا اسحق‌خان یك کارمند کنسولگری حاجی ترخان مأمور مکاره شد ، میرزا یوسفخان منشی خود میرزا جعفر را به مکاره فرستاد و صدور تذکره را بعهده گرفت، میرزا جعفرمتهم بسوءاستفاده و رابطه نهانی با مأمورین روس بود (نامه ۲۶۲ ـ ۲۶ شوال ۱۲۸۲ کنسولگری حاجی ترخان).

۲ـ کتاب چهارم اسناد وزارت امورخارجه

سند پنجاه و یکم

نامهٔ دیگر از کنسول حاجی ترخان به وزیرخارجه

دربارهٔ جعل تذکره

دربابِ قیمت پانصد طغری تذکره اگرچه درعرایض شهر ماضی تفصیلی عرض کرده ومنتظر جواب ازجانب عالی بودم چون در ضمن احکام پاکت مورخه ۲۲ شهررمضان‌المبارك مجدداً تأکیدی دراینباب‌شده بود لهذانتوانستم از مدلول حکم آن تجاوز نموده منتظر جواب باشم عجالتاً در ضمن همین پاکت ثبت واسامی مصرف‌شدهٔ تذکره را نوشته ایفاد حضور عالی داشت که امنای تذکره چنین تصورنفرمایندکه حاجی‌ترخان محل مصرف تذکرهٔ زیادی است ، اگر سابقاً بوسیله مأمور حاجی‌ترخان سالی فلانقدر تذکره مصرف می‌شد علتش این بود که دوثلث ولایات قفقازیه بتوسط قنسولگری اینجا اخذ تذکره می‌نمودند وحال همهٔ آن محل‌ها را جنرال قنسولگری تفلیس تصاحب کرده وکیل گذاشته وخود تذکره میدهد و علاوه برآنکه سالی فلانقدرتذکرهٔ دولت در آنجا مصرف می‌شود اقلاً سالی دوسه‌هزار طغری هم درآنجا خود چاپ‌زده مصرف میرساند . که این این دوطغری تذکره یکی بشمره ۳۳۹ ویکی ۴۱۰ ـ است از آنجمله است که لفاً جهت اطلاع خدام عالی فرستاده‌میشود.

گویا از این فقرات خدمت خدام عالی درست واضح باشد که درخود حاجی ترخان مصرف تذکره اینقدرها نمی‌شود که قابل مذاکره باشد ومحلی هم از اطراف باقی نگذاشته اند مترصدم که جواب عریضهٔ سابق فدوی که در

www.tabarestan.info
تبرستان

اینخصوص عرض شده است برسد و زیارت شود هرطور مقرر فرمائید از آن قرار رفتار نماید زیاده جسارت نمی کند مورخه ۲۶ شهر شوال ۱۲۸۲ .

الآن که سرپاکت را می‌بست دوطغری تذکره هم از طرف حکومت فرستاده بودند رسید یکی نمره۱۴۸۹ ودیگری نمره ۱۴۹۰ که ازجنرال‌قنسولگری تفلیس در ماه رمضان بدونفر تبعه ایران داده شده است . چون معلوم است که طبع دارالخلافه نیست وبتازگی (علاوه بر تذکره های سابق که در تفلیس چاپ شده بود) چاپ کرده مصرف می‌نمایند (۱) و فدوی نمیتوانست آنهارا تذکره دولتی حساب کرده امضا کند باین ملاحظه لفاً فرستاد که بنظرعالی برسد اگر به اجازهٔ دولت چاپ شده‌است وصحیح بایدداشت . مقرر فرمایند تذکره های مزبور را پس بفرستند که بصاحبان آنها ردشود ـ شوال المکرم ۱۲۸۳ پشت کاغذ ـ مهر ـ اسحق : (۲)

www.tabarestan.info تبرستان

---

۱ ـ دراین هنگام میرزا یوسفخان مستشارالدوله فراماسون معروف سرکنسول ایران در تفلیس بوده است .

۲ ـ کتاب چهارم اسناد محرمانه وزارت امور خارجه .

سند پنجاه و دوم

مقالهٔ روزنامه روسی پترزبوغ

دربارهٔ تسخیر تاشکند و بخارا

در مجلس وکلای ملتی انگلیس بتاریخ شانزدهم ماه مارس مطابق بیست وهشتم شوال ۱۲۸۲ مسیو لایارد نایب اول وزارت خارجه انگلیس در جواب مستر راولنسون که درخصوص رفتن لشکرروس به سمت بخارا سئوال کرده بود این اعلام آتیه را می کند .

ما اطلاع درست وصریح از رفتن عساکر روسیه به سربخارا نداریم در صورتی که این فقره هم حقیقت داشته باشد ما نمیتوانیم بیان نمائیم که مقصود دولت روسیه ازاین چیست زیراکه اولیای دولت مشارالیها بما اطمینان داده‌اند که میل امتداد دادن نفوذ خودشان را بطرف بخارا ندارند . (!) چون ممکن بود که این اعلام رسمی سبب اشتباه و سهوی گردد لهذا لازم آمدکه دراینجا این ملاحظه را بکنیم که اولیای دولت امپراتوری نمیتوانند هیچ اسم و رسم سئوالی را قبول نمایند مگردرخصوص اموراتی که فقط بدولت خود تعلق‌دارد بدون اینکه ضرری بیکی از دول خارجه عاید دارد .

پس در اینصورت دولت روس لازم نداشت کـه درخصوص خیالات و مقاصد خود به دول دیگر اطمینان صریح بدهد .

اما چون اولیای دولت روسیه خبری ندارندکه مخفی بدارند لهذادریک مراسله رسمی مورخ ۲۵ ماه نوامبر مطابق ۱۸ رجب‌المرجب بعموم سفرا و مأمورین‌خودکه مقیم سایر دول دیگرمی‌باشند نوشته بیان‌کرده است مقاصدی

را که پولتیك دولت خودرا بسمت آسیا متوجه و منعطف می‌سازد و عموم دول نیز بعداز انتشار مضمون همان مراسله از مطلب آن استحضار بهمرسانند. در مراسله مزبور ذکر شده‌است که اولیای دولت روسیه میل ندارند که سرحد خودشان را در آسیای وسطی آنطرف خطی که بجهت امنیت خود ناگزیر تصور کرده است ممتد بدارد وهمچنین پولتیك روسیه درخصوص آن صفحات محرك ومقصد دیگر ندارد بجز انضباط و استحکام امنیت و آرامی مملکت و رواج تجارت و ترقی و تربیت اهالی آن مملکت و اولیای دولت روسیه نیز بهیچوجه از این خیالات انحراف نجسته‌اند.

بموجب اخباراتی که بتازگی از تاشکند رسیده «جنرال چرمایف» یکنفر صاحبمنصب را بمأموریت دوستانه و صلح‌آمیز نزد امیر بخارا روانه و مأمور نموده است و این مأمور بحکم امیر بخارا دستگیر و در بخارا محبوس شده است.

البته این چنین حرکتی ممکن نمی‌شد بی‌تنبیه و بی‌مؤاخذه بماند وجنرال چرمایف درمقابل مساعی واهتمام کاملهٔ خودکه درخصوص استخلاص مأمور مزبور درپیش امیربخارا کرده بود جواب ناشایست شنید آنوقت به‌لشکر خود حکم داد از رودسیحون عبور و روبسمت بخارا حرکت کنند و در آن بین به امیر پیغام داد مادامی‌که صاحبمنصب روسی‌را صحیح و سالم تسلیم ننماید لشکر بسمت بخاراخواهدآمد، تاحال بیش‌ازاین خبری نرسیده است. (۱)

امابابد صحت خبری‌راکه مردم باخوشحالی‌وشعف کلی‌استماع‌خواهند کرد در اینجا به ثبوت برسانم، اهالی شهر تاشکند خواستند علامت مراتب احترامات‌خودشان‌را بحضورراعلیحضرت‌امپراطورتقدیم نمایندودراینخصوص

www.tabarestan.info

چنین مصلحت دانستند که از این بهتر هیچ نمیشود مگر اینکه باخیالات عظیمه و عالیه اعلیحضرت امپراطور که عبارت از آزادی واستخلاص مردم از اسیری باشد (۲) چنانچه این فقره افتخارسلطنت امپراطور خواهد شد مشارکت و همراهی نمایند لهذا عموم اسرا و مملوکها را از قید اسیری آزاد نموده و علاوه براین اعلام کردند که من بعد بکلی بیع وشراء (خرید و فروش) مملوك و اسیر ملغی و منسوخ خواهد شد.

اکثراین اسرا اهل ایرانند که ترکمانها از جاهای نزدیك بسواحل دریای خزر گرفته ودربازارهای خیوه و بخارا بفروش میرساندند وبدین واسطه گرفتار هزار زحمت و مرارت بودند.

این داد وستد مردم یکی از آن بلایای آسیا بود که مردم برفع آن مقتدر نبودند ولی می‌بایست که این بلایا درمقابل اقتدارتربیت وترقی مردم تسلیم باشد.

این نتیجهٔ حسنهٔ اول است که از روابط دولت روس بااهالی آن صفحات بظهور رسید وظهور وطلوع این نوع ترقی فال نیك و خبر مستقبل اهالی آن سامان می‌باشد ـ ترجمه بنده درگاه داود مترجم سفارت سنیهٔ ایران ـ شوال ۱۲۸۲. (۳)

www.tabarestan.info تبرستان

---

۱ ـ ژنرال چرمایف از طرف ارتش تزاری تاشکند و سپس بخارا را تصرف کرد.

۲ ـ این همان عنوان حق بجانبی است که دولت های استعمارگر برای چیرگی بر کشورها و تودههای ضعیف از دیرباز شعار خود ساخته اند.

۳ ـ کتاب چهارم اسناد وزارت امورخارجه.

سند پنجاه و سوم

نامهٔ وزیرمختار ایران در روسیه

دربارهٔ راه تجارتی ایران و قفقاز

خدایگانا ـ عالیجاه سالاوان‌خان(۱) چندروزاست که وارد پترزبورگ (پطرزبورغ) شده و ازقرار تقریر مشارالیه معلوم می‌شود که چند نفر مهندس از راه اسلامبول و پوطی‌روانه نموده است که دردارالسلطنه تبریزحاضرباشند که خودهم هرچه زودتر قرارامورات خودرابااولیای این دولت‌بدهد ودوباره بفرانسه مراجعت کرده از آنجا یکسر بدولت علیه (ایران) برود، اوایل گویا حرفهای اورا اولیای دولت روسیه جزو هوامحسوب میداشتند چندان‌اعتنائی در اول ورود بحرف‌های اونداشتند لکن این دفعه قدری حرفهای اورا گوش میدهند ازقراریکه خود تقریر میکرد«پرنس‌غرچقوف» ووزیرمالیه زیاد تحسین کرده‌اند و بلکه مشوق شده‌اند که‌این راه رازودتر تمام کند .

حرف سالاوان‌خان این است که : تااینها قول صریح ندهند که دولت روسیه‌هم درسرحد خود راه شوسه‌را درست خواهدکرد من اعتماد باین‌حرفها نخواهم داشت . گویا دولت روسیه‌هم بعهدهٔ نواب گراندوك جانشین قفقازیه محول کرده‌اند که هرگونه‌او صلاح داند مجری بدارد ، معلوم است محض از برای اینکه راه تجارت ایران از قفقازیه بازشود دولت‌روسیه کمال اهتمام خواهدکرد که این راه را بسازد .

مراجعت سالاوان‌خان معلوم‌نیست گویا ده‌پانزده روز دیگرهم‌دراینجا خواهدماند‌چون استحضارجنابعالی لازم بود جسارت نمود، زیاده چه‌عرض شود. غره‌ذی‌قعده ۱۲۸۲ (پشت کاغذمهر ـ عبدالرحیم الحسینی(ساعدالملك) (۲)

---

۱ ـ سالاوانخان = ارمنی = تبعه فرانسه ایرانی‌الاصل در دورهٔ ناصری برای کارهای اقتصادی در ایران کوشش های بی‌ثمری کرد .

۲ ـ کتاب چهارم از اسناد وزارت امور خارجه .

سند پنجاه و چهارم
گزارش وزیر مختار ایران در روسیه
در بارهٔ خطوط تلگرافی ایران

خدایگانا در بال گراندوک قسطنطنین به جناب مسیو تولستوی وزیر پست و تلغراف ملاقات کرده مشارالیه فصلی درباب دوفقره آتیه صحبت کرد و از بنده خواهش نمود که مراتب را باستحضار اولیای دولت علیه برساند.

اولاً مذکور داشت که بجهت تسهیل عمل و بملاحظه اینکه عمله‌جات تلگرافخانهٔ ما به اصول و قواعد شما و عمله‌جات تلغرافخانه شما به اصول و قواعد ما بصیرت تمام بهم رسانند من از نواب والا اعتضادالسلطنه خواهش کرده بودم که رمز تلغراف سرحد جلفارا یکی بکنیم، یعنی دفتر تلغرافخانهٔ ما هم بآنجا حمل ونقل شود که الآن محل مزبور بجهت دفتر تلغراف شما معین است.

نواب معزی‌الیه دراول خواهش مرا قبول فرموده بود گویا متعذر شده‌اند که همان محل بجهت دفترخانه مرغوب نیست باید خانهٔ دیگر ساخت، چون منظور من اطلاعاتی است که عملجات طرفین از اصول یکدیگر حاصل نمایند لهذا مرغوبی ونامرغوبی محل را پاپی نیستیم خواهش دارم اذن داده شود که دفترخانه ماهم درهمانجا باشد که بالفعل دفترخانه تلغرافخانه ایران آنجا است بعد که خانهٔ دیگر ساخته شد این را تغییردادن و هردوخانه‌را آنجا حمل ونقل کردن کارآسان است ومیگفت اگرنواب معزی‌الیه همچو صحبتی در حق

www.tabarestan.info
تبرستان

من بکنند منهم من بعد در هرباب از قبول خواستهای ایشان مضایقه ندارم و بمناسبت ذکر این فقره زیاد اظهار امتنان از مراقبت نواب والا درنظم عمل تلغراف کرد و گفت از وقتی که نواب والا بمقام تنظیم عمل مزبور برآمده‌اند الحق زیاد امر تلغراف پیش رفت کرده است.

فقرهٔ ثانی این بود که اولیای دولت قاهرهٔ ایران قیمت تلغراف را زیاد گران کرده‌اند و تلغراف بآن قیمت چنان کار نمی‌کند و میگفت در این فقره حق بجانب اولیای دولت علیه است زیرا که چندان مدتی نیست که تلغراف در ایران بناشده مادامی که درست پشت وروی کار ملاحظه نشده اگر کسی تکلیف کند که قیمت تلغراف را کم بکنید بیشتر منفعت برمیدارید؛ این تکلیف در بادی نظر قدری غریب می‌نماید چنانچه ماهم تا دوسال پیش همین حالت را داشتیم لیکن همینکه چندسال گذشت وازعمل تلغراف اطلاع کامل حاصل شد خواهند دانست که اظهارات من اقرب بصواب بوده چنانچه بیشتر قرار ما با دول خارجه بهر تلغراف ۲۴ فرانك بود حالا دوازده فرانك شده آخر سال حساب کردیم دیدیم به صدسی بیشترمداخل شده‌است باین‌معنی که اگر سابقاً صدمنات مداخل داشت و دراین اواخر که قیمت را کم کرده‌ایم مداخل صد و سی شده وهم‌چنین درداخلهٔ روسیه حالامدتی‌میشودکه قیمت آن تنزل کرده ازآنوقت‌ببعد در بعضی جاها بصد وسی و دربعضی جاهای دیگر بصد صد آورده‌است یعنی اگر بیشترسالی صدمنات تلغراف کار میکرد حالادربرخی جاهاصدوسی ومنات وصد وچهل منات ودربعضی‌جاهای دیگردویست‌منات می‌آورد، دیگرمنفعت بالاتر از این چه می‌شود؟

اگر اولیای دولت علیه هم قیمت تلغراف را قدری تنزل بدهند آنوقت

www.tabarestan.info طبرستان

بیشتر راغب وطالب مخابره تلغرافی شده مکاتبات خودشان را بتوسط تلغراف خواهند نمود ، در اینصورت اولیای دولت علیه آخر سال خواهند دید که مبلغی بیشتر از سنهٔ ماضیه عملکرد تلغراف شده است .

ماهم این همه تجربیات را از تلغرافخانه های دول اخذ کرده و معمول داشته‌ایم که الآن منافع استعمال این تجربیات را مشاهده میکنیم و چون این بنده‌را متعهد کرد که مراتب‌را بعرض اولیای دولت علیه برساند لهذا جسارت کرده‌عرض نمودزیاده چه جسارت شود ـ مورخه شهررجب‌المرجب ۱۲۸۳ ـ مهر عبدالرحیم الحسینی (ساعدالملک) . (۱)

www.tabarestan.info تبرستان

۱ ـ ج ۵ کتاب اسناد محرمانه وزارت امور خارجه ـ توضیح ـ این گزارش‌را ساعدالملک برای علیقلی‌میرزای اعتضادالسلطنه‌وزیرعلوم‌که کارتلگرافهم درآن زمان بعهدهٔ او محول بوده نوشته است .

سند پنجاه و پنجم
گزارش تلگرافی از مشهد
دربارهٔ اوضاع افغانستان

وقایع افغانستان‌را از قراری‌که کسان این فدوی دولت قاهره‌وعالیجاه اللهقلی سردارحاکم «کوه‌سومه» نوشته‌بودند محققاً آنکه سردار محمداعظم خان برادر سردار محمد افضل خان و سردار شاهنواز خان پسرسلطان احمد خان و سردار محمد عمرخان باجمعیتی از کابل برسر کلات غلجائی آمدند، سردار فتح خان حاکم کلات متحصن گردیده امیر شیرعلیخان از قندهار با جمعیت خود روانه کلات شده درحدود کلات تلاقی فریقین اتفاق افتاده در هنگام مقابله لشکر شیر علیخان از او روگردان شده باکابلی ملحق‌شدند، شیر علیخان هزیمت خورده به قندهار آمد اورا درشهر راه ندادند لهذا با سردار امیرافضل خان وفتح محمدخان وسکندرخان و معدودی روانهٔ هرات شدند تا فراه یقیناً رسیده‌اند وخبر آن به هرات رسیده که در این چند روز وارد هرات می‌شوند، اخبار مختلفه مذکور می‌شود ولکن حقیقتی هنوز ندارد ، انشاءالله خبرصحیح عنقریب خواهد رسید .

از اینکه شیرعلیخان با اینحالت وارد هرات و ازهمه‌جا مأیوس است احتمال کلی دارد التجا باین دولت ابد مدت آورده استدعای تقویتی بنماید و یحتمل که جمعیتی از جانب قندهاری ازقبل سردار شاهنوازخان متعاقب‌او به هرات بیاید و هراتی‌هم معلوم نیست با او ایستادگی کند لاعلاج روباین‌سمت

www.tabarestan.info
تبرستان

بیاید . در اینصورت چه عیب دارد از حالا از دولت قاهره تحقیق شود که هرگاه چنین اتفاقی افتاد تقویت لشکری یا پولی به‌هرات لازم است یا خیر و واگر درهرات توقف نتواند کرد و رو به اینطرف بیاید دستورالعمل چه چیز است (؟)

فقره‌دیگر اینکه در افغانستان شهرتی دارد که محمد افضل‌خان بواسطهٔ پسرش که در ترکستان است با دولت روسیه رابطه دارد وباین واسطه دولت انگلیس ازاو بی‌میل و تقویت شیرعلیخان را می‌نمودند اکنون که کار باینجا رسیده ودست‌انگلیس به او واز او به انگلیس نمی رسد چه عیب‌داردمحرمانه از سفارت انگلیس استمزاج شود که حالا راضی می‌شوند امنای دولت علیه تصرفی درهرات کرده و نگاهداری شیرعلیخان را نموده از تصاحب‌غیر محفوظ بماند یانه ؟ اگر چنین اذنی حاصل شود بدون مخمصه تصرف‌هرات بسهولت‌خواهد شد . ونیز چه عیب دارد که از دولت روسیه هم استمزاج شود که دراین اوقات تصاحب‌هرات چه‌عیب دارد وازاین سئوال مشخص می‌شود که با سردارمحمد افضل خان راهی دارند یاخیر اگر داشته باشند البته صلاح نخواهند داد در اینصورت هم مجهولی معلوم می‌شود وتکلیفی دانسته خواهد شد . درآن دفعه که امیر شیرعلیخان شکست خورده بود مهدیقلیخان ایلخانی جمشیدی برادرعبدالله‌خان بواسطهٔ فدوی با مقرب‌الخاقان حاجی‌شهاب‌الملك رابطه و مکاتبه داشت خیالش اینکه چون با محمدافضل‌خان خوب نیست وبا پسر سلطان احمدخان نیزخونی می‌باشد ایل‌خودرا برداشته داخل خراسان‌شود ورعیت دولت گردد، مقرب‌الخاقان معزی‌الیه نیز اورا امیدوار بمراحم دولت

www.tabarestan.info تبرستان

علیه‌نمود، درین ضمن چون رونقی بکار شیرعلیخان بهم‌رسید وحاجی‌امیرتومان روانهٔ طهران گردید این‌سخن درپرده ماند ، حالا این آدمی که آمد بازهمان پیغام را داده است ، دراین باب هم اطلاعی به اولیای دولت قاهره‌لازم‌است بواسطهٔ آدم محمدخان هزاره این‌اعلام را نموده آدم اورا هم امروزانشاءالله مرخص فرمایند بهتر است .

در باب فاضل مواجب پسر عباسقلی‌خان‌مرحوم که درجنگ کشته شده و آن زیادتی را درطهران مقطوع فرموده‌اند یادآور می‌شود که حسب‌الوعده که به اللهقلی مرحمت فرموده و آن پسر را امیدوار فرموده‌اید از خاکپای مبارك استدعا فرمائید که کمافی‌السابق برقرار شود شوال ۱۲۸۳ فدوی ابوالحسن الموسوی (۱)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ کتاب دهم اسناد وزارت امورخارجه ـ ابوالحسن‌موسوی عضو کارگذاری مشهد این گزارش‌را به‌وزارت خارجه نوشته است .

سند پنجاه و ششم

گزارش تلگرافی از مشهد

در بارهٔ اوضاع هرات

دو یوم قبل تفصیلی که از هرات درباب احوالات امیر شیرعلیخان و باقی اخبار افغانستان نوشته بودند عرض کرده بودم ، حکایات آنجا تا حال هرچه مسموع شده بود مظنون بود والآن بصحت رسید : امروزکه روزپنجشنبه هشتم ماه شوال است مرتضی قلی پسر مرحوم عباسقلی‌خان غوریانی از نزد عموی‌خودش اللهقلی سردار از کوه سومه واردشد خبرش‌اینکه‌امیرشیرعلیخان با سردار امیر افضل خان پلارزنش و فتح محمدخان برادرزادهٔ خود و جمعی وارد هرات شدند و متعاقب آن درهرات خبر رسیده بود که سردار شاهنواز خان پسر سردار سلطان احمدخان (۱) با جمعیت و استعداد وارد فراه شده عازم هرات است ، بعداز وصول این خبرامیرشیرعلیخان درفکر خودداری و قلعه بندی افتاده مشغول فراهم کردن اسباب تعمیر برج و بارو و تعبیه خندق وغیره می‌باشد و سایراخبار بنحوی است که عرض شده از این قرارکارهرات مختل است و احتمال می‌رود که کسی‌هم ازجانب آنها درین‌جا بیاید و از روزنامه‌نویس (۲) وکسان‌مخلص نیز خبرخواهد رسید واطلاع برحقیقت امور یومیه انشاءالله‌واصل‌خواهدشد . باقی امرکم‌العالی مطاع . شوال‌المکرم۱۲۸۳
ابوالحسن‌الموسوی (۳)

---

۱ ـ سلطان احمدخان و پسرش در مدت جریان اختلاف ایران وانگلیس دربارهٔ هرات نسبت به ایران وفادار بودند . ۲ ـ روزنامه‌نویس = راپرت نویس .

۳ ـ کتاب دهم اسناد وزارت امور خارجه.

www.tabarestan.info تبرستان

سند پنجاه و هفتم

گزارش محرمانه برای ناصرالدین شاه

دربارهٔ اسرار برخی از سفارت خانه‌ها

سفارت انگلیس ـ روز سه شنبه ناظم‌افندی (۱) بدیدن وزیر مختار آمد (۲) و از آنجا خانهٔ وزیر مختار فرانسه رفت ازقراری‌که آدم‌موسی گری دفتردار سفارت فرانسه نقل‌میکرد انگلیس ها از رفتن موکب همایون‌بخراسان اوقاتشان زیاد تلخ‌است ، از زمان شیل صاحب (۳) که میرزا حسینقلی منشی سفارت بود بقدر سیصد چهارصد مهر کاغذ بهمه اسم وهمه‌قسم داشتند آنچه کاغذجات اهل ایران ازخارج وسایر ولایات به دارالخلافه می‌نویسنداز نوکر وتجار ورعیت تماماً‌را باز می کنند ودر دفترخانه‌انگلیس ازکیفیت نوشتجات مطلع می‌شوند دوباره سرش را مهر کرده میفرستند ، در خروج ودخول چاپار این قاعده مستمراست واکثر مردم آنچه امور مخفی دارند باطلاع وصوابدید محمدحسن خان نواب (۴) که منشی اول سفارت است (انجام میدهند)

روزنامه نویس میگوید بیست‌وهفت سال است درسفارت عثمانی خدمت‌میکنم آنچه از حالت آنها فهمیده‌ام هرچه بتوانند در خیال مداخله و اخلال کارهای دولت ایران هستند .

روزچهارشنبه وزیر مختار روس بدیدن ناظم افندی آمد ، از قراریکه درسفارت عثمانی مذکور است وزیر مختاری از دولت عثمانی مأموربه‌ایران است ، بهاء افندی‌که معلم حمید افندی است بناظر سفارت گفت که امروز تلگراف کرده بودند که صدراعظم دولت عثمانی را عزل کردند و یکی از پاشاهای دیگررا صدراعظم می کنند (اینها) عزل می کنند اما مثل دولت‌ایران

www.tabarestan.info
تبرستان

کشته و یا حبس نمی کنند ، نگاه میدارند که باز بکار خدمت بیاید .

روز چهارشنبه خاکه زغالی از سفارت می‌خواستند بخانهٔ یکی از نوکرها بفرستند سرباز برای حمل خاکه زغال آورده بودند صاحب منصبهای سفارت از سربازها پرسیدند چرا حمالی میکنید ؟ سربازها گفتند هرگاه کسب و فعلگی نکنیم با این جیره و مواجب کم که آنهم نمیرسد چه قسم زندگی می‌توانیم کرد (۲) .

صاحب منصب‌ها بوضع نوکرداری در ایران شماتت کردند که بحسب شجاعت وطاقت نوکر ایران ازهمه‌دولت‌ها بهتراست اما این قسم نگاهمیدارند که باتر کمن‌هم که جنگ می کنند شکست می‌خورند، با اینحال سالی مبالغی به صاحب‌منصب های فرنگی(٤) که این نوکر گرسنه را مشق وتربیت می کنند میدهند .

یوسف نامی است پیشخدمت وزیرمختار انگلیس خوشگل است مثل زن فاحشه با وزیر مختار وهمه صاحب‌منصب ها سروکار دارد .

محمدحسن‌بیگ نامی است پیشخدمت وزیرمختارفرانسه زنی دارد از چشم‌عاجز ازبرای وزیرمختار زن فاحشه می‌آورد. شوال ۱۲۸۳ بی‌امضا (۵)

---

۱ ـ ناظم‌افندی = شارژدافر سفارت عثمانی .

۲ ـ وزیرمختارانگلیس = الیسون .

۳ ـ شیل = وزیرمختار انگلیس درآغاز سلطنت ناصرالدین شاه .

٤ ـ نواب‌ها تبعهٔ‌انگلیس‌وروزگاری‌دراز درسفارت‌انگلیس خدمتگذار ودرسیاست‌ایران نقش‌مشکوکی داشته‌اند ازمحمدحسن‌خان‌وجعفرقلیخان وحسنعلی‌خان تا حسینقلی‌خان‌که از ۱۳۰۸ ق بعضویت وزارت امور خارجه‌ایران درآمد وچندی‌هم در ۱۳۲۸ ق وزیرخارجه ودرجنگ جهانی‌اول وزیرمختارایران دربرلن بود .

۵ ـ کتاب دهم اسناد وزارت امور خارجه .

سند پنجاه و هشتم

گزارش میرزا محمدخان قاجار (۱) از مشهد

دربارهٔ سفر شاه و فرمان پذیری ترکمن

قربان خاکپای مبارکت شوم دستخط مبارک فرموده بودید که به جهت تشریف فرمائی خراسان طوری می‌شد که از ریش‌سفیدان آخال‌نشین وازطایفه ساُرق و از طایفه سالورکه زورآبادنشسته‌اند در مشهدمقدس‌حاضر می‌شدندکه بخاکپای همایون مشرف شوند وموردالتفات و مرحمت بشوند ، خانه زاد در این خیال بود گفتگو با حضرات کردیم و میکنیم امیدوار هستم انشاءالله طوری قرار داده شودکه شرفیاب بشوند . تفصیل حالت ترکمانها حال از این قرار است که عرض می‌شود،طایفه ساُرق که در پنجده می‌نشیند دربیست وپنجم ماه مبارک باباخان که میان‌طایفهٔ ساُرق، خان بزرگ‌است ، با قاضی آن طایفه با یکصدنفر از ریش سفیدان آن طایفه وارد شدندحال‌اینجا هستند آمده‌اند خدمت بکنند، خانه‌زاد هم هر روز اخراجات میدهد ، باآنها گفتگو شد و مقصود آنها معلوم شد و انشاءالله از تصدق سرمبارک بطوری با آنها قرار خدمت داده شود .

از آمدن اینها « تکه » های مروی (۲) اوقاتشان تلخ است نمیدانم رأی مبارک قرار می‌گیرد اگر آنها طالب به آمدن (باشند) درسرخس‌نشیمن‌بکنند قبول می‌فرمائید یا خیر (؟) اگر اینطور بشود پدر مروی ها سوخته می‌شود، علی‌الحساب ساُرق‌هاکه اینطور آمدند ، تکه مروی ماند ، آدمشان آمد و کاغذ اطمینان خواسته بودند نوشته دادم آدمشان رفت قرارگذاشته‌اند بعد از ماه مبارک از ریش‌سفیدان هرطایفه بیایند قرار خدمت نوکری خودشان (را)

www.tabarestan.info

بگذارند ، قوشه خان ، (۳) هم زیاد سعی دارد چونکه یك خان تازه پیدا شده است میان طایفهٔ ترکمان ، آنها زیادشائق خدمت هستند آدمشان آمد و رفت ، قوشه‌خان که اینطور دید آنهم‌حال می‌خواهد خدمت بکند . . . طایفه سالور زورآبادنشسته‌اند حاضرهستند با آخال نشینها که حاضرهستند بخاکپای مبارك مشرف می‌شوند، انشاءالله امیدوار هستم ازهرطایفـهٔ ترکمان بخاکپای همایون مشرف شوند ، قراولخانهٔ سرحدات از تصدق سرمبارك خوب منظم است ، دزدی خبری نشده‌است الحمدلله خصوص این فتح اللهیـار خان دره جزی .. ملاحظه می‌فرمائید در حقیقت اللهیارخان مستحق مرحمت است یك شمشیرمرصع مرحمت بفرمائید بجااست ، تفصیل ملاحظه بفرمائیدمعلوم می‌شود خانه‌زادعرضی که کرده است بجابوده‌است. امر امر همایون‌است شوال ۱۲۸۳ پشت کاغذ مهر ـ اناعبد من عبید محمد . (٤)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ میرزامحمدخان قاجار (سپهسالار) در ۱۲۸۳ ـ استاندار خراسان بوده است ناصر الدین‌شاه در ذیحجه ۱۲۸۳ باتفاق مادرش (مهدعلیا) بزیارت آستان رضوی عازم خراسان شد وسفر او در آرامش خراسان اثر گذاشت ، ناصرالدین شاه یکبار دیگر هم در سال ۱۳۰۰ به‌خراسان سفر کرد .

۲ ـ تکه = از تیره‌های شریر ترکمن مجاور مرو .

۳ ـ قوشه‌خان = ازسران ترکمن .

٤ ـ کتاب دهم اسناد خطی وزارت امور خارجه .

سند پنجاه و نهم

راپرت محرمانه برای ناصرالدین شاه

دربارهٔ رویدادهای سفارتخانه‌ها

سفارت انگلیس ـ وزیرمختار (۱) از تشریف فرمائی موکب همایون به خراسان در خیال آن است که اسبابی فراهم بیاورد بلکه این سفرموقوف‌شود.

ابراهیم نامی است باغبان وزیرمختار زنی و دختری دارد هردو باوزیر مختارسروکاردارند ، وزیرمختار بسیار طالب اطلاع وفهمیدن امورات‌مخفیهٔ دولتی‌است و در این فقره خرجهای گزاف‌می کند ، غلام خانه‌زاد به روزنامه ـ نویس پیغام کردم که اگر بتوانی معلوم‌کنی کـه از اهل خلوت وخارج وقایع نگار وزیر مختار کیست انعام زیادی بتو میدهم . دختری از اهـل شهریـار پدرش‌آورده از بابت فقر به وزیرمختار به سی‌تومان فروخته دختررا درخانهٔ عبدالرزاق منزل‌داده‌اند ماهی‌چهارتومان خرج‌میدهند بعض‌اوقات وزیرمختار آنجا میرود، گاهی دختر را می‌آورند، اسم دختر«شیرین جان» است .

سفارت عثمانی ـ حاجی‌افندی حامل نشان بنای مراجعت دارد از راه کرمانشاه و کردستان‌وسرحدات آذربایجان تاتفلیس میرود علی‌الحساب‌به‌اسم زیارت عتبات از این راه خواهد رفت اما باطناً اطلاع ازسرحدات است .

چاکر آستان هنوز ازبرای سفارت روس و فرانسه آدمی که محل‌وثوق باشد نتوانسته است پیدا کند زیرا این مطلب را بهرکسی نمی‌تـوان گفت و از هرکس نمیتوان اطمینان حاصل کـرد چنین نیست کـه فرمایشات خدیوانه را فراموش‌نماید یا ازخرج‌این کار خست نماید ، به نمك با محك شاهنشاه‌روحنا فداه فرمایشات ملوکانه‌را اگرچه خیلی جزئی باشد شبها که ازخواب‌بیدارشود در فکر انجام است چه رسد به روز ؛ هرچه ناتمام و موافق سلیقه شاهنشاه نباشد از عدم کفایت ونامساعدتی بخت خانه‌زاداست . شوال ۱۲۸۳ (۲)

---

۱ ـ الیسون . ۲ ـ کتاب دهم اسناد وزارت امور خارجه .

www.tabarestan.info تبرستان

سند شصتم

گزارش تلگرافی

در بارهٔ استراباد (گرگان)

شاهزاده ملك آرا (۱) بعداز ورود تا حال همه روزه به امر سان قشون از سواره و پیاده و رسانیدن مواجب وجیرهٔ آنها اشتغال دارند و محمد خان نایب اجودان نیز همه روزه حاضراست و تنخواه را نفر به نفر به آحاد قشون میدهند ولشکرنویس‌ها ثبت می کنند و سرباز مراغه را سه روزقبل سان داده جیره پنجماهه دادند و طایفهٔتیغی (۲) که سیاست شدند سایر طوایف دسته به دسته می آیند و قبول خدمت کرده خلعت و التفات دیده مراجعت می‌نمایند .

سه روز قبل «طایفهٔ داز» (۳) که از معاریف تراکمه هستند ریش سفیدان خودرا فرستاده‌اند قبول خدمت کرده خلعت گرفته مراجعت کردند ، چند نفر از طایفهٔ «قراقچی» (٤) چندنفررا اسیر کرده بودند ، سوار دازمانع‌شده نزاع کرده بودند یك‌نفر ازسوار داز کشته شد وچندنفرهم از قراقچی کشته شده اسیر را گذارده فرارکردند .

یك نفر زن دوسال بود در میان ترکمان اسیر بود دو روز قبل‌ترکمان‌ها اورا آورده بشاهزاده پیشکش کردند ، جوانی استرابادی در میان طایفهٔ قراقچی اسیر بود دو روز قبل اسبی برداشته فرارکرده خدمت ملك‌آراآمد .

از خوانین «جعفربای» (۵) محمدخان و دریا قلی خان دیروز بخدمت شاهزاده ملك‌آرا آمده دونفر اسیر پیشکش کردند و شاهزاده ملك‌آرا امروز

به آق قلعه رفته دوشب آنجا توقف کرده بازدید قشون را نموده مراجعت می کند و در روز بیست و سوم خیال دارند به قراتپه رفته اردو بزنند و بیست روز بمانند بجهة استرداداسرا. سربازی از فوج مراغه سرقت کرده بود گرفته سیاست کردند، مذکور داشت چندنفر از اهل فوج همدست دارم آنهارا گرفته چیزی ازآنها بروز نکرده سرتیپ مراغه خواست اموال مسروقه‌را ازخودبدهد یکی ازسربازها که گمان درحق‌او نمیرفت چند سرقلیان و چیزهای دیگرآورده دادو گفت : من نمیگذارم سرتیپ ضرر بکند و اینها پیش من بوده است.

فوج لاریجانی درآق قلعه وسوارخاجوند درسیاه مالا مشغول خدمت هستند. نرخ از قرار سابق است. ۱۹ شوال ۱۲۸۳ (٦)

www.tabarestan.info
تبرستان

---

۱ ـ ملک آرا = عباس‌میرزا (برادر ناصرالدین شاه).

۲ ـ ۳ ـ ٤ ـ ۵ = از تیره های ترکمن.

٦ ـ کتاب دهم از اسناد وزارت امورخارجه.

سند شصت و یکم

گزارش میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به شاه
دربارهٔ گسترش تلگراف

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایونت شوم ـ جواب یکی از کاغذهـای شارژدافر روس را دربـاب کشیدن سیم تلغراف برحسب اجازت همایون نوشته ارسال خاکپای مبارك نمود که اگر از ملاحظه وامضای دستخط همایون بگذرد از آن قرارجواب نوشته شود. در عین حـال مأخذ نواب اعتضادالسلطنه (۱) همان خواهد بود که وزرا مشخص نموده اند و به امضای دستخط مبارك رسیده است.

فقرات کاغذ دیگر شارژدافر را حسب الامر بیرون نویس کرده فرستاد از عرض پیشگاه اقدس می گذرد بهرطور که امر ومقرر فرمودند از آن قرارجواب نوشته خواهد شد.

درضمن قرارداد تلغرافی که مبادله شده همینقدر مقرراست که چهارنفر ایرانی را دولت ایران مواجب بدهد در تلغرافخانه های قفقاز بصوابدید رئیس تلغراف روس خدمت بکنند وچهارنفر روس را دولت روس مواجب بـدهد بصوابدید رئیس تلغراف ایران درایران خدمت کنند؛ کرایهٔ خانه چندان وجه قابلی درتبریز نخواهدبود ، روزی یك تومان مخارج میکانیکچی هم منحصربه ایامی است که او مشغول وارسی امتداد سیم است اگر دوماه بکشد بشصت تومـان

واگرچهارماه طول داشته‌باشد بالمضاعف خواهدشد، اینها را دوستانه توقع کرده است بهرطور که حکم همایون شرف صدوریابد مختارند.

درباب مخارج شارژدافرلندن(۲) که مقررفرموده‌اند بنظرمبارك زیاد آمده است، اگر مقرر می‌فرمایند نصف دوازده هزار تومان ناصرالملك (۳) درحق شارژدافر برقرارشودکه شش هزار تومان باشد، هزارهم از آنچه‌عرض شده بودکمتر، باز بهرچه مقرر فرمایند معمول خواهد شد.

فدوی (فهرستی) در دست گرفته که مشتمل برتمامی مخارج مختصهٔ مأمورین و اجزای خارجه است بملاحظهٔ همایون میرسد.

امیدواراست این‌غلام‌فدوی تجویز نکرده باشد که مال دیوان بجای بیهوده صرف شود، بنمك همایون مردم‌وکارکنان سابق مداخلات بی‌معنی کردند، این چاکرفدوی بجز ملاحظهٔ صرفهٔ دولت خیالی نداشته این مسئله درضمن‌آن حساب در نظر همایون خوب واضح خواهد - شد ذیقعده ۱۲۸۳

الامرالاقدس‌الاعلی مطاع - مهر - سعیدالانصاری (٤)

www.tabarestan.info

---

۱ - علیقلی میرزا وزیرعلوم که کار تلگراف هم درآغاز زیرنظراو بود.

۲ - علی‌اکبرخان - پس‌ازاحضارناصرالملك‌وزیرمختار،مسئول سفارت‌ایران‌درلندن‌بود.

۳ - میرزا محمودخان قراگزلو،

٤ - کتاب دهم اسناد وزارت امورخارجه

سند شصت و دوم

نامهٔ کنسول حاجی‌ترخان

در انتقاد از سیاست وزارت خارجهٔ ایران

شمارهٔ ۲۸ ـ خدایگانا ـ دوسه‌روزقبل «غورنانور» حاجی‌ترخان به‌کنسولگری دولت علیه آمده بود بعداز صحبتهای متفرقه گفت تعجب از تدبیر جناب‌وزیر امورخارجهٔ دولت ایران دارم، گفتم چطور ؟ گفت :

همه دول اکنون منظورشان ازدیاد روابط اتحاد و یك جهتی بایکدیگر است وعالم بحسب‌طبیعت باپولتیك در جنبش‌است ومجموع‌دول‌بجهة حفظ و حرمت‌وشأن‌ورتبه وحقوق‌خود مأمور پولتیك‌دان هوشمند وبا استعداداز درجهٔ اول در پایتخت سلاطین می‌گذارند،چنانچه اولیای دولت بهیهٔ روسیه محض کثرت پیشرفت وتسهیل اجرای منظورخودشان دراسلامبول‌به ایلچی مخصوص اکتفانموده«جنرال المیاتیف»را که‌ایلچی‌مخصوص‌روس دراسلامبول‌بود ایلچی کبیرنمودند. چرابابد وزیرامورخارجهٔدولت‌علیه‌باآنهمه‌کفایت(!) درچنین‌وقت راضی باشند که دولت ایران درلندن وپاریس و ازقراریکه معلوم می‌شود در پطربورغ شارژدافر داشته باشد ؟ .

فدوی‌گفت‌گمان ندارم‌که اولیای دولت‌علیه درنظر داشته باشند همیشه شارژدافردرلندن وپاریس گذارند وازاینکه خیالشان این‌است درپایتخت‌روسیه هم شارژدافر باشد بهیچوجه استحضاری نداشته و نمیتوانم باور نمود .

گفت : نه چنین است که شما تاحال خبر نداشته باشید .

بجهت استحضارخاطرمرحمت مظاهرجنابعالی جسارت بعرض نمود .

مهر ـ معصوم انصاری ۲۲ محرم ۱۲۸٤ (۱)

---

۱ ـ کتاب هفتم اسنادوزارت امور خارجه .

سند شصت و سوم
گزارش کنسول ایران درحاجی ترخان
در بارهٔ نا امنی در ترکمن صحرا

خداوندگارا - جناب «غورناتور» حاجی‌ترخان تفصیلی درکیفیت استراباد و هجوم تراکمه به‌کمترین فدوی بیان نموده و تعجب میکردکه اولیای دولت علیهٔ ایران باوجود استحضار تمام از رفتار و خیال تراکمه در استراباد و آن صفحات استحکامات لازمه از قشون وغیره درآن‌جا مهیا ننموده وهمیشه‌اهالی استراباد از قتل و غارت آن طایفه شریر متزلزل و پریشان و اطمینان درست از اموال وجان‌خودشان ندارند و این طایفه جسور شده‌اند که ادعای‌تصاحب استراباد را نموده و آنجا را محاصره کرده‌وگفته‌اند که باید ده هزار تومان حاکم استراباد بما تعارف بدهد وحاکم ازجانب ما نصب بشود.

کمترین فدوی درجواب مشارالیه گفت: ترکمان‌ها آشوبی دراستراباد کرده چندنفری درمیانه کشته شده ولی‌اینطوریکه جناب‌شما می گوئیدباورندارم که ترکمان‌ها بتوانندابنقدر جسور ودلیر بوده باشندکه ادعای‌تملك‌دراستراباد ونصب حاکم درآنجا بنمایند واولیای دولت علیه نه چنین‌است که‌استحکامات لازمه در آن حدود نداشته و فرصتی زیاده ازاین باین طایفه بدهند ، انشاءالله خیلی زود بگوش شما خواهد رسید که چگونه آنهـا را مغلوب و منکوب و بسزای اعمال ناصواب خودشان خواهند رسانید.

www.tabarestan.info
تبرستان

گفت: البته باید یك دولت قدیم مثل ایران همیشه در خیال نظم و ترقی خود بوده اسباب آسایش تبعهٔ خودرا درهمه‌جا فراهم بیاورند.

چندروز بعداز این گفتگو از عالیجاه «میرزا آبکار» مترجم‌قنسولگری که نزد مشارالیه بجهت امری رفته‌بود پرسیده بود که به‌قونسول اینروزها پاکتی‌از طهران آمده یا خیر؟

«میرزا آبکار» گفته‌بود بتازگی که خیر، جناب «غورناتور» گفته بود اینروزها می خواستند کیفیت استراباد را بطور بد در روزنامه حاجی ترخان چاپ نمایند که حاکم آنجا محض ازترس خود و نمودن حسن‌خدمت‌بخاکپای اعلیحضرت‌شاهنشاه‌ایران عریضه داشته‌است که ترکمانها را مغلوب‌وشکست فاحش داده واکنون استرابادقرین‌نظم ونسق واهالی آن‌جارا نهایت‌آسودگی حاصل‌است، وانگهی واضح‌است که تا بحال ترکمان‌ها ازمحاصرهٔ‌استراباد و بی اعتدالی خودشان درآن صفحات دست نکشیده ودرعزم خودباقی‌هستند.

از تجار استراباد اینروزها وارد حاجی ترخان می‌شوند هرکدام بطور دیگر این‌کیفیت را تقریر می‌نمایند وکمترین فدوی که بهیچوجه در این باب استحضار ندارد که در وقت ضرورت وگفتگو باکارگذاران دولت بهیه‌روسیه بتواند اظهار اطلاع نماید و نمیدانند که خدام جناب جلالتمآب اجل دام اجلاله‌العالی با وجود جسارتی که فدوی درضمن عریضه مورخه شانزدهم شهر صفرالمظفر ۱۲۸۴ درباب بی‌استحضاری خود ازاوضاع دارالخلافه‌نمود چرا نخواسته‌اند بصدورتوقیع‌رفیع فدوی‌را ازاین واقعه مستحضر فرمایند.امیدوارم که انشاءالله از فر شوکت واقبال سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه

ظل‌الله روحنا و روح‌العالمین فداه و از حسن تدابیر صائبه اولیای دولت علیه تاکنون‌تنبیه شایسته باین‌طایفه باغی‌شده و امن و امانی که مأمول ایرانیان است در آن صفحات حاصل‌شده‌باشد ، اگر تا وصول این‌عریضه این کیفیت را خدام جناب جلالتمآب خداوندگاری بجهة استحضار کمترین فدوی‌مرقوم و ارسال نفرموده‌اند غدغن خواهند فرمود که فدوی کمترین را ازتفصیل این فقره بی‌اطلاع نگذارندزیاده‌جسارتی ندارد ـ مورخه ۲۴ شهر ربیع‌الثانی۱۲۸۴ مهر ـ معصوم انصاری . (۱)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ کتاب هفتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند شصت و چهارم

گزارش کارگذار کردستان به وزارت امور خارجه

در بارهٔ پیشنهاد عشایر عثمانی

در این اوقات که خبر اغتشاش سرحد کردستان و مقابلهٔ عساکر و سرحدنشینان طرفین دولت علیه ایران و عثمانی انتشار یافته‌است ازطرف شخصی که درآن طرف ها دستی‌دارد ومردم بـا او بطریق ارادت حرکت می‌نمایند اظهار شده که اگر کارگذاران دولت علیه ایران مایل باشند چندنفر حاکم و مباشر بی‌جمعیت واسبات از جانب خود مأمور وروانه والاّ من‌خود بهریك از ولایات ازقبیل سلیمانیه وکوت وبصره و یعقوبیه و شهربان وغیرهماشرحی نوشته روانه میکنم که اهل بلد هریك ازآن ولایات بمیل وخواهش‌خودبی‌آنکه تیرتفنگی از طرفی دربرود‌مأمورین عثمانی را بیرون نموده و بمأموراین‌دولت علیه خدمت نمایند .

این شخص الآن درخاك اینّدولت علیه و از اشخاص مقبول‌القول‌است، واز طرف دیگر چون جمیع عشایر اعراب ازحرکات ناهنجار ایـالت بغداد بستوه آمده و متنفر می‌باشند به والی پشتکوه (۱) نوشته پسر و برادر خود را فرستاده‌اند که اگر اولیای دولت علیه ایران بما اطمینان بدهند و مایل باشند بی‌آنکه جمعیتی از آن طرف مأمور شود مـا خود در مدت ۱۵ روز بغداد و عتبات‌وآن نواحی‌را با نجف اشرف بتصرف می‌دهیم وخود متحمل زحمات انجام این عرض‌می‌شویم وعارضین این مطلب ازعشایر معتبر عربند ، ازجمله طوایف بنی‌لام و خزائل وآل بنی‌رحمة و غیرهما و در عرب معتبرتری از این طوایف نیست .

محض استحضار خاطر مبارك لازم بعرض دانستم کـه این اشخاص از ازعهدهٔ انجام‌این‌مطالب می‌توانند برایند ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۲۸۴ (ق) پشت کاغذ مهر - یا موسی (۲) .

---

۱ – حسینقلیخان والی‌پشتکوه معروف به ابوقداره ازمرزداران وسران‌نامی عشایر .

۲ – کتاب هفتم اسناد وزارت امور خارجه .

www.tabarestan.info
تبرستان

سند شصت و پنجم

نامهٔ وزیرمختار ایران درروسیه به وزارت امورخارجه

دربارهٔ اختلافات مرزی

خدایگانا ـ بعدازوصول وزیارت تعلیقه رفیعه مورخه شهر ربیع الاول که درباب امورات معوقه سرحدیه و ردفراریان دولت علیه مرقوم وارسال فرموده بودند ازییلاق بشهر رفته درورارت خارجه جناب «وسمن» معاون وزارت مزبوره را ملاقات کرد وفقرات مندرجهٔ تعلیقهٔ رفیعه راکه همه مطالب و نکات عمده بودند فقره بفقره خاطرنشان کرد، الحق مشارالیه هم همه فقرات را تصدیق کرده گفت فی الحقیقه لازمه دوستی دولتین است که در عموم مطالب مساوات ملاحظه شده چنانچه از آن طرف مساعی لازمه در انجام مهام اتفاقیه بعمل میآید ازاینطرف هم مراقبت کافیه معمول شود وچون از مضمون تعلیقه رفیعه مسامحه و مماطلهٔ کارگذاران سرحدیهٔ روس معلوم میگشت لهذا این بنده را وعده صریح دادند که دراین باب احکامات اکیده بقفقازیه نوشته ابفاد دارند که کارگذاران آنجا ابداً مماطله واهمال درانجام مطالب دولت علیه نکرده چنانچهٔ شایسته ومقتضی دوستی ومساوات است رفتار کنند وچون نظربخواهش بنده حین فرستادن احکامات مزبوره بسفارت هم اطلاع خواهند داد، آنوقت بنده هم خدمت جنابعالی عرض واظهار خواهد نمود.

در باب مقرب الخاقان سیف الملك (۱) و عالیجاه فرضی خان ایل بیگی (۲) هم فصلی ذکر کرد وابنگونه اهتمامات حسنهٔ آنها را درانجام امور اتفاقیه سرحدیه زیاده درنظر آنها جلوه گر ساخت، چرا علاوه بر اینکه اینگونه

www.tabarestan.info تبرستان

مراقبت واهتمام مقرب الخاقان سیف‌الملک را درباب طی دعاوی تبعه روسیه میبایست محض امتثال امر اولیای دولت علیه به اولیای دولت روسیه اظهار داشته وتحصیل تحسین وامتنان آنها را نماید بلکه بملاحظات دیگرهم مقتضی بود ومیباشد که اهتمام زیاد دراین باب ازجانب بنده بعمل آید، زیراکه خود بنده درنزد جناب «کنیاز باراتسکی» جانشین سابق قفقازیه شخصاً اینگونه رفتار وحرکات مأموله مقرب‌الخاقان مشارالیه را ضامن شده است.

البته مقرب‌الخاقان سیف‌الملک خاطردارند مادامی‌که این بنده در قفقازیه مأموریت داشت چقدر از اوصاف حمیده وبی‌غرضی مشارالیه به کارگذاران آنجا ذکر کرده وازحسن نیت مقرب‌الخاقان مزبور آنها رامطمئن کرده است.

فی‌الحقیقت اینگونه رفتار ایشان نه فقط برحسب رضامندی اولیای دولتین قوی شوکتین است بلکه باعث روسفیدی مزید اعتبار قول بنده‌هم میباشد انشاءاله باز آنچه دراین باب مقتضی شد ازجانب بنده مضایقه و فرو گذاری نخواهد شد، چون لازم‌بود جسارت بعرض‌نمود ـ مورخه چهاردهم شهرجمادی‌الاولی ۱۲۸۴ مهر ـ عبدالرحیم‌الحسینی.

---

۱ ـ سیف‌الملک (ظاهراً) وجیه‌الله میرزا.

۲ ط فرضی‌خان = از ایل‌بیگی های شاهسون.

۳ ـ کتاب هفتم اسناد وزارت امور خارجه.

سند شصت و ششم

گزارش فرهاد میرزا (۱) والی کردستان

در بارهٔ یکی از باغیان مرزی

درباب «یاراحمدجاف» (۲) مقررشده، مشارالیه این روزها عریضه‌نوشته اظهاربندگی کرده بودکه لب نانی بمن بدهید که گذران من بشود ومایل‌خدمت گذاری دولت ایران هستم که ازتبعیت عثمانی دست بردارم ، جوابی خواهم نوشت که دورادورخدمت کردن معنی ندارد اگرراست میگوئی به شهر سنندج بیا وهمین‌جا ساکن‌باش ،البته اولیای دولت باندازهٔ حالت تو مرحمت‌خواهند داشت و ازتقصیرات سابقهٔ توعفوخواهند فرمود ، تا جواب اوچه برسد.

الآن دره‌ابناوهٔ سومه» است، واگرتمکین نکرد صریحاً بحکومت‌سلیمانیه (۳) اظهارخواهد شد ولی حضرات هم بکمال عجزرادارند و از عهدهٔ او بر- نمی‌آیند وازهرزگی اوطرفین خسته شده‌اند و چنین است کـه اگرتلف شود ، دولت عثمانی براتلاف اوراضی‌ترازدولت ایران خواهد بود.

درباب طایفهٔ «جاف» هم سواد رقم آقا عباس راهمراه آدم‌میرزامحمد رضای وزیر(۴) که هفتم ماه محرم روانه شد فرستادم هنوز جواب آقا عباس نیامده است که آن رقم را نشان داد وچه شد (؟) ولی اظهار آنکه بحکومت سلیمانیه اعلام شود مأموری ازجـانب ایشان بهمراه جاف باشد، من صلاح نمیدانم ، چراکه‌آمدن‌آن مأموریك حق ثابتی خواهدشد وازآن گذشته‌اختیار ما درتأدیب وتنبیه‌آنهاکم خواهد شد، کردستانی اگراذن باطـنی داشته باشند عجزازآنها ندارند، اگرمریوانی وسقزی‌ازدست‌آنها عجزداشته باشند بخلاف

طوایف دیگر کردستان مثل «مندمی» و «کشکی» و «کومامی» هستند که آنها در برابرشان کمال عجز دارند، اگر یك گوسفند ببرند ده گوسفند میتوانند تلافی بکنند، حضرات جاف بحالت ترس باشند بهتر است تا آنکه مأموری همراه آنها باشد که مایه زحمت بشود وشاهد مدعا گردد وبالفرض اگر حالا شکایتی کنند چون بتطاول وتعدی عادت داشته‌اند وماهم درمقابل حرفی بزنیم قول ما مسموع تر است ـ دیگر اختیار با سرکار است.

محرم الحرام ۱۲۸۵ (پشت کاغذ مهر ـ عبده الراجی فرهاد) (۵)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ معتمدالدوله. ۲ ـ یار احمدجاف = از رؤسای ایل جاف تابع عثمانی.
۳ ـ ازشهرهای دولت عثمانی (اکنون از شهرهای عراق).
۴ ـ میرزا محمد رضا = وزیر سنندج.
۵ ـ کتاب هشتم ـ اسناد وزارت امور خارجه.

سند شصت و هفتم

گزارش مشیرالدوله سفیر ایران درعثمانی

دربارهٔ بحرین

قربان خاکپای اقدس همایونت شوم ـ از وزارت جلیله خارجه تلغراف رسید که دولت عثمانی درمادهٔ بحرین چه حق گفتگوئی دارد (؟) در این باب جوابی نفرستادم وچون درنظر آفتاب اثر ملوکانه هرچیزی مشهودو معلوم است جسارت بعرض می‌نمایم: هرگاه ازطرف والی بغداد بخاطرجمعی این مرحله که می‌بیند دولت علیه هیچگونه استعداد بحریه ندارد چهار فروند کشتی بخاربه سمت بحرین فرستاده شود جواب اورا بهمان شرائط معاهده میتوان داد، بعقیدهٔ چاکرخانه‌زاد صلاح حالت امروزه این است که بهمان تلغراف دولت انگلیس که می‌گوید بحرین متعلق به دولت ایران است اکتفا رود وبجهة سدراه ورخنه دیگران بحرین وخلیج را بموجب فرمان درحمایت کارکنان دولت انگلیس واگذار فرمایند هم اثبات جدیدی برحقیت دولت علیه خواهد نمود وهم آنکه موقعی درحمایت انگلیس قراریافت احدی مقتدر به‌آن نیست که درمقام تعرض برآید یا خیال دست اندازی نماید، اگراراده مبارک شهریاری تعلق گیرد اسلم شقوق این است که برحسب فرمان در حمایت کارکنان دولت انگلیس واگذار فرمایند. وچون شرح وبسط این فقره را درمعروضات وزارت جلیله خارجه عرض نموده‌ام وبلحاظ مبارک خواهد رسید دراین عریضه تفصیل ندادم؛ مقصود ازعرض خانه‌زاد این است که امورخارجه بحرین وخلیج در حمایت کارکنان دولت انگلیس باشد نه داخله، درامورداخلهٔ آنجا مداخله ازطرف دولت انگلیس ضرورت ندارد- الامرالاشرف الاعلی مطاع ۱۲۸۶- پشت کاغذ مهر- عبده الراجی محمد حسین (۱)

---

۱ ـ کتاب ۱۶ ـ اسناد وزارت امورخارجه .

سند شصت و هشتم

گزارش عیسی خان قاجار از گرگان

دربارهٔ رویدادهای مرزی

خداوندگارا ـ آدم امینی که حسب‌الفرمایش سرکار به قزل‌سو فرستاده بود الیوم که سه‌شنبه دهم رمضان‌المبارك است مراجعت نموده به «خواجه نفس» آمد و گزارشات را ازاین قرار بیان نمود که چهار فوج سرباز و شش صد سوار وسی عراده توپ دولت بهیه روسیه از آب خارج شده درهمان کنار آب قلعه بنا کرده بعضی خانه‌های چوبی که همراه آورده بودند نصب نموده و ساکن گردیده و حال مشغول بنائی و ساختن قلعه و عمارات میباشند و کشتی‌ها را روانه نموده و یك فروند آتشی در آنجا نگاهداشته‌اند تا بعد چه روی دهد، عجالتاً این خبر را آوردند که عرض شد زیاده جسارت نمی‌نماید ـ ایام دولت مستدام باد پشت کاغذ مهر ـ عبده‌الراجی عیسی ـ باخط سلیمان‌خان حکمران استراباد خطاب به وزیر دول خارجه (۱) کاغذ عیسی‌خان آقای قاجار است که در سرطایفه «اقورجلی» است (۲) جاسوس فرستاده بود ازروی تحقیق مراتب قزل سوو جمعیت ارس را نوشته است بازهم مجدداً آدم فرستادم رفته است از برای خبر بعد ازرسیدن عرض خواهد کرد ۱۲۸۶ (۳)

---

۱ ـ وزیر دول خارجه = میرزا سعیدخان.

۲ ـ اقور جلی از طوایف ترکمن.

٤ ـ کتاب ۸ ـ اسناد وزارت امور خارجه.

www.tabarestan.info
تبرستان

سند شصت و نهم

گزارش

دربارهٔ اختلافات شاهسون

چنانچه سابق عرض کرد «فرضی خان» (۱) را مأمور دولت بهیه «روسیه» اصرار کرد درپیله سوار حاضرشود وناظم (۲) رسماً کاغذ نوشت اورا آورد به پیله سوار و کدخدایان شاهسون کلا درسراو جمع شده مشغول کارند ومأمور روسیه درمنزل حاجی میرزا مهدی‌خان بود خواهش کرده بود که فرضی‌خان برود آنجا تا ملاقات کنند، فرضی خان هم که پایش دردگرفته بود بیک‌طوری اورا برد به منزل ناظم ، مأمورروسیه بامشارالیه سؤال وجواب‌کرده بود در باب اتمام دعاوی کلیه ایل شاهسون، فرضی‌خان گفته بود سوای «قوجه بیگلو» و طایفگی نورالله (۲) که من از آنها رجوع ندارد یعنی دراطاعت من نیستند اتمام باقی دعاوی کل شاهسون بعهدهٔ من همه را تمام میکنم و خودم‌را ازتهمت‌ها خلاص میکنم ، مأمورروسیه مهربانی به اوکرده‌بود وحال به‌عموم مدعیان اخبارشده که حاضرشوند اول ادعاهای تمام شده راکه حاجی میرزا مهدی‌خان قبلاً سندداده بپردازند بعد بمقام سؤال‌وجواب‌ادعاهای‌تازه برآیند وخلاصه جملگی ازرئیس‌ومرئوس، ایل بیگی‌وکدخدا وغیره مشغول کارهستند و عجلهٔ زیاد دراتمام کارهویدا است.

حقیقت مأمورین سالهای سابق بسرعزیزت جمله را با اغراض نفسانی رفتارکرده‌اند ومحض طمع خودشان و غرض کلیه وهوای نفس راه رفته‌اند،

www.tabarestan.info

کارگذراندن یعنی چه (؟)

همه را عیش و عشرت کرده‌اند ودربند پول و غیره بوده‌اند که خیلی دعاوی تبعهٔ روسیه ریخته است به امسال ومخلص دچارمرارت گردید وشب‌و روزخود راگم کرده وازخداوند تعالی مسئلت‌ها داردکه خداوند بزرگ با آبرو مخلص را از این مأموریت معاودت دهد، انشاءالله تعالی، وخداوند را باولیای عظام کرام‌خود در این بابت شب وروز قسم میدهم‌تا مقدر چه‌باشد؟ ربیع‌الاول ۱۲۸۶ پشت کاغذ ـ مهر ـ جواد جنرال آجودان مخصوص (٤)

www.tabarestan.info
تبرستان

---

۱ ـ فرضی خان = از سران شاهسون .

۲ ـ ناظم ـ حاجی میرزا مهدیخان ناظم سرحدات .

۳ ـ قوجه بیگلو طایفگی نورالله دوایل از شاهسون.

٤ ـ کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتادم

استشهاد حسنعلی‌خان نصیرالملک فرماندار بوشهر

دربارهٔ رفتار کارکنان کشتی های انگلیسی

استشهاد واستعلام می‌نماید ازعلما وتجار سکنه بندر ابوشهر که علیم و خبیرمی‌باشند بر اینکه سابقاً غلامهای سیاه قریب دروازه اجتماع نموده طبل وسازمی‌نواختند ورقص می کردند، درسنه گذشته که بندهٔدرگاه‌مأمورحکومت بوشهرشد نظربه اظهار علماءکه این عمل خلاف شرع است وتشکی جمعی‌از اهالی بوشهر که غلام وجواری(۱) ما بدآموزمی‌شوند غدغن کرد آن عمل موقوف باشد و همچنین بود تا اینکه بتاریخ عصر یکشنبه چهارم شهرحال رجب‌المرجب سوارشده بیرون شهرمیرفتم ، محاذی دروازه صدای همان ساز وآوازرا ازدورشنیدم فرستادم‌مرتکبینش راکمافی‌السابق متفرق کنند ، درصدد که برمی‌آیند یك نفروکیل‌وسه نفرسربازرازیادزده مجروح کرده بالاخره سه‌نفر ازغلام‌هاگیرآمده بودند، پس ازعود بنده درگاه به شهر معلوم شد آنها عمله جهازانگلیس هستند فوراً فرستادم نزد مقرب الخاقان میرزا محمدخان کار-گذارامورخارجه‌که روانه کوتی نماید. (۲) هرکس ازمراتب مفصله اطلاع و استحضاردارد شهادت خودرا درصدر وحامش این‌ورقه نوشته به‌امضاء خود مختوم سازدکه عندالحاجة حجت باشد .

متن یکی ازتسجیلات چنین است .

بسم‌الله و الحمدلله وصلی‌الله علی محمد وآله ـ شرح قبایح اعمال وفضایح

www.tabarestan.info تبرستان

افعال عبید و جـواری جماعتی ازجهال ایـن بلده ازحیث اشتغال به مناهی و ملاهی بطـور اجمال ممکن نیست وتـفصیلا مجال نبود و شایستگی نداشت و صدماتی که از آثار مترتبه برآن افعال بشریعت مقدسه رسیده زیـاده از حـد احصاء است لذا این‌احقر دعاگویان دولت قاهره وجمعی دیگرازسرکارمقرب الخاقان آقای نصیرالملك دام مجده وعزه بعنوان استدعا و التماس خواهش نمودکه منع بفرمایند وسد این باب کنند ایشان هم مسئول وملتمس دعاگویان را اجابت فرمودند ورفع این غائله را بالکلیه نمودند به‌حیثی که اثری از آثار آن شعارباقی نماندوقاطبهٔ سکنهٔ‌این دیارشکرگذارپادشاه معدلت‌مدارحضرت ظل‌اللهی وعلی‌الاتصال فی‌الغدووالاصال اهتمام تام وجهادتمام دردعاگوئی کردند واین منع‌برقراربود تابتاریخ متن‌که مراتب مزبوره طابق‌النعل واقع‌شد ودروقوع جمیع‌فقرات مسطوره درمتن شکی وشبهه(ئی) نیست حـررهٔ‌الجانی خادم‌الشریعة المقـدسه و الداعی الدولة القاهره- حسین‌ابن علیتقی الشهیر به غلامحسین الکازرونی - مهر - ان‌الحسین مصباح الدجی و سفینة النجات (۲)

www.tabarestan.info

---

۱ - جواری = کنیزان .

۲ - این سند تعصب ودلبستگی مردم‌را به ارزش‌های‌درست اخلاقی دریك قرن‌پیش نشان می‌دهد .

۳ - کتاب ۸ - اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتاد و یکم

گزارش کارگذار گیلان به وزیر امور خارجه(۱)

شکایت از رفتار مجدالدوله

دراین ایامی که جناب مجدالدوله (۲) بجهة نظم امرطوالش در انزلی تشریف داشتند یکی ازروزها دستخطی به غفارخان فراشباشی خودشان که درشهرو نگهبان میرزا عبدالوهاب مستوفی (۳) بودنوشتند که بهرقسم ممکن است تنخواه ازمیرزا عبدالوهاب بگیرد ودیگر عذر ازاومسموع نیست وگویا امرصریح به ضرب و زجرهم کرده بودند، غفارخان میرزا عبدالوهاب را به دست چند فراش داد اورا درمیدان درب خانه درمعبرعام بچوب بستند،ازدحام عام شده عیال و اطفال میرزا عبدالوهاب اول به کنارمیدان آمده قدری گریه وزاری کردند ومردم تماشائی را به رقت آوردند بعدازآن بعضی بخانه قنسول روس برخی بخانه قنسول انگلیس پناه بردند ودرحالت مردم انقلاب بهم رسانیدند.

قنسولها آدم فرستادند ازآن محبس اورا بیرون آورده بجای اولش که منزل خود فراشباشی بود بردند وازطرف هرقنسولی فراش موکل او گردید که کسی اورا اذیت و بی‌احترامی نکنند ، بعدازآن هردوقنسول عریضه خدمت جناب مجدالدوله نوشته نایب قنسول روس را به انزلی فرستادند رفت‌شفاعت کرده مراجعت نمود.

بعد ازدوروزجناب مجدالدوله نیزبشهر تشریف آوردند، روزبعدازورود بی‌اطلاع همه کس بخانه قنسول انگلیس تشریف بردند، بواسطه ازقول میرزا نصراله منشی قونسولگری شنیدم که وقت ملاقات خواسته بودند دست بدست

قنسول بدهند قنسول مضایقه کرده گفته‌بود : تا شما عهد نکنید که امر میرزا عبدالوهاب‌را بخوبی بگذرانید دست‌بدست شمانمیدهم ، همین‌طورعهد کردند در همان مجلس پسر میرزاعبدالوهاب را که تاآنوقت درقنسولگری مانده بود بحضور خواستند والتفات کردند واطمینان دادند روانه کردند .

درآن مجلس بخواهش قنسول قرارشدکه شش هزارتومانی که از میرزا عبدالوهاب مطالبه می‌نمایند ملك قبول کنند ، از آنروزتا حال این گفتگو در میان است وبتوسط منشی قنسولگری روس میرزا عبدالوهاب ازمردم‌دوست و آشنای خودش ملك می‌گیرد و به جناب مجدالدوله در عوض این تنخواه می‌دهد .

چون این فقره مربوط به قنسولگریها شده بود استحضار خاطر مرحمت مآثرعالی را لازم‌دانسته جسارت بعرض‌نمود . امرالاکرم‌العالی‌مطاع ۱۷شعبان ۱۲۸۶پشت کاغذ ـ مهر ـ خانلر ـ (٤)

www.tabarestan.info تبرستان

۱ ـ وزیر امور خارجه = میرزا سعید خان .

۲ ـ مجدالدوله = امیر اصلانخان .

۳ ـ میرزا عبدالوهاب = مستوفی گیلان (مسئول مالیه) .

٤ ـ خانلر = خانلرخان ـ کتاب هشتم ـ اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتاد و دوم

گزارش کارگذار فارس به وزیرامور خارجه

دربارهٔ تلگرافچیان انگلیس

در اول عشر ثانی شهر شعبان المعظم ۱۲۸۶ تلغرافی از جانب جلالتماب آقای مستوفی‌الممالك (۱) دام مجده‌العالی خدمت نواب مستطاب والا حسام‌السلطنه (۲) رسیدکه حسب‌الامر اقدس همایونی شاهنشاهی روحی فداه رجوع کارهای حضرات تلغرافچیان انگلیس متوقف درفارس‌را به‌میرزا محمد علی‌خان کارگذارمهام خارجه نمایند که از روی قاعده خدمت نواب والاعرض نماید و انجام امورات ورجوعات آنها را نماید . نواب مستطاب والاهم بعالیجاه « لو ی صاحب» که حال رئیس تلغرافخانهٔ شیرازاست اعلام فرمودند .

مشارالیه عریضه خدمت نواب والا نوشته است کـه من انکار دارم از رجوع کارهـای تلغراف خانهٔ دولت انگلیس به میرزا محمد علی خان منشی میرزا سعیدخان و چنانچه شما خود اقدام به‌انجام نفرمائید لابداً رجوع بـه دارالخلافه می‌نمایم .

نواب والا این کاغذ را باین بنده ننمودند ولی قسمی واقع‌شدکه‌آگاهی حاصل نموده محرمانه عرض نمودم البته نواب والا درجواب تلغراف جناب جلالتمآب آقا جوابی نوشته‌اند و جناب خدایگان را آگاهی حاصل خواهد آمـد .

ازجوابی هم که نواب مستطاب والا بعالیجاه « لوی صاحب » مرقوم داشته‌اند الی‌حال کمترین بنده را اطلاع حاصل نشده چنانچه فرمایش فرمایند واطلاع بهمرسانم بعرض خواهم رسانید، شاید نواب و الاهم خدمت جناب خدایگان نوشته باشند .

طوری شده است که این حضرات الی حال بمیل خاطر خود حرکت نموده و می‌نمایند چگونه می‌شود که راضی شوند رجوع کار آنها را بکسی نمایند که نتوانند بخلاف قاعده قدمی بردارند .

چون آگاهی جناب خدایگان لازم است اجمالا جسارت بعرض نمود فی ۲۰ شعبان‌المعظم ۱۲۸۶ پشت کاغذ ـ مهر ـ محمدعلی (۳)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ مستوفی‌الممالک = میرزا یوسف .

۲ ـ حسام‌السلطنه = سلطان مرادمیرزا والی فارس .

۳ ـ کتاب سوم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتاد و سوم

گزارش وزیرمختار ایران در روسیه (۱)

درباره‌ٔ احتمال تجاوز در مرز گرگان

محرمانه ـ خدایگانا ـ ازقراریکه این بنده‌ازخیالات حضرات وروزنامه‌ها استنباط می کند سال آینده دورنیست ازسمت استراباد واترك قشون و استعدادی ازاین دولت تا خیوق روانه نمایند ظاهراً شهرت خواهند داد که ازاین سمت راه تجارت با ترکستان نزدیك می‌شود وخان خیوق وسایرین هم راضی باین فقره هستند که تجارت آنها هم رواجی درمملکت روسیه داشته باشد ، دولت روس مجبورمی‌شودکه این راه رابازنماید لکن خدا میداندکه نتیجهٔ این کار بکجا منجرخواهد شد ؟ ترکمانان آن صفحات را با زورواستمالت و پول دادن بمقام اطاعت خودآوردند لیکن طوایف یموت و کوکلان بعد از اینکه اینها بآنجاها نزدیك شدند و در اوایل جلب قلوب از ترکمانان اترك کردند چگونه رفتارخواهد کرد ؟ وچه نوع مالیات دولت را خواهند داد؟ این بنده نمیداند ، هزارگونه هرزگی وتاخت وتاز را خواهندکرد ، همینکه از طرف دولت زوردیدند خود را بآنطرف اترك کشیده درظل حمایت اینها خواهندشد، اینها هم محض ازبرای دلگرمی آنها وحسن سلوك هزار قسم اشکالات بجلو خواهند انداخت . این بنده با بعضی اشخاص که در اینجا صحبت می‌شود صریح میگوید که این حال آنوقت قوامی خواهد داشت که دولت روس

www.tabarestan.info
تبرستان

حمایت از دولت علیهٔ ایران کرده انتظام آن صفحات‌را از او بخواهد والاً قشون فرستادن دولت‌روس آن صفحات را نوعی ازحالت حالیه بیرون‌خواهد آورد که خیال اولیای هردو دولت همیشه‌مصروف‌امورات آن صفحات‌خواهد بود، در اینصورت بعضی‌خیالات اهالی اینجا ثمری‌نخواهد داد، بسرمبارک جنابعالی قسم است این بنده آنی ازاین خیال آسوده نیست ونمیداند که آخر این کار چه خواهد شد؟ مگراینکه خداوند خود ازجای دیگر چارهٔ این کاررا بنماید ومشغولیت دیگری از برای حضرات پیدا شود والاً بسی مشکل‌است که از این خیالات صرف نظر نمایند. چون استحضار بندگان عالی‌لازم بود جسارت ورزید.

غره رمضان ۱۲۸۶ ـ پشت کاغذ ـ مهر ـ ساعدالملک.

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ ساعدالملک = میرزا عبدالرحیم تبریزی.

۲ ـ کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه.

سند هفتاد و چهارم

گزارش ابراهیم خان کارگذار تبریز

دربارهٔ خریداری تفنگ

خداوندگارا - معادل یکصد و نود صندوق تفنگ دولوله ابتیاعی مقرب الخاقان میرزا یوسف خان شارژدافر پاریس (۱) ارسالی عالیجاه محمدجعفر بیگ درحمل سیداسلام شتردار وارددارالسلطنه تبریزشده بود، عالیجاه مشارالیه وعالیجاه میرزاعلی اکبرخان کارپرداز(۲) طرابوزان نوشته بودندمبلغی از کرایهٔ آنها درطرابوزان داده نشده باید در تبریز رسانیده شود ، حضور بندگان اجل ارفع امجد دام اجلاله تلگراف کرده بودم مقررشده بود یك هزار و پانصد و هشتاد و سه تومان وجه کرایه صندوقهای مزبوره از میزان دار السلطنه تبریز وصول وایصال داشته شود ، فدوی وجه را از میزان (۲) گرفته به سید اسلام رسانیده درحاشیهٔ کاغذ عالیجاهان مشار الیهما سید اسلام رسید آن‌را نوشته قبض‌داده‌است ، فدوی اهتمام و مراقبت لازمه را بعمل آورده قرارداد بدون تأخیر باز درحمل سید اسلام مزبور روانهٔ دارالخلافه باهره داشتند و لازم بود که آدم مخصوص همراه آنها فرستاده شود که مواظبت کامله بعمل آورد ونگذارد به‌وجهی‌عیب وصدمه وارد بیاید ، عالیشان صادق بیگ غلام چاپار وزارت جلیله امورخارجه اینجابود فدوی‌اورا مناسب دیده باتفاق صندوقهای مزبوره روانه داشت ده تومان هم برای مخارج عزیمت او و جزئی خرجی

www.tabarestan.info تبرستان

خانه‌اش فدوی داده روانه کرد و متعهد و ملزم شده است که کمال اهتمام را را بعمل آورده در نهایت خوبی وبدون اینکه عیبی حاصل کند وارددارالخلافة الباهره نماید ، سید اسلام هم سید خوب و خدمتگذار است و شتردار معتبر می‌باشد، همیشه بارهائی که حمل ونقل آنها دشوار بوده واشکالی داشته‌است او متقبل حمل و نقل آنها شده بمقصد رسانیده است اگر این صندوق‌ها را هم خوب به طهران وارد کرد التفاتی در حق‌او مبذول فرمایند که مایهٔ امیدواری‌او شود . زیاده چه‌جسارت عرض شود ـ الامرالارفع الامجد مطاع معروضه ۱۵ شهر رمضان‌المبارك ۱۲۸۶ پشت کاغذ ـ مهر ـ العبد ابراهیم (۳)

www.tabarestan.info
تبرستان

---

۱ ـ یوسفخان = مستشارالدوله .
۲ ـ کارپرداز عنوان نمایندگان کنسولی ایران درخارج از کشور .
۳ ـ کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتاد و پنجم

نامهٔ شجاع الدوله حکمران ارومیه به وزیر امور خارجه

دربارهٔ تصرفات عثمانی در قطور (۱)

فدایت شوم. درباب احداثی جدید که سرحد نشینان دولت عثمانی از قراولخانه وغیره در قطور ساخته‌اند و خدمت سرکار زحمت دادم و سرکارهم مرقوم داشته بودید که باوکلای سرحد عثمانی سئوال وجواب شود و خودهم به آدم « باش شهبندری » دولت مسطوره شرحی مرقوم داشته و سواد آنرا لفاً فرستاده بودند که بجهت اطمینان واستحضار کامل عالیجاه باقرخان سرهنگ رافرستادم رسیدگی درست بعمل آورده بود، بطوریکه سابق زحمت داده بود بناواحداث کرده‌اند اگرچه بمقتضای رقیمهٔ سرکار قریب بمضمون سواد ایفادی شرحی بعالیجاه کمال پاشای متصرف وان (۲) نوشته و فرستاده‌ام هنوز جواب نرسیده‌است ولی باعتقاد مخلص حالا که ساخته‌اند باین ارسال ومرسول تمکین و اذغان نخواهند کرد.

راه این فقره درصورتیکه اولیای دولت ابدآیت صلاح بدانند ومصلحت دولت اقتضا کند این است که دریک شب چند نفری رفته خراب کرده آثاری نگذارند و این معنی زیاد آسان است بجهة اینکه علاوه بر چهار و پنج نفر آدم درآنجانداراند و درجائی واقع است که خیلی مشرف به دهات خوی و بالای تلی است که از پائین آن تل رودخانهٔ قطور می گذرد، در یك شب رفته خراب کرده و به آب میدهند و بازمین یکسان کرده اثری باقی نمی گذارند وکسی هم آگاه نمی‌شود والاّ باینطورها به دردسر منجر شده وبخرابی آنجا راضی

نخواهند شد ، موقوف براین است که اولیای دولت قاهره دستورالعمل بدهند و سرکارهم جواب التفات نمائید. زیاده عرضی نیست.

با خط خود شجاع الدوله (۳) «فدایت شوم آن چهار و پنج نفر آدم که درآنجا به قراول دارند آنهارا هم طوری میتوان کردکه درآنجا گرفته ونگاه دارند بعداز آنکه کارخودشان راکردند آنها را هم ول می‌نمایند بدون دردسر ومخمصه است زیاده زحمتی نیست» پشت کاغذ مهر ـ شجاع الدوله (۱)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ـ قطور ـ دهستان مرزی خوی ـ قطور ایران را درویش پاشا فرماندار استان وان عثمانی (زمان صدارت امیرکبیر) تصرف کرد و در زمان صدارت سپهسالار (۱۲۹٤ق) به ایران بازگردانده شد.

۲ـ کمال پاشا والی استان وان.

۳ـ حکمران ارومیه اسم کوچکش دانسته نشد واین شخص بجزامیرحسینخان زعفرانلو (شجاع الدوله قوچانی) میباشد.

٤ـ کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه.

سند هفتاد و ششم

پیشنهاد محمد رفیع طباطبائی مجتهد تبریز (۱)

دربارهٔ سربازگیری

بعرض میرساند. درقدیم‌الایام اغلب اهل‌ولایت از عرض پاره‌ئی مطالب مستغنی بوده وچندان محتاج شرح و تفصیل نبودند ولی این‌اوقات صدمات وارده غالباً عمومی است هرکس برای خود و بستگان گرفتار است وقادر بگوشه گرفتن و یا سکوت نیست وکسی نیست حقیقت‌مطلب‌را کماهی بعرض اولیای دولت قاهره برساند چنانچه دعاگو دربارهٔ خود عرضی ندارد ومحض اطلاع رضاءاًلله عرض می‌کند، نهایت‌احترازرا دارد ومستدعی است‌عریضهٔ دعاگو ازنظر غیرمصون باشد. صورت خارجی بیداکردن فقره‌بنیچه‌بندی سرباز با هرگونه محسناتی که ملحوظ شده طوری فراهم میآید که اتمام و انجام آن با شرایط مقرره حالاً و مآلاً باعث استیصال وبی‌پائی اکثرملاك ورعایا خواهد بود. ازآنجاکه اهل آذربایجان همیشه‌باکمال شوق دراجرای‌مکنونات خاطرمبارك با جان ومال حاضروآماده هستندکمال‌اطاعت وتسلیم دارند ولی آرزو دارند بعضی مفاسدی‌که بطور وطرز اینکار مترتب ودراینجا مشاهداست بعرض باریافتگان حضور همایون برسد شاید بنحوی اصلاح گردد.

مقرب‌الخاقان «مشکوةالملك» امین‌رعایا، بعرض عرایض بی‌غرضانه‌دراین باب‌ها مصحوب آدم مخصوص خودعرضه داشت کرده انشاءالله طوری‌خواهد شدکه مکنون خاطرمبارك ظل‌اللهی بعمل آمده و خرابی که دراین ضمن برای نوکرو رعیت‌متصوراست اصلاح شود، ازجمله مسائل‌مشکله اینکارآن است که

www.tabarestan.info تبرستان

بین دهات و مزارع خالی از سکنهٔ محالات و سایر در مقام تقسیم فرقی نگذاشته‌اند حال آنکه سرباز از قرار نفر است کم و زیادی مالیات دخلی بزیادی عدد سرباز ندارد.

از جمله در محال دهخوارقان و بعض جاهای دیگر که در حین ممیزی غله اراضی را بانضمام مالیات باغات علاوه سرشمار و خانه شمار کرده‌اند مراعی و مواشی هم که علاوه است در اینجاها بی‌حرف بقرار تقسیم بنیچه نفر کفایت نخواهد کرد، حال که مزرعه‌نام دهی است و از قرار مذکور سکنهٔ آنجا نه خانوار است قریب چهار هزار تومان مالیات اراضی و باغات و سایر دارد، معلوم نیست در اینگونه جاها قرار بنیچه چگونه صورت خارجی پیدا خواهد کرد.

اگر بملاحظهٔ محسنات قرار بنیچه‌بندی اولیای دولت قاهره سرباز جدید را بقدیم ترجیح داده‌اند و از سرباز قدیم صرفنظر فرموده‌اند ممکن بود لامحاله مالیات کل مملکت آذربایجان را بعداز وضع موضوعات و تخفیفات و مالیات خالی ازسکنه و اراضی و باغات یك کاسه فرض فرموده هرقدر فوج لازم داشتند یا علاوه میخواستند بلاتفاوت بهمه محالات بالسویه تقسیم فرمایند که این قرار محکم را هیچوقت جای تزلزل و اضطراب نبوده وهمهٔ رعایا وملاك التفات و مرحمت اعلیحضرت اقدس شهریاری روحی و روح العالمین فداه را دربارهٔ خود بی‌تفاوت مشاهده میکردند. لازم بود مراتب را رضاًا لله عرض نموده دعاگو خود علاقهٔ قابلی ندارد که بآن جهت جسارت نماید ودر جزئی علاقهٔ خود و بستگان اهل نظام بیشتر از قرار بنیچه دارد ولی برای اطلاع خاکپای مبارك عرض شد. شوال ۱۲۸۶ (ق)

---

۱ ـ این گزارش که برای ناصرالدین‌شاه نوشته‌شده ازمراسم‌سر بازگیری‌دوره قاجاریه اطلاعات جالبی بدست میدهد.

۲ ـ کتاب هشتم‌اسناد وزارت امور خارجه .

www.tabarestan.info تبرستان

سند هفتاد و هفتم

گزارش وزیرمختار ایران در روسیه (۱)

دربارهٔ اعتراض انگلیس به دخالت روس‌ها در مرداب انزلی

خدایگانا ـ الآن که سرپاکت را می‌بستم نایب ایلچی کبیر دولت انگلیس بسفارت سنیه آمده گفت: ایلچی مرا فرستادند از شما تحقیق کنم که این فقره صحت دارد که دولت ایران اجازه داده است ،داپوره‌های دولت روس داخل مرداب انزلی بشوند یا خیر؟

بنده اینقدر جواب دادم که هنوز از اولیای دولت علیه رسماً بمن خبری ننوشته‌اند منهم، در روزنامه‌های روسیه این فقره را خواندم البته وقتی که دولت این تکلیف را قبول خواهد کرد یك قرارداد درمیانهٔ دولتین خواهد بود و دولت انگلیس را از همان قرارداد اطلاع خواهند داد. گفت ایلچی هم‌همین را میگفت که هرگاه این فقره را دولت ایران قبول کرده است البته بسفارت انگلیس هم در طهران معلوم خواهد بود.

بعد گفت: دولت روس از برای سال آینده تدارك می‌بیند که ده‌هزار قشون بطرف خیوق بفرستد که طوری کنند که میانهٔ این دودریا را بهم متصل نماید و این قشون ازقفقازیه خواهد رفت. بنده گفتم: مدتی است روزنامه‌های روسیه در سر این فقره گفتگو می کنند که راه تجارت ترکستان بداخله روسیه وقتی سهل و آسان خواهد شد که دریای آرال به دریای خزر مربوط بشود، چون دولت انگلیس از آن سمت منفعت کلی دارد، باین معنی که مال‌التجارهٔ مشرق زمین را از راه‌دریا برده‌بادریا میرساند حالا هم که نهرسویس (۲) باز شده راه بالکلیه نزدیك گردیده است هرگاه دولت روس میانهٔ این دو دریا را بهم متصل نماید از آرال گذشته داخل جیحون می‌شود و در جیحون داپورهای کوچك راه‌میاندازد مال‌التجاره ترکستان را از دریای آرال گذرانده بدریای خزر وارد می کنند

www.tabarestan.info
تبرستان

وقتی که آنجا داخل شد راه بهمه مملکت اروپا خواهد داشت .

تجارت انگلیس درست مشرق زمین بالکلیه نکث خواهد رسانید لکن عمدهٔ منظور دولت روس ساختن راه آهن است نه اینکه باز کردن نهـر مثل دریای سویس و از فرستادن قشون هم این مقصود را می‌خواهد مجری دارد . گفت دولت روس می‌خواهد که خان خیوق را قدری گوشمالی داده حال در تدارك قشون و استحکامات آن صفحات است .

بعدازه‌قزل‌سوه پرسید که دولت‌روس می‌خواهد قلعه‌محکم درآنجابسازد شما استحضارازاین فقره دارید ؟ گفتم بی‌استحضارنیستم درطهـران اولیای دولت درمذاکره‌اند با سفاوت انشاءالله همینکه قراری گذاشتند البته دولت‌شما بی‌اطلاع نخواهد ماند .

گفت‌داپورهای دولت‌روس به‌انزلی نخواهد رفت(؟) گفتم: بلی قبلهٔ عالم خواهش کرده‌است چندداپوردولت روس درانزلی باشد تا هرگاه میل فرمایند مختصر گشت و گذارنمایند .

گفت افواهاً مذکور می‌شود که دو کرور تعارف به شاه خـواهند داد ، گفتم یقیناً حرف‌افواهی می‌باشد نه از کارگذاران دولت‌بمن‌اظهار کرده‌اند نه‌از اولیای دولت متبوعه نوشته‌اند ، باید بی اصل باشد .

بعدگفت هرگـونه احوالات ازمشرق زمین این دوسفـارت بشنوند بهتر است بهمدیگر اطلاع بدهند ، بنده‌گفتم ، البته .

خداحافظی کـرد ورفت وچون استحضار جنابعالی لازم بود عرض شد شوال ۱۲۸۶ پشت کاغذ ـ مهر ـ ساعدالملك (۳).

۱ـ عبدالرحیم طباطبائی = ساعدالملك.

۲ ـ نهرسویس = کانال‌سوئز .

۳ـ کتاب هشتم اسناد وزارت امورخارجه .

سند هفتاد و هشتم

گزارش حسنعلی خان گروسی جنرال اجودان مخصوص

دربارهٔ اختلافات مرزی مغان

فدایت‌شوم ـ مخلص را ازسابق کمی اطلاع به‌حالات مغان وایلات و دعاوی دولت روسیه ازدورنزدیك بود حالاکه وارد مغان شد دراین چندروزه کماهوحقه‌اطلاع واستحضاربهمرسانید ، ازقرارتقریرمأموردولت روسیه‌قریب دوکرو رمنات ادعای تبعهٔ دولت روسیه است ازقوچه بیگلوها (۱) الـحاصل اینکار بسیاربسیارعمده‌ئی است و بسیار کارسخت است که خداوند انصاف‌دهد به شاهزادهٔ ضیاء الدوله (۲) که سه چهارسفربمغان تشریف‌آورده‌اند وهمه را بطورغرض‌رفتارفرموده و کاررانـگذرانده‌اند. این کاراجزامی‌خـواهد واسباب می‌خواهد ، بسیارخوب ، بنده حاکم هستم ، حاکم‌بی‌اجزانمی‌تواندکار انجام دهد، عمدهٔ ادعاهم از ایل شاهسون‌مشکین‌است ، اتمام‌آنهم تاشخص فرضی خان (۳) دریله سوارحاضر نباشد بسرمبارك اعلیحضرت شاهنشاه روحنافداه نخواهد شد، که این مرد معتبر است ، مسلط است ، مطلدع است ، شاهسون مثل‌سگ ازاومی‌ترسدوالبته برای رفع تهمتهاهم که ازبی‌التفاتی‌شاهزاده‌ضیاء‌ـ الدوله به اسم اوبسته شده ودولت روسیه ازاوشکایت دارند ساعی می‌شودکه دعاوی‌به‌اتمام برسد آسوده‌باشد ورفع تهمت‌ها بشود، خلاصهٔ حقش این بود که عرض شد وابداً غرضی دربنده سوای انجام کارکه روسفید شوم هیچ‌نیست ونخواهد بود بحق خداوند هرچندکه بنده را بمرارت انداختید لیکن مصلحت

شما مأموریت بنده بود که نه غرضی دارم ونه طمع، سوای تحصیل آبرو انشاءالله تعالی، باری صلاح کار مأموریت خود را مخلص بهترمیداند و اطلاع دارد ازحالات این صفحات، مصلحتاً فرضی خان را حکماً سندداده کاغذ رسمی داده کشید آورد تا نزدیکی‌ها وخود به پیله سوار وارد شد دید که آوردن فرضی خان بسیارخوب بوده که مأموردولت روسیه عمدهٔ خواهشش این است که فرضی خان باید ازمشکین بیاید تا دعاوی تمام شود.

مخلص به او گفتم که فرضی خان مجبورنیست بیاید اگرشما خواهش کنید من اینقدرها اذن ازدولت متبوعه خود دارم که بفرستم اورا بیاورند شما کاغذ رسمی بدهید که سند من باشدتا من بفرستم اورا بیاورند، مشارالیه قبول کرد، گفت حاجی میرزامهدیخان(٤) بیاید آنوقت کاغذمیدهم، خلاصه اگر کاغذ رسمی داد فرضی خان را میآورم وانشاءالله تعالی جمیع کارها بروفق مرام با تمام خواهد رسید والاّ صریح عرض میکنم که اگرفرضی خان نیاید کارها ناقص خواهد ماند ازبنده پیش ازوقت عرض کردن است، سرکارشما مراتب را به جناب جلالتمآب وزیرامورخارجه دام اجلاله هم بهمین سیاق که عرض کردم اطلاع دهید که باجناب وزیرمختار دولت روسیه درباب حضور داشتن فرضی خان گفتگو فرمایند که باید لزوماً فرضی خان حاضر شود تا کارها انجام گردد.

تفصیل این بود، درکمال صدق عرض شد که بی‌وجودداشتن فرضی خان امری است محال که این کارسخت بزرگ ودعاوی چندساله صورت بگیرد، اکثرادعا را درشخص اومی‌نمایند چگونه می‌شود که مدعی ومدعی علیه

www.tabarestan.info تبرستان

حاضرنباشند درمقام تحقیق، اومسلط است به‌ایل وطایفه‌وعشیره، بنده چه‌بلدیت دارم که فلان شخص در کجا است ودر کدام طرف ودر کدام طایفه است و شاهسون هم فرضی‌خان را اوجاق میدانند، دروغ بسراو قسم نمیخورند.

خلاصه بسیار بسیار واجب ولازم است بودن فرضی‌خان واگرمأمور کاغذ بدهد همان ساعت آدم خواهم فرستاد اورا حاضرنمایند. بجهة اطلاع عرض شد (۵) ذیقعده ۱۲۸۶

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ قوچه‌بیگلو ـ از ایل‌های معتبر شاهسون.
۲ ـ ضیاءالدوله = انوشیروان میرزا ـ حکمران اردبیل و مشکین.
۳ ـ فرضی‌خان = از سران شاهسون.
۴ ـ میرزا مهدیخان=ناظم مرحدات.
۵ ـ کتاب هشتم ـ از اسناد وزارت امور خارجه ـ این گزاوش به میرزا سعید خان وزیر امور خارجه نوشته شده است.

سند هفتاد و نهم
گزارش محمدعلیخان کارگذار شیراز
دربارهٔ کنسول دولت هلند

عالیجاه «مسیوفون» قونسول دولت هالند مأمور اقامت بندرابوشهر در اواخرعشرآخرشهر ذیقعدةالحرام ازشیراز روانه بندرابوشهرگردید، درمدت توقف شیراز سه فقره شرفیاب حضورنواب اشرف والاحسام‌السلطنه گردید از شمول التفات نواب والاکمال خرسندی وامتنان حاصل نمود یك قبضه‌تفنگ کار جباخانه شیراز راکه بنظرش خیلی خوب آمده بود نواب والابمشارالیه التفات‌فرمود، نیزنهایت امتنان ازطرزالطاف‌نواب والابهم رسانید، سه چهار فقره هم با این بنده دید وبازدید نموده ؛ ازمراقبت کارهای اواینکه بهر جا می‌خواست آمد وشد نماید خبرمی‌نمودم اسب سواری وآدم ونماینده‌میفرستادم کمال رضامندی را اظهار میداشت .

علی ای‌حال درکمال خرسندی وامتنان روانه شده است .

سواد معاهدهٔ قرارداد فیمابین دولت قوی شوکت علیه و دولت متبوعهٔ مشارالیه را بـا قـاصد مخصوص‌معجلاً بجهة مقرب‌الخاقان میرزا محمدخان کارگذارمهام خارجهٔ بوشهر فرستادم وبمقرب‌الخاقان میرزا حسنعلی‌خان نصیرالملك حاکم بوشهر نیزاعلام داشتم که بدستورالعمل کارگذار خارجه پذیرائی از مشارالیه بعمل آورند ، رقم بمهر نواب اشرف و الاحسام‌السلطنه بجهة منازل عرض راه ازشیراز الی بندرابوشهر صادرنموده بمشارالیه داده شدکه درهرمنزل مکان شایسته به اوبدهند ومراقبت شودکه درکمال آسودگی

www.tabarestan.info
تبرستان

بدون آسیب بصوب مقصود روانه گردد .

ازقراریکه اظهارداشت عالیجاه بالیوز با تلغراف خواهش نموده که مشارالیه دربوشهربه کوتی انگلیس برود منزل بگیرد تا منزلی بجهة خودمعین دارد و باین بنده اظهارداشت فرمانی که ازپادشاه هولند برمأموریت خود داشتم در دفتروزارت جلیلهٔ خارجه مانده است شما عرض نمائیدکه بفرستند چون حکم مأموریت من درآن است لازم است که در دست داشته باشم لذا جسارت بعرض نمودکه مقررفرمائید بفرستند که بجهة مشارالیه فرستاده شود .

زیاده جسارت نشود فی ۸ شهر ذیحجةالحرام ۱۲۸٦ ـ پشت کاغذ مهر ـ الراجی ـ محمدعلی ـ (۱)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هشتادم

گزارش میرزا ابراهیم‌خان کارگذار استراباد

دربارهٔ اختلافات مرزی

نمره ـ ۲۲۰ سابقاً عرض شده که مقرب الخاقان حسنعلیخان جنرال‌ـ آجودان برای پیشرفت انجام مطالب سرحدید درپیله‌سوار وجود عالیجاه فرضی خان ایل بیگی را لازم دانسته واظهار کرده که مأمورروس هم بمقرب الخاقان مشارالیه گفته است که باید عالیجاه مشارالیه را حاضر کند وفدوی تفصیل را که عرض نمود منتظربود از جانب بندگان اجل ارفع امجد دام اجلاله العالی هرنحو مرقوم ومقررشود ازآن قرارجواب کاغذ مقرب‌الخاقان مشارالیه‌رادر این باب بنویسد ولیکن بعدازآنکه ازمقرب الخاقان مشارالیه مراسلات جدیده رسید بقراری که اظهار کرده است بعدازورود مقرب‌الحضره الخاقانیه حاجی میرزا مهدیخان ناظم سرحدات ، مأمورروس(۱) درباب آمدن وحاضربودن فرضی خان اصرارکرده اورانظربه‌اصرارمأمور مزبوربه پیله سوار خواستند و برده‌اند با مأمور روس هم ملاقات کرده و مشغول تهیهٔ مقدمات انجام‌واتمام مطالب سرحدیه می‌باشند و عالیجاه مشارالیه تعهد تمام نمودن همه مطالب متعلقه به شاهسون مشکین بغیرطایفه قوجه بیگلوکه از اواطاعت ندارند کرده است وبقراری که نوشته‌اند شرائط اهتمام را بجا می‌آورد .

فدوی لازم دید بعرض مراتب جسارت نموده اصل کاغذهای مقرب الخاقان مشارالیه را هم برای مزید استحضارخاطرمبارك ارسال داشت .

زیاده چه عرض‌شود ـ الامرالارفع الامجد مطاع ـ معروضه ۱۸ شهر ذی‌قعده‌الحرام ۱۲۸۶ ـ پشت کاغذ مهرـ العبدابراهیم (۲)

---

۱ ـ ایوان ایسکوبیچ .   ۲ ـ کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه .

www.tabarestan.info طبرستان

سند هشتاد و یکم

نامهٔ کارگذار فارس(۱) برای وزیر امور خارجه(۲)

در بارهٔ شیخ بندرلنگه

خدایگانا ـ در اول عشر آخر شهر ذیحجة الحرام رقیمه(ئی) از جانب اجل اکرم آقا(۳) دام اجلاله العالی در باب سوء سلوک عالیجاه شیخ خلیفه ضابط بندرلنگه(٤) نسبت بر عایای دولت انگلیس بجناب جلالتمآب آصف الدوله(۵) رسید که بر حسب اظهار سفارت آندولت مرقوم فرموده بودند سواد را بجهة اطلاع جناب خدایگان اینک ایفاد حضور داشته‌ام ملاحظه خواهند فرمود ، بمحض وصول شرحی مؤکد بعالیجاه شیخ خلیفه ضابط آن بندر مرقوم داشتند وسوادی هم از رقیمهٔ معروضه نیز بجهت مشارالیه فرستادند ورسیدگی وتحقیق و تدارک فقرات مذکور را بعهده مأموری که از جانب حکومت فارس در آن بندر میباشد محول فرمودند ومعجلاً ایفاد گردید، بهر نحو جواب برسد نیز معروض خواهد داشت ولی از بابت فقد اسباب بحریه ، مشایخ وضابط این بنادر بمیل خاطر خود حرکت می‌نمایند.

هرگاه از جانب حکومت فارس مواخذه وسیاستی لازم افتد بمحض اطلاع اموالی که دارند در کشتی‌های خود حمل نموده میان دریا میروند. مگر چیزی که پای انگلیس‌ها درمیان باشد ، چون کشتی‌های آن دولت در خلیج فارس موجود و آماده است لابداً تمکین می‌نمایند و خاطرخواه آنها را بعمل

میآورند ، درحقیقت تسلط وتحکم انگلیس‌هـا دراین خلیج زیاده از حکومت فارس‌است ـ زیاده‌جسارت‌است فی ۲ شهرمحرم الحرام ۱۲۸۷ ـ مهر ـ محمد علی (۳)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ محمدعلیخان . ۲ ـ میرزا سعید خان .

۳ ـ میرزا یوسف مستوفی‌الممالك .

٤ ـ نادرشاه حکومت بندرعباس و بندرلنگه وجزیرهٔ قشم وهرمزرا به شیخ‌طائفهٔ‌بنی معین داده‌بود، پس‌ازنادر سلطان مسقط درجزایر خلیج متعلق به ایران دست تجاوزگشود، درسال ۱۲۷۶ دولت ایران نمایندهٔ سلطان سعید حاکم مسقط را از جزایر ایران بیرون راند وسعید جزایر مزبور را از ایران اجاره‌کرد ، شیخ خلیفه هم در بندرلنگه عنوان اجاره‌دار داشت .

۵ ـ محمد قلیخان نایب الایاله از طرف ظل‌السلطان والی اصفهان و فارس نیابت داشته است .

٤ ـ کتاب ششم ـ اسناد وزارت امورخارجه

سند هشتاد و دوم

نامهٔ میرزا هادیخان کارگذار سنندج به وزارت خارجه (۱)

دربارهٔ تشریفات ورود شهبندر عثمانی

روز جمعه ۱۳ شهر محرم الحرام عالیجاه «معروف آقا» شهبندر عثمانی (۲) به دو فرسخی قصبه سنندج رسیده بود ، خودش هیچ اطلاع نداده یك نفر از رعیت‌های آنها صبح خبر آورد که معروف آقا دو ساعت دیگر وارد خواهد شد، چونکه خودش کاغذی ننوشته و اعلام نکرده بود و فدوی مأموریت او را ندانسته بود که تشریفات لازمه بعمل آید با وجود این تفصیلات محض ملاحظه اتحاد دولتین علیتین حسب الامر نواب مستطاب اشرف ارفع امجد اعظم شاهزاده والاروحی فداه (۳) تشریفات شایسته بعمل آمد، بقرار تفصیل حسب الفرمایش نواب والا باستقبال عالیجاه مشارالیه رفته اورا وارد نمود.

از طرف نواب اشرف والا، میرزا مهدی با بیست نفر غلام سرکاری

از طرف اهالی شهر ـ اسمعیل بیگ داروغه با بیست سوار.

از طرف اینغلام میرزا علیخان غلام زاده با اتباع کارگذارخانه، درمنزلی که تعیین شده بود منزل کرد ، همان روز نزدیك عصر اینغلام دو خوانچه شیرینی حسب المعمول به منزل مبارکی عالیجاه مشارالیه فرستادم ، صبح روز ۱۴ خود بمنزل مبارکی رفته تهنیت گفته ملفوفهٔ فرمان همایون و تعلیقهٔ جنابعالی را که در سفارش و مأموریت مشارالیه صادرشده بود در آنجا بفدوی داده بعد از گفتگو اظهار کرد که باید این فرمان و تعلیقه را حضور نواب اشرف والا برسانید و عرض بکنید که باید بمن اذن جلوس بدهید بیایم در خدمت نواب والا بنشینم

فدوی هم مراتب را بعرض رسانید، نواب اشرف والافرمودند: اولاً بی اجازه جناب جلالتمآب وزیر (٤) دام اجلاله اذن جلوس به او نخواهم داد ثانیاً او با من کاری ندارد که هر روز به جهة امری پیش‌من آمده بنشیند ؛ فرمان همایون و تعلیقه جناب وزیر را خودش آورده و از مضمونش مطلع است .

هرچه مطالب وامورات تجارتی دایربه تبعهٔ دولت عثمانیه‌است واتفاقی بوده باشد باید بشما بنویسد و موافق معاهدهٔ بین دولتین علیتین انجام امرش را ازشمابخواهدوشما هم آنچه‌که لازم است بعرض رسانیده جواب‌بگیرید، غیراین‌کاری با من ندارد .

احتمال کلی‌داردکه خود «معروف‌آقاشهبندر» تفصیل را بسفارت‌عثمانیه اظهارکرده باشد وازسفارت خدمت جنابعالی اظهارنمایند واجب‌بودجسارت شد . فی ١٦ شهرمحرم‌الحرام ١٢٨٧ ـ مهر ـ کارگذارخارجهٔ‌کردستان (٥)

www.tabarestan.info

۱ ـ در زمان قاجاریه و پیش‌از لغو کاپی‌تولاسیون از طرف وزارت خارجه اداره‌هائی بنام «کارگذاری» وکارگذارخانه درمراکز استان و شهرهای‌مرزی ایران وجود داشت و سرپرست آن اداره کارگذار نامیده می شد .

۲ ـ شهبندر = نایب کنسول ـ عنوان مخصوص نایب کنسولهای عثمانی .

۳ ـ شاهزاده = فرهاد میرزا معتمدالدوله حکمران کردستان .

٤ ـ وزیر = وزیر امور خارجه (میرزا سعیدخان) .

۵ ـ کتاب ششم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هشتاد و سوم

گزارش میرزا یوسف مستوفی‌الممالک(۱)
دربارهٔ نرخ گندم

حضرات اربابان واشخاصی که دکاکین خبازی پای آنها گذاشته شده است حتی جناب حاجی ملاعلی (۲) هم بموجب رقعه اظهار داشته‌اند که نرخ میدان خرواری شش تومان الی هفت تومان است امکان ندارد که نرخ نان خرواری پنج تومان باقی بماند، یکمن یازده پول هم که حالا میفروشند که خرواری پنج‌تومان وسه‌هزاروپانصد باشد بازباقی نخواهدماند، اعتقادحضار مجلس این است که امرومقررشودنرخ را خرواری شش تومان مقرر فرمایند که ملاك وخباز واحدی حرف نداشته باشد دراین ضمن گندم انبارهم‌خرواری شش تومان فروخته خواهد شد آنوقت خبازحق ندارد که بگوید ضررمیکنم یا نان راکم وبد میفروشم، موقوف برأی انورملوکانه است.

گندم‌کهنه که‌الان درانباردیوان است کلاً خراب‌ومعیوب‌است یا نرخی سرآن بگذارند وساری اصلان (۳) آن را پاك‌کرده بنرخی که ارباب‌ها گندم خودشان را بخباز میدهند اوهم داده قیمت آن را بگیرد یا دیوان آدمی بگذارد گندم انباررا پاك بکنند وپاك‌کرده بخباز بدهند وضرر کسرآن‌رادیوان متحمل شود زیراکه با این تفصیلات صاحبان دکان وخباز قبول نمی‌کنند که گندم خراب ومعیوب وپرخاك ازانبار ببرندونان را خوب وبی‌عیب بفروشند،

www.tabarestan.info تبرستان

هر گاه دیوان گندم کهنهٔ خودش را در انبار نگاهدارد و از گندم نو به خباز بدهد گندم کهنه بالمره تمام وضایع خواهد شد ، می‌باید اول گندم کهنه را داد هر قدر باقی ماند از گندم نو داده شود .

یاد داشت حاجی ملاعلی کنی .

عرض می‌شود به اعتقاد من نرخ گندم را درشش تومان قرار بدهند نان را هم درشش تومان این هسای وهوی می‌خوابد؛ نان‌را حالا که شانزده پول میفروشند دوپول هم علاوه کنند، دیگر هیچ زحمت ومرارتی ندارد مردم هم همه بهمین قیمت بی‌مضایقه خواهند فروخت اگر گران است مردم هم قدری گران بخورند؛ چون من گندم خود را درهمان نرخ پنج تومان قبول کرده‌ام دیگر با غرض نیستم محض صلاح بینی است (٤)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ ـ میرزا یوسف = وزیر استیفا .

۲ ـ حاجی ملاعلی = کنی = مجتهد طهران وملاك بزرگ از این گزارش پیداست که در سال قحطی او هم با ارزان فروختن گندم وکاهش نرخ نان مخالف بوده است !.

۳ ـ ساری اصلان = مسئول انبار گندم .

٤ ـ کتاب شانزدهم ـ اسناد وزارت امور خارجه .

سند هشتاد و چهارم

تعهد میرزا عیسی وزیر طهران

دربارهٔ ساختن خندق های اطراف شهر (۱)

این خانه‌زاد وچاکر درگاه خلایق امیدگاه درخاکپای مبارک همایون اقدس شهریاری روحی وروح العالمین فداه ملتزم ومتعهد است که تاتاریخ پانزدهم شهر جمادی الاول ناتمامی خندق جدید راکه عرض دهنهٔ خندق نه ذرع و نیم وعمق پخ خندق را هرجا چهارذرعی بوده باشد تمام کرده تحویل بدهد و هر جای خندق را به پنج ذرعی رسانیده باشد تنخواه آن را قبلهٔ عالم روحی فداه امر ومقرر فرمایند تنخواه نقد مرحمت وبمصرف ناتمامی دروازه‌ها برساند و زمین خندق درچهارذرعی یا آنچه پنج ذرعی شده است درکمال تنقیح تسطیح وصاف نموده ومکانهائی که سیلاب شسته باشد وخرابی دراطراف خندق باشد آنها هم نیز مسطح شده تحویل شود وپله‌های خندق که بجهة راه عمله رواست آنها را هم نیز تراشیده وخاکش برداشته شود چنانچه تا موعد معروضه تمامت خندق را بتفصیل که ملتزم است تمام نکرده تحویل ندهم بهرگونه مواخذه و سیاست دربارهٔ خانه‌زاد امر ومقرر گردد برسد. تحریراً هفدهم شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۸۷ مهر ــ عبده عیسی الحسینی . (۲)

---

۱ ــ کندن خندق دراطراف طهران یک وسیله ابتدائی ودرعین حال اطمینان بخش برای جلوگیری ازخطر سیل بود، پس از پرشدن خندق‌ها وتصرف اراضی خندق ازطرف زمینخواران و شهرداری همه ساله سیلاب درطهران خرابی‌هائی بار میآورد .

۲ ــ کتاب شانزدهم ــ اسناد وزارت امور خارجه .

سند هشتادو پنجم

گزارش میرزا حسینخان مشیرالدوله سفیر ایران در عثمانی

دربارهٔ تشریفات مسافرت ناصرالدین شاه به عتبات

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس مبارکت شوم ـ درباب تشریفات و احترامات موکب مسعود همایون به عراق عرب : خاطر اعلیحضرت اقدس شهریاری روحنا فداه را ازهرجهت امنیت میدهم که ابداً قصوری و کسری واقع نشود و احتراماتی که شایسته عظمت تاجداری و سلطنت تواند بود معمول آید چون میدانم درجهٔ تشریفات را باید تاچه میزان مجری دارند و رعایت احترامات را به چه درجه ملاحظه و منظور نمایند، بغیرت خود هموار نخواهد نمود که در شرائط آن نقصانی معلوم گردد اگرچه خیلی جزئی باشد و درزیرسایه همایونی چون توجه اعلیحضرت شهریاری روحنافداه شامل حال چاکراست چنان نفوذ اظهارات در خود می‌بینیم و پیشرفت در هر مطالبی که بخاطر میآورم ملاحظه می‌نمایم که بهیچگونه اظهاری نشده است مگر آنکه درجهٔ قبول یافته ومجری شده‌است ، مادام که نظر توجه همایونی بر فرق این علام خواهد بود امیدوارم منشاء ومصدر خدمات خیلی قابل و لایق توانم شد و اعلیحضرت همایون را راضی توانم داشت ... بهرجهت یك فروند داپور مخصوص که حامل ملزومات تشریفات همایونی بود از طرف اعلیحضرت سلطان روانه بغداد گردیدوخیلی تدارکات واسبابهای قیمتی از خزانه حمل شده است والآن در خیال این مرحله هستم که با بابعالی (۱) قراری بگذارم که مدحت پاشاوالی بغداد (۲) تا کرماشاهان به‌استقبال رکاب مبارك روانه شود ومأمورین ازجانب اعلیحضرت

www.tabarestan.info
تبرستان

سلطان که از اسلامبول بجهة تشریفات و پذیرائی روانه خواهند شد رعایت لازمه را در سرحد منظور و معمول دارند ... با اطمینان قلب عرض مینمایم که بطوریقین والی بغدادرا درکرمانشاهان بشرف حضور همایون مشرف خواهم نمود، دراینصورت از حالا عرض میکنم دستخط همایون به نواب عمادالدوله(۳) صادرشود که از حالا ملتفت این معنی باشند و درتدارك برایندوبقدری که ممکن است اسباب تجمل وشکوه فراهم آورده والی بغداد رادر سرحد پذیرائی نموده به کرمانشاه واردسازند: این غلام هم در آن وقت وموقع حاضر خواهم بود و ترتیبات هر کاری را به اقتضای آن خواهم داد ولیکن قبل ازوقت نواب معزی الیه مستحضر باشند بهتر است که فکر تدارکات برانیدو هرقدر میسر است مجلل وباشکوه حرکت فرمایند و لوازمات خیلی سنگین و اسبابهای قیمتی تهیه نمایند.

در اینگونه موارد و لینعمت سنائی و خودنمائی باید نمود . در ترتیبات افواج سواره که درآنجاحاضر خواهد بود مال و البسه و اسلحه آن ها راخیلی مرتب و مزین دارند در سایر ترتیبات عرض و جسارت چاکر اقتضا ندارد و اوامر ملوکانه و دولت پرستی نواب معزی الیه کفایت و کفالت خواهد نمود. نواب عمادالدوله مرقوم فرمایندهر گونه تدارکات راتهیه بینند نه به اسم پذیرائی والی بغدادبلکه محض تشریفات موکب همایونی باشد، دیگر ازامورات اینجا و تفصیل تشریفات، و احترامات موکب همایونی شرح و بسط دادن ضرورتی ندارد، چاکر خانه زاد قدر و منزلت عظمت وجلالت ولینعمت همایون خودرا میدانم و میزان تکلیف طرف مقابل راهم در پذیرائی می فهمم از آن چه باید بشد دقیقه ای رامهمل و متروك وناقص نخواهد گذاشت.

رئیس مأمورین از طرف اعلیحضرت سلطان هنوز محققاً معلوم نیست چه کسی خواهد بود(۲) چیزی که مشخص است یك نفر که بپایه وزارت باشد مأمور

www.tabarestan.info تبرستان

خواهد بود باچند نفر از آجودانهای خاصهٔ حضور سلطان و تشریفات چی، چاکرخانه‌زادمأمورین را برداشته باخود تاسرحدمی آورد وآنهاراگذاشته‌خود بعتبه بوسی آستانهٔ علیه مشرف خواهم‌شد، در زیر سایهٔ همایونی یك هیاهو در دربار بعالی انداخته‌ام که روزی چند دفعه‌ازطرف سفارت‌سنیه اظهارات‌به‌بابعالی می‌شود وچند دفعه‌ازباب‌عالی‌بپغامات بسفارت‌می آید. الامرالاشرف الاقدس الاعلی‌مطاع ـ مهرعبده‌الراجی ـ محمدحسین. (٤)

١ـ بابعالی = دربارسلطان عثمانی.

٢ـ مدحت‌پاشاـ بعدها صدراعظم عثمانی شد.

٣ـ عمادالدوله = امامقلی میرزا (فرزند دولتشاه) حکمران کرمانشاه.

٤ـ کتاب ١٦ اسناد وزارت خارجه ـ از مهرسپهسالارچنین برمیآیدکه نام‌او«محمد حسین خان»بوده‌وپس‌ازآنکه‌به ایران‌آمدبه «میرزاحسین‌خان»شهرت یافت‌وخودش ذیل نامه هارا تنها باامضای «حسین» علامت میگذاشت.

www.tabarestan.info
تبرستان

سند هشتاد و ششم

گزارش دوم مشیرالدوله سفیر ایران درعثمانی

دربارهٔ مسافرت ناصرالدین شاه به عتبات

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - درفقرهٔ طائفهٔ خبیثهٔ بابیه مؤکداً امر و فرمایش فرموده بودند که ازحالاتعلیمات بجهة والی بغداد گرفته بفرستد که هر کس بآن صفت و اسم معروف باشد بگیرند در محبس بیندازند، امیدوارم چاکرخانه‌زاد که در ظل عاطفت همایونی تربیت یافته‌ام از ملاحظهٔ اطراف اینگونه امور هیچگونه غفلت ننموده مطالعات عاجزانهٔ خود را در تحصیل حفظ و حراست وجود مقدس اعلیحضرت شهریار جمجاه روحنا فدا ره تأمین خاطر حاصل کرده باشم، قبل از زیارت دستخط مبارك تعلیمات بلیغه و احکامات لازمه از طرف بابعالی بعهدهٔ والی بغداد فرستاده‌شده‌است، غلام خانه‌زاد هم شرحی مبسوطاً به کارپرداز بغداد نوشته و راه به او نموده‌ام که چگونه در تحقیق و تفتیش بوده جستجو کند درهرمحلی که سراغی ازآنها شد بدستیاری حکومت دستگیر کند.

اینکارها‌شده بود ولکن‌شرم نمودم که‌بصراحت اسمی ازطائفه‌خبیثه‌برده درخاکپای‌همایون متذکرآنها شوم؛ در عریضه‌که فقرهٔ ایلخانی عرض‌شده‌بود شرحی سربسته معروض داشتم که‌پس ازملاحظه معلوم فرموده‌اند‌که مقصود ازآن معروضات و بیانات که‌از طرف بابعالی تعلیمات فرستاده شده است که حین‌شرفیابی همایون درهریك ازروضات مقدسهٔ متبرکه احدی نباید باشدآن چه بوده‌است، اسم آن‌طائفه‌خبیثه‌را نخواستم درآن‌موقع بزبان‌آورده باشم،

www.tabarestan.info
تبرستان

بقدری که‌محل اطمینان‌خاطر باشد خیالات نموده و قرارها داده‌ام‌بعداز آنکه خانه‌زاد واردآن صفحات شدم‌میدانم چه قسم اهتمامات‌دردفع و رفع وحبس وقیدآنها نموده خاطر مبارك را از هرجهت آسوده دارم و در سایهٔ همایونی هشیار و بیدارم و تکالیف چاکری خود را در هرحال میدانم خاصه محافظت وجودمقدس همایونی روحنافداه راکه اهمیت برهمه چیز دارد. الامرالاشرف الاعلی‌مطاع - پشت کاغذ - مهر- عبده‌الراجی محمدحسین. (۱)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱- محمدحسین = میرزا حسینخان مشیرالدوله = میرزا حسینخان سپهسالار کتاب ۱۶ - اسناد وزارت امورخارجه .

سند هشتاد و هشتم

نامهٔ گلداسمیت (۱) به میرزا معصوم خان انصاری (۲)

دربارهٔ امور مرزی

از مضمون مراسله مورخه ۲۸ محرم ۱۲۸۸ - آن گرامی دوست مشفق مهربان آگاهی حاصل نمود. مرقوم رفته است که از قرار تلگرام جناب مستطاب وزیر امور خارجهٔ دولت علیهٔ ایران که شب گذشته واصل گردیده تکلیف آندوست مکرم مهربان موافقت دوستدار در کشیدن نقشه و دیدن اماکن لازم الملاحظه و تحصیل اطلاعات از حالت بلوچستان است. درجواب زحمت افزا می‌شود که البته درخاطر آن گرامی دوست مهربان خواهد بود که ارادهٔ اصلی دوستدار در بمپور درباب اینفقرات ثلاثه چه نوع بود و بر ضمیر آندوست مشفق پوشیده نیست که چون این ارادهٔ مذکوره صورت پذیر شد دوستدار خود منفرداً به پیشین (؟) ومکان دیگر رفته و عالیجاه کاپیتان لاوت صاحب مهندس دولت بهیه انگلیس را بجهة دیدن مکانهای طرف شمالی فرستاد، بالاخره نقشه صحیحه موافق قراردادی که فیمابین دوستدار و آن گرامی دوست مهربان در بمپور کشیده شد، در اینصورت دوستدار محتاج بدیدن اماکن مذکوره و برداشتن نقشه ثانیاً نخواهدبود، درخصوص رفتن سیستان خود آندوست مکرم مهربان می‌بینند اکنون که یك ماه از بهار رفته گرمای بلوچستان به چه درجه است وازاین میتوان قیاس کرد که بعد از یك ماه دربلوچستان و سیستان سیاحت وتوقف غیرممکن خواهدبود، باعتقاد دوستدار دراینصورت رفتن به سیستان رااولیای دولتین ذیشوکتین تاپائیز هذه السنه مشکل است تجویز نمایند؛ قبل ازاین دوستدار

www.tabarestan.info
تبرستان

آن دوست مشفق مهربان را مستحضر ساخت که در هرروز بلکه هر ساعت منتظر رسیدن حکم از جانب دولت متبوعهٔ معظمهٔ خود برای حرکت و دانستن تکلیف خودمیباشد ،چنانچه حکم مزبور شرفصدور یابد دوستدارمصمم رفتن به طهران و بردن نقشهٔ مزبور خواهد بود.زیاده زحمتی ندارد.فی۲۸شهر محرم الحرام ۱۲۸۸ . (۳)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱- ماجرجنرال گلداسمیت رئیس هیئت نمایندگی انگلیس که بعنوان داور ،مامور تعیین خطوط مرزی ایران درقسمت سیستان و بلوچستان بود وعاقبت هم نقشه برداری گلداسمیت که به مصلحت دولت انگلستان انجام شده بود به ایران تحمیل گردید .

۲- میرزا معصومخان انصاری رئیس هیئت نمایندگی ایران

۳-کتاب ۲۴- اسناد وزارت امورخارجه.

سند هشتاد و نهم

نامهٔ میرزا معصومخان انصاری به گلداسمیت

دربارهٔ مرز بلوچستان

دوستدار به‌بندر گوادر (۱) محض بجهة همراهی آنجناب مکرم دوست مشفق مهربان در کشیدن نقشه و دیدن اماکن لازم الملاحظه در بلوچستان آمده است، امروز نزدیك به‌غروب عالیجاه مجدت‌همراه «کاپیتن‌اسمیت صاحب» نایب مخصوص آن جناب محمدت‌نصاب نقشهٔ‌بلوچستان را که‌عالیجاه مجدت همراه «کاپیتن لوت» (۲) صاحب مهندس» زحمت کشیده برداشته‌است نزد دوستدار آورده بود(۳) بعد از ملاحظهٔ آن یقین حاصل نمود که دیگر آن جناب محتاج مسافرت درچنین فصلی دربلوچستان وجهاً من‌الوجوه نخواهند بود وازقراری که چهارروز قبل‌از این‌میفرمودید‌که اراده دارید که به‌سیستان هم دربائیز تشریف ببرید‌دراینصورت ماندن دوستدار زیاده‌از این دربندر گوادر درصورتی که‌موفق خدمتی نمی‌تواند شدچه حاصلی دارد(؟) پس تکلیف دوستداردراین است که پس‌فردابعون‌الله تعالی‌برآ اوبحرآ به‌چاه‌بهار مراجعت نموده واز آنجاعالیجاه میرزاعلی اشرف‌خان را باتدارك لازمه برای انجام عمل نقشه خود روانه‌دارد بجهة اطلاع آنجناب شب ۲۵شهرمحرم‌الحرام زحمت داد زیاده زحمتی‌ندارد فی‌شب ۲۵شهرمحرم الحرام ۱۲۸۸ (٤)

---

۱ ـ گوادر = گواتر بندری درمنتها الیه جنوب شرقی دریای عمان

۲ـ نقشه بردار انگلیسی

۳ ـ با اینکه درعمل مقرر بوده‌است علی‌اشرف‌خان مهندس ایرانی همراه نقشه‌بردار انگلیسی خط مرزی بلوچستان وکلات را از جالق تا دریا با همکاری هم‌دیگر تعیین کنند از‌این‌نامه‌پیداست که گلداسمیت رئیس‌هیئت‌نمایندگی انگلیس قبل‌ازورودهیئت‌نمایندگی‌ایران دستورداده‌است نقشه را بدلخواه‌خان کلات تهیه کنند وهمان‌نقشهٔ‌آماده شده را به‌نماینده ایران‌ارائه‌داده است وسرانجام‌با سماجت الیسن وزیرمختار همان نقشه با اندك تغییری بردولت‌ایران تحمیل گردید.

٤ ـ کتاب ۲٤ ـ اسناد وزارت امورخارجه.

سند نودم

گزارش میرزا معصوم‌خان انصاری به‌وزیر امورخارجه

دربارهٔ گلداسمیت

فدایت‌شوم - اگر از حالت امروزهٔ این بنده اطلاع درستی داشته باشند به التفات آقائی و پدری که داشته و دارند بعد از این خدمتگذاری را در این اسفار بکمترین روا نمیدارند، هفت ماه تمام است در دست این مأمور گرفتار و کمال اصرار او را در این داشته و دارد که اغماض از حق نموده و نان و نمك شاهنشاه ظل‌الله روحنا فداه را برخود حرام نماید. جناب مستطاب خداوندگار اجل روحی فداه میفرمایند: چرا تلگرافهای شما مختصر است (۲) و واضحاً از حالت خود مرا مطلع نمائید.

عرض کنم تصدقت شوم، ممکن نیست که بتوسط تلگراف انگلیس عرض کند که مدعی ماکلاتی‌ها و الله بالله نیستند، مدعی حکم ثالث است، آخر کمترین میدانستم که مقصود این مأمور چیست، از اصفهان بعرض بندگانعالی رسانیدم که مقصود جنرال راه‌رفتن سیستان نیست و در بلوچستان اگر کاری بکند یا نکند در گوادر به کشتی دودی نشسته عازم طهران یا لندن خواهد شد.

در دول سایره از مأمور پلتیك اینطور شعور و حس را بسیار غنیمت می‌شمارند، بفضل خدا و بینی و بین‌الله بی‌مداهنه و ملاحظه و منظور دیگر از من یا او، جناب فخامت‌نصاب وکیل‌الملك حکمران کرمان و بلوچستان (۱) به پختگی و تدبیر باطن نیت این مرد را در نوشتجات رسمانهٔ خود ظاهر ساخت و بعد از شرفیابی خواهند دانست که چقدر در این سفر با بیغرضی و بی‌طمعی راه رفته و شکر خدا را سنداً بعد سند از مأمور انگلیس در دست دارم که مقصود او مغایر منظور اولیای

www.tabarestan.info
تبرستان

دولت علیه ایران بوده‌است وزیاد جهد نموده که کمترین را همعقیده کنندنشده ونخواهد شد، مطمئن باشندو بسفارت درکمال اطمینان جواب بدهند که‌نوشتجات طرفین دلیل درستکاری طرفین میتواند شد وبس، عرض کردم از حالت امروزهٔ خودم، تب سبکی دارم‌نقلی نیست انشاءالله تعالی، امانورچشمانم‌میرزاموسی وفضل‌الله بحق خدا درحالتی افتاده‌اندکه چه عرض کنم ازبیست‌نفر نوکریك پیشخدمت و قهوه‌چی و میرزا ناخوش نبوده مابقی همه مریض وبستری هستند هوای امسال‌معر که کرد، ده‌نفرنوکرمقرب‌الخاقان‌ابراهیم‌خان‌سرتیپ(۲) مشرف بموتند، فکری‌درحق‌مابفرمائید کجاباید ماند و چطور باید کرد (؟) اگربطهران احضارم فرمودندحکم‌عرض‌راه‌مرقوم‌وارسال‌فرمائید. ۲ صفر ۱۲۸۸ پشت کاغذ مهر - معصوم الانصاری (۳).

---

۱ - وکیل‌الملك = اسمعیل

۲ - ابراهیم‌خان‌سرتیپ = حاکم بمپور

۳ - کتاب ۲۴ = اسناد وزارت‌امورخارجه

سند نود و یکم

نامهٔ میرزا معصوم خان به گلداسمیت

دربارهٔ کلات

درضمن مراسله مورخه ۳ شهر صفرالمظفر آن جناب مجدت نصاب مرقوم شده که کلاتی ها در گوادر حاضرند، دوستدار سبب حضور جمعیت کلاتی را دراین بندر که دخلی به خان کلات نداشته و نمیتواند میان دولت متبوعهٔ دوستدار و خان کلات مطرح گفتگو واقع شود نمیتوانـد فهمید، ازقرار تقریر آن جناب تنها عالیجاه مجدت همراه «سردار فقیر محمد خان» ازجانب خان کلات (۱) مأموریت دارد و بس، سایر خوانین و جمعیت عالیجاه «ملا عطا محمد داروغه» چرا آمده‌اند (؟) و درصورتیکه دراقرب اوقات «کچ» (۲) ملک مختص دولت علیه را معسکر قرار داده و بمغایر قرارداد وزارت امور خارجهٔ سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خدالله ملکه و سلطانه و سفارت دولت بهیهٔ انگلیس که بالصراحه قید فرموده‌اند، مادام تشکیل دیپلماتیکیه نباید ازایران و افغان و کلاتی حرکات متجاسرانه ظاهر بشود. همین عالیجاه ملا عطا محمد داروغه چهارصد نفر سرباز و دو عراده توپ و سایر آلات حرب بآنجا آورده و اولیای دولت علیهٔ ایران چنانچه شفاهاً هم باطلاع آنجنـاب رسانید بیرون شدن توپ و سرباز را از کچ مطالبه میفرمایند وامید این را دارند که آن جناب نیز این فقره را تصدیـق نفرموده در این باب از اظهارات با فایده مضایقه و دریغ نخواهند داشت.

دیگر مأمور خان کلات و یا سایر خوانین و اعوان و انصار او به چه منظور در اینجا با این جاه و جلال حاضر و متمکن شده‌اند (؟) اگر از مقصود ایشان آن

دوست مشفق مهربان دوستدار را مطلع میفرمودید باعث امتنان میشد و همچنین درباب بیرون کردن سرباز و دو توپ کلاتی از کج، از عقیده و ارادهٔ آن جناب اگر مستحضر و زودتر بعرض مبارک اولیای دولت علیه میرسانید تکلف مأموریت خودرا ادامی نمود. زیاده زحمتی ندارد ۳ شهرصفر ۱۲۸۸ پشت کاغذ - مهر - معصوم الانصاری (۳)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱- خان کلات = خدادادخان ۲- کج = روستا درشرقی بندر گواتر
۳- کتاب ۲۴ - اسناد وزارت امورخارجه

سند نود و دوم

نامهٔ گلداسمیت به میرزا معصوم‌خان دربارهٔ کلات

درضمن مراسلهٔ مورخهٔ ۳ شهرصفرالمظفر ۱۲۸۸. آندوست مشفق مهربان از سبب حضور مردم کلات در اینجا استفسار نموده‌اند، دوستدار از مضمون مراسلات واظهارات سابقه وجدیدهٔ خود متعجب است که آن گرامی دوست مشفق ملتفت نشده‌اندکه عالیجاه سردار فقیرمحمدخان (۱) مخصوصاً برای ملاقات آن دوست مکرم مهربان باینجا آمده‌اند وعالیجاه ملاعطامحمدداروغه مثل مترجم وامدادکنندهٔ عالیجاه مشارالیه‌است ودیگران اینجاآمده‌اندکه‌شاید وجودآنها برای شهادت دراین مأموریت لازم می‌شود وسایرین بغیرجمعیت بطور دوستانه متحمل زحمات زیاد برای آمدن باینجا شده‌اند. درباب بیرون شدن سرباز ازکج ازقراری که تحقیق‌بعمل آمداگرهم‌بطورسرباز وغیره درآنجا آمده باشند یقیناً قبل ازتعیین شدن وآمدن مأمورکلات برای این مأموریت خواهد بود وچون کج ازمتصرفات کلات است وبررأس سرحدمتصرفی حالیه شمرده نمی‌شود، دوستدار در این وقت خود را مختار نمی‌بیند که اینها را از کج بیرون نماید - زیاده زحمتی ندارد - فی ۳ شهرصفرالمظفر ۱۲۸۸ (۲)

---

۱ - سردارفقیرمحمدخان = نمایندهٔ خان کلات

۲ - کتاب ۲۴ - اسناد وزارت‌امورخارجه

www.tabarestan.info

سند نود و سوم

نامهٔ میرزا معصومخان به وزیر امور خارجه

دربارهٔ مرز بلوچستان

خداوندگارا ـ از بندر چاه‌بهار بتوسط تلغراف بعرض مبارک اولیای دولت علیه رساند که مأمور مخصوص انگلیس موافقت با کمترین غلام و مطابقت با قرارداد وزارت جلیلهٔ امور خارجه و سفارت انگلیسی ننموده و قدوی بی‌نیل مقصود بمراجعت بمپور و توقف آنجا و عرض خیالات باطلهٔ مأمور مشارالیه بخاکپای اولیای دولت علیه ایران وانتظار جواب و فرمایش مطاع جناب مستطاب خداوندگاری مدظله‌العالی مجبور آمد، چون همهٔ منظورات مأمور مزبور از تحریراتش معلوم و مشهود خاطر مرحمت ذخایر جناب مستطاب عالی دام‌اجلاله میگردد ولهذا بفرستادن کتابچهٔ سئوال و جواب خود با مأمور انگلیس (۱) بحضور اولیای دولت علیه اکتفا کرد و جسارت می‌نماید که بنمک با نمک سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه قسم که این مأمور بجز حمایت و تقویت مأمور خان کلات (۲) و تحصیل سند که کج و تمپ و بلیده و مند و کوهک و اسپندار (۳) و بلکه بیشتر سرباز و دشت باهو (٤) تعلق به خان معزی‌الیه دارد خیال دیگر نداشته و از این کمترین نهایت دلخوری را دارد که مساعدتی در پیشرفت این منظور با مأمور مشارالیه نتوانست ظاهر نمود و در رفتن سیستان پیش از فراغت از امر بلوچستان اقدام نخواهد نمود. زیاده جسارتی ندارد فی ۲۹ شهر صفرالمظفر ۱۲۸۸ ـ پشت کاغذ ـ مهر ـ معصوم الانصاری (۵)

---

۱ ـ کتابچه سئوال و جواب میرزا معصومخان با گلد اسمیت اگر به دست میآمد از اسناد ارزندهٔ سیاسی و نمایشگر پیشرویهای استعمار انگلیس در مرزهای ایران بود.

۲ ـ فقیر محمدخان نمایندهٔ خان کلات

۳ ـ از روستاهای بخش هو کلات و سراوان

٤ ـ سرباز و دشت باهو = بخش در شمال بندر گواتر

۵ ـ کتاب ٤ ج ۲ اسناد وزارت امور خارجه

سند نود و چهارم

گزارش میرزا حسینخان سپهسالار

دربارهٔ سان قشون و اختلاف مرزی با عثمانی

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - روز سه شنبه صبح بعد از آنکه افواج همه حاضر مشق شدند فدوی خانه‌زاد با همراهان میان فوج رفته مشق بسیار خوبی که حقیقتاً موجب بتمجید همه گردید نمودند و از صمیم قلب آحاد و افراد قشون دعا بوجود مبارک همایونی روحنافداه از بابت فراهم بودن جمیع اسباب استراحت خودشان می‌نمودند غلام خانه‌زاد نیز وعدهٔ ادای وجه معتد به از بابت مواجب وغیره درهمین روزها به نفرات وصاحب منصب‌ها نمودم و باعث کثرت وجد و دعاگوئی آنها گردید.

پس از اتمام مشق عازم نیاوران شدم اول ورود به آستان سرکار مهد علیا (۱) و ستر کبری دامت شوکتها مشرف گشته اظهار عبوریت نموده از سلامتی وجود مقدس ملوکانه روحنافداه سرکار ایشان و خدام حرم جلالت را بسواسطه آغا باشی (۲) بشارت داده بمنزل آمدم واز شش ساعت بغروب مانده تاحال که سه ساعت ازشب گذشته است بهمین قسم نشسته مشغول خواندن تحریرات وارده از داخله وخارجه می‌باشم وبااین تفصیل نوشتجات تقدیم خاکپای مبارك گردید. پاکت وارده از کرمان (دیروز عرض شده بود قسط کرمان وارد شده است سهوی است که دبیرالملك نموده بود قسط هنوز نرسیده است) - پاکت حاجی محسن خان (۳) بعنوان فدوی خانه‌زاد - پاکت ایضاً بعنوان وزیرامورخارجه (٤) کتابچه حسنعلی خان (٥) بعنوان ناظم الملك (٦) بولتین تلگرافی روزنامه‌لاترکی

که اخبار ایران را نوشته است و قاعده است اخبار مهمه‌را که بعد از تقسیم روزنامه میرسد این قسم چاپ نموده میرسانند، تلغراف نامجات وارده‌از شیراز وهمدان و کرمانشاه به روزنامه نظامی عساکر-همه آنهاکه ازلحاظ انوراقدس اعلی‌روحنافداه گذشت بهرچه امرشاهنشاهی شرف صدور یابد جواب نوشته خواهد شد.

مأموریت حاجی محسن‌خان رابه‌اسلامبول‌برحسب امرقدرقدرت همایون بخوداو وبمیرزا احمد شارژد افراسلامبول‌تلغراف کردم‌لکن‌به‌حاجی محسن‌خان نوشتم که عجالتاً ازلندن حرکت ننماید تادستور العمل مجدد بمشارالیه برسد، جواب تلغراف‌های «تولوزان»(۷) وغیره که‌رسیده بودهمه‌رانوشته فرستادم.

عصرروزسه‌شنبه اشرف پاشا (۸) نزدفدوی آمده بعد ازقدری صحبت‌از تبدل صدارت اسلامبول‌و تعیین وکلای جدید دولت آنوقت تلغرافی فرانسوی العباره ابراز نمود که سواد ترجمهٔ آن درجوف عریضهٔ عاجزانه ازلحاظ مبارك همایونی خواهد گذشت، از روی‌تلغراف‌ایالت بغدادشکایت ازشجاع‌الدوله(۹) و تخریب قراولخانهٔ «گل‌عنبر» وعدم تحقیق ماده حبس‌خانهٔ خانقین نموده و مأموریت داده‌اند که تحصیل اطمینان از امنیت سرحدات ازفدوی خانه‌زاد بخواهد دراین باب مشغول مذاکره بود که تلغرافی صاحبدیوان مشعربه جواب شجاع‌الدوله که تکذیب آقاویل عثمانی‌هارا کرده وخیالات تجاوزانهٔ عثمانی درسرحدات ارومیه‌رسیدهمان تلغراف رابعینهانمودم وگفتم مأمورین شما آن قسم به‌بابعالی می‌نویسند ومأمورین ما این‌قسم به دولت اطلاع میدهند؛ بقدری که‌شما درصدق روایت آدمهای خود اصراردارید بهمان اندازه در درست قولی مأمورین ایرانی من ثابت قدمم، پس صحت این دو قول معلوم‌نمی‌تواند

شد مگراینکه ماموری از من و شما بمحل وقوع رفته اختلاف اقوال راتحقیق نموده راپورت نمایند تا قرار کار داده‌شود ، اما در خصوص خراب کردن قلعه فیمابین من وناظم افندی (۱۰)درشهر رمضان قراربراین شدکه این قعله بهمان حـالت که درآنوقت بوده باقی بماند و بهیچوجه مباشرت دراتمام او نشود و عسکری‌هم سکنی ننماید تـا تحقیق تصرف سـابقه آن موقع فیمـابین دولتین بشود ، مامورین شما برخلاف آن قرارداد قلعه‌راتمام کردند وهم عسکراسکان دادند، اینکه نوشته‌اند دویست نفر سرباز رفته آنجا را خراب کرده است از روی یقین میتوانم شمارااطمینان دادکه دروغ است .

صاحب آن‌زمین که معتمدالدوله(۱۱) باشدکمال‌شکایت‌را ازاودارد‌وچند مرتبه اورا احضـار نموده و نیامده‌است بدون تشویش رفته خراب کرده است لکن ازشما مکتوم نمیدارم که من کمال امتنان ازاین‌حرکت اوحاصل کرده‌ام و اینکه نوشته‌اند ازعسکر حبس نموده وکشته‌اند واسلحهٔ آنها را برده‌اند دروغ است اگربرای تحقیق این‌فقره‌که سرباز ایران مداخله نداشتند است وازعسکر شمـا کشته نشده است و اسحله آنهـا ضبط نگردیده است بخواهید مـأموری فرستاده شود مضایقه ندارم واز جانب من بدولت خودتان اطمینان بدهید که افکار دولت‌علیهٔ ایران بهیچوجه بمخالفت وبرودت با دولت عثمـانی یا تصرف بلاوجب‌ازاملاك حقه‌شما ندارد وراضی بهیچ قسم حرکت خلاف‌قـاعده نسبت بمامورین ورعیت شما نیست لکن بقدر ذره(ئی)هم اغماض و سکوت نخواهد کرد .

جوابی به تلغراف صاحبدیوان(۱۲) درحضوراشرف پاشا نوشتم‌وفرستادم چون اصل تلغراف صاحبدیوان را نگاهداشتم که با شارژدافر انگلیس‌مذاکره

تمایم سوادی از تلغراف صاحبدیوان و جوابی که باو زده شده است اقدا تقدیم خاکپای مبارك نمود که ملاحظه فرموده بهرچه امرقدر قدر همایونی شرف صدوریابد اطاعت شود.

میرزاعیسی(۱۳)الآن‌ازشهرواردشد، حالت شهررا بهمه‌جهت‌خیلی‌خوب میگوید فردا ازخارج استحضارات لازمه‌را حاصل نموده مفصلاً در عرایض آتیه معروض سدهٔ سنیه همایونی خواهد داشت. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع‌مطاع ـ جمادی‌الثانی ۱۲۸۹ مهر ـ صدراعظم . (۱٤)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ـ مهدعلیا = مادر ناصرالدین‌شاه .

۲ـ اغاباشی = سرپرست خواجگان حرم مهدعلیا

۳ـ حاجی محسن‌خان = وزیرمختار ایران درلندن .

٤ـ وزیرامورخارجه = میرزا سعیدخان .

۵ـ حسنعلی‌خان = امیرنظام گروسی .

٦ـ ناظم‌الملك = میرزا محمعلی‌مهندس ناظم سرحدات .

۷ـ تولوزان = پزشك فرانسوی ناصرالدین شاه .

۸ـ اشرف پاشا = سفیردولت عثمانی

۹ـ شجاع‌الدوله = حکمران ارومیه .

۱۰ـ ناظم‌افندی = شارژدافر سفارت عثمانی .

۱۱ـ معتمدالدوله = فرهاد میرزا.

۱۲ـ فتحعلیخان = صاحبدیوان شیرازی .

۱۳ـ میرزا عیسی = وزیر طهران .

۱٤ـ کتاب ۱۲ اسناد وزارت امور خارجه .

سند نود و پنجم

گزارش میرزا حسینخان سپهسالار

دربارهٔ اختلافات مرزی

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم ـ بعدازآنکه ادله معهوده درحقیت دولت علیه ایران به سیستان به مهر وزیرامورخارجه بسفارت انگلیس فرستاده شد فردای آن روز مستر طامسن (۲) نزد غلام آمد و خیلی بتمجیدوتوصیف ازوضع تحریرادله‌واساس‌های‌اربعه که درتعلق آنجابه‌دولت علیه قرارداده شده است می‌نمود و یادداشتی بوزارت خارجه نگاشته و مجلس مذاکره بجهة امروز که شنبه پنجم است خواسته بود، سه ساعت به‌غروب‌مانده مجلس‌دروزارت خارجه منعقد خواهد شد وناظم‌الملك‌هم (۳) حاضرخواهد گردید اصل عمل دریك یا دویا سه‌مجلس تمام نخواهد شد و باید در مجالس متعدده مذاکره شود وباز ازطرفین‌ادله مکتوبی مبادله گردد، ناظم‌الملك‌مشغول است وادله حاضر می‌نماید ، اسنادی که در وازت خارجه موجود بود همه را مطالعه و ملاحظه نموده اسناد زیادهم دردستگاه دبیرالملك باید موجود باشد مشارالیه‌راگفته‌ام بشهر برودوآنچه نوشتجات و اسنادکه تعلق به سیستان‌وتبعیت آنها بدولت علیه ایران است حاضر نموده بیاوردکه انشاءالله‌الرحمن ازتوجه خاطرخطیر ملوکانه روحنافداه این امربطور خوب وباحفظ‌شأن دولت صورت انجام یابد.

www.tabarestan.info
تبرستان

در ملاقات اخیر شارژدافر انگلیس گفتم مقدمه سیستان بوجه من‌الوجوه مشابهت بمقدمهٔ بلوچستان ندارد ، اگر در آنجا دیدید که دولت علیهٔ ایران در تحدید حدود خودرا مقید ننمود وبهرچه شما گفتید تمکین نمود دلایل وجهاتی چند داشت که از آن‌جمله یکی رضایت‌خاطر شما بودوثانیاً نصیرخان کلانی (٤) قابل طرف مقابله نبود ، اگر قدری از اراضی غیرذی زرع بآنها واگذار شد درانظار تفضلاً ومرحمتاً می‌نمود ، لکن‌فقرهٔ‌سیستان مخالف اوست ودولت علیه ایران هرگز نمی‌تواند برخود هموار نماید که مغلوب امیر شیرعلیخان شده باشد ویکوجب ازملك متصرفی‌خودرا بمیل خاطر خود ترك‌نماید، برعهدهٔ شماکه امروز مظهر دولت انگلیس درایران هستند میباشدکه ملاحظهٔ اطراف‌را نموده طوری نشودکه فرداکار بجهت خودتان مشکل و پرزحمت شود ، صرفهٔ ایران را ملاحظه نمودن بجهت شما انفع است اگر مداخلات فرضی و موهوم وموقتی افغان را بخواهید وسیله حقیت و ملکیت قرار بدهید ازاین اساس‌شما زیادترمتضرر خواهید شد زیراکه‌لاهوروپیشاوروکشمیرمدتهای طولانی دردست افغان ودرتحت حکومت‌مستقلهٔ آنها بوده است وهم‌جنس وهم‌زبان‌وهم‌مذهب آنهاهم‌می‌باشند، بقدری که ازیك انگلیسی میتوان حرف وقول گرفت اطمینان از موافقت و مساعد بودن خودش بجههٔ ایران و از عدم حمایت جنرال گولد اسمیت از افغانها داد .

صورت مذاکرهٔ مجلس امروزی درضمن عرایض آتیه بعرض خاکپای اقدس همایونی روحنا فداه خواهد رسید . الامرالاقدس الاعلی مطاع مطاع

مطاع- پشت کاغذ مهر- صدراعظم .

نوشته ناصرالدین شاه پشت پاکت .

صدراعظم -کیفیت اخبار سیستان را بشیخ محسن خان (۵) هم تلگراف بکنید ازطامسون هم جواب تلگراف را بخواهید وازاخبار سیستان هرچه ظهور کند طامسون باتلگراف بدهد .(٦)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱- میرزا حسینخان مشیرالدوله صدراعظم .

۲- تامسن- وزیرمختار انگلیس

۳- میرزا محمدعلیخان مهندس .

٤- نصیرخان - خان کلات

۵- شیخ محسن خان - وزیرمختار ایران درلندن .

٦- کتاب هفتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند نود و ششم

تلگراف سپهسالار از رشت بعد از معزولی(۱)

درباره خریداری تفنگ ازآلمان

در کمال عبودیت وخاکساری عرضه میدارد تلگرافی که برحسب امرقدر قدرهمایون ملوکانه به افتخار این غلام خانه‌زاد شرف صدور یافته بود زیارت نمودم وازمضمون تلگراف «نظر آقا» (۱) مطلع‌شدم آبرو واعتبار دولت‌علیه و وفای «پرنس‌بیسمارك» (۲) جزبوعده‌هائی که نموده‌است موقوف به‌اجرای این معامله تفنگ است . نه اینکه محتاج فروش این تفنگ‌ها باشند زیرا که در خاکپای مبارك مکتوم نیست که دولت پروس عالماً و عامداً تفنگ‌ها رابقیمت نازل بدولت علیه‌داده بلکه درجه قدرت واعتباردولت رادراین جزئیات‌ملاحظه نموده مبنای مراودهٔ آتیهٔ خود را ازآن‌رو قرارمیدهند ، براولیای دولت ازهر کار واجب‌تر ابتیاع وآوردن این اسلحه‌هااست که هم رفع احتیاج از خود نموده اندوهم قدرت واعتبار خود را دردولت پروس ثابت فرموده‌اند .

امرهمایون شرف صدور یافته بود که اتمام این کاررا فدوی خانه‌زاد که بصیرت تامه‌دارم برعهده‌بگیرم و بهیچوجه عذر و تعلل از خانه‌زاد مسموع نخواهد شد .

درخاکپای مبارك شاهانه پوشیده نیست که اینغلام هیچوقت درخدمات دولت‌و خاصه در انجام فرمایشات و اوامر ملوکانه نه‌عذر آورده‌ام و نه تعلل

www.tabarestan.info
تبرستان

کرده‌ام و نه‌تازنده‌ام خواهم کرد، چون مقرر شده بود که‌در این باب دستخط مشروحی بافتخار غلام شرف صدور یابد انشاءالله بعد اززیارت دستخط وتفکر عاجزانه جواب عرض خواهد نمود . غلام خـانه‌زاد حسین - مهر تلگرافخـانه مبارکه ولایت رشت نمره ۹۰ بتاریخ دوم شهر شعبان ۱۲۹۰ (۳)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱- نظرآقا — یمین‌السلطنه وزیرمختارایران درپاریس

۲- بیسمارک — صدراعظم وسیاستمدار معروف‌آلمان

۳- کتاب ۲۳ - اسناد وزارت امور خارجه .

سند نود و هفتم

فرمان ناصرالدین شاه

دربارهٔ مشورت خانهٔ وزیران

اولاً وزراء ، وزیرداخله ـ وزیر خارجه ـ وزیر عدلیه ـ وزیر علوم ـ وزیرجنگ ـ وزیر فوائد ـ وزیروظایف واوقاف ـ وزیرطرق وگمرك وتجارت.

این وزرا هریك كار مخصصی دارند كه بایدانجام بدهند و هیچیك مأذون نیستند كه درخانه‌های خودشان مشغول رتق وفتق باشند. باید هریك درمنزل در خانه (محل وزارت) مشغول اموریاشند وهریك منزل در خانه نداشته‌باشدباید مهیا شود .

هفته‌ئی دوروز برحسب المرتبه روزشنبه وروز سه‌شنبه را دردربار اعظم باید حاضرشوند ومشغول گفتگو درامور دولت باشند، اگرفرمایش مخصوص باشد درآن‌باب‌حرف میزنند والاّ درنظم وترقی دولت صحبت بكنند.

بغیرازاین دوروز مستمراگر كاری فوری دردولت رودهد یا حكمی شود باید مجتمع شده گفتگو بكنند. (۱)

حق جلوس درمشورت‌خانه وزرائی دارند كه صاحب شغل هستند (۲) دیگرعلاوه‌برصاحبان شغل ازشاهزادگان ووزرای‌بی‌شغل كه حاضر بایدبشوند،

www.tabarestan.info
تبرستان

شاه باید بخط خود بنویسد، ایشک آقاسی مشورت‌خانه آنهاراهم حاضر بکند. مشورت‌خانه یک‌نفر ایشک آقاسی (۳)لازم دارد باید معین‌شود. شعبان ۱۲۹۰ (٤)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱- این فرمان نخستین دستور سازمان یافتن وزارت خانه‌ها وتشکیل‌هیئت‌وزیران می‌باشدکه باخط ناصرالدین‌شاه نوشته شده‌و پیداست که هفته‌ئی دوروز جلسه‌درحضورشاه فراهم می‌شده‌است .

۲- در دورهٔ قاجاریه وزیرانی بوده‌اندکه عنوان افتخاری وزارت داشته‌اند ولی شاغل‌مقام‌وزارت نبوده‌اند.

۳- مسئول تنظیمات وتشریفات .

٤- کتاب ۲۳ اسناد وزارت امورخارجه.

سندنود و هشتم

از یادداشت‌های ناصرالدین‌شاه

دربارهٔ امورمختلف کشوری

۱ـ احضارکل وزرا دراینکه هفته‌ئی یك شب خودشان تعیین بکنند برای رسیدگی امورات کشوری

۲ـ در دربار اعظم گفتگو بکنند و امورات‌هفته وکارهائی که باید کرد مذاکره شود.

۳ ـ درباب‌تفنگ‌ پروس مشیرالدوله(۱) چه‌تلگراف کرد(؟) بایدهمهٔاین پول را تفنگ‌بخرد توپ را انشاءالله بعدمی‌خریم.

٤ ـ پانصدتومان ازپولی که پیش میرزاعلی‌خان(۲) است به‌آقا سید صادق (۳) بدهم

۵ ـ نصرت‌الدوله (٤)برودجیره ومواجب وطلب‌آخرسال قشون‌سیستان را معین کند.

٦ ـ مأمورین مخصوص ازمهندس وازوزارت خارجه بروند سیستان از روی نقشه حدود را معین بکنند وآنچه‌متعلق به ایران است معلوم‌کنندکه‌چقدر نفوس وچقدرآبادی ودهات است صورتش رابدهند.

۷ ـ دواب دیوانی را باربندی‌کنند برای آوردن غله خالصه دیوانی به انبار (۵).

۸ ـ کمیسیون سرحد باید‌معین‌شده بروند میرزامحبعلی(٦) وچندنفردیگر.

www.tabarestan.info
طبرستان

۹ـ هرجا تلگراف حرف می‌زند حکام آنجا را حاضر کنند خودم حرف بزنم بخصوص بافارس‌وکرمانشاهان.

۱۰ ـ عکس‌هائی راکه عکاسباشی ازفرنگستان جمع کرده است همه‌را حاضر کند برای اندرون که زن‌ها تماشاکنند. شعبان ۱۲۹۰ (۷)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ـ مشیرالدوله = میرزا حسینخان سپهسالار .

۲ـ میرزاعلیخان = منشی حضور = امین‌الدوله .

۳ـ سیدصادق = مجتهد = پدرسیدمحمد طباطبائی‌چهره معروف تاریخ‌مشروطه

۴ـ نصرت‌الدوله = فیروزمیرزا = پسرعباس‌میرزا نایب‌السلطنه .

۵ـ انبار = انبار گندم طهران پس‌ازقحطی ۱۲۸۸ ـ از طرف ناصرالدین‌شاه‌برای ذخیرهٔ مصرف نان‌پایتخت گسترش بیشتر جهت .

۶ـ میرزامحبعلی‌مهندس ازمأموران وزارت خارجه‌وکارشناسان امورمرزی.

۷ـ کتاب ۹ اسنادوزارت‌امورخارجه.

سند نود و نهم

گزارش سپهسالار (۱)

دربارهٔ مخالفت روس‌ها باقرارداد رویتر (۲)

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم - برحسب امر و ارادهٔ ملوکانه روحنافداه روز شنبه هشتم شهر حال در سفارتخانه دولت بهیهٔ روسیه باوزیرمختار دولت مشارالیها ملاقات نموده بعد از تعارف رسمیه بسر مطلب رفتیم، وزیر مختار شرحی ازمضرایتی که این راه‌آهن بجههٔ دولت روس داشت بیان نمود، فدوی خانه‌زاد گفتم از دقیقه‌ئی که «پرنس قارچاقوف» (۳) اظهار مطلب درخاکپای همایون نمود و اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنـافداه دریافت فرمودند که اعلیحضرت امپراطور و اولیای دولـت روس مایل بعمل راه‌آهن نیستند برخود مخمر فرمودند اینکه نه تنها دراین عمل مساعدت لازمه را بعمل نیاورند بلکه بطور حتم قرارنامه حاضره را لغو و باطل بفرمایند و از همان روز تااین دقیقه فرمایشات ودستورالعمل ملوکانه بمن دراین مرکز بوده است و متصل تـا کیدات همایونی بوقوع میرسد تا اینکه دیدید والان بمشاهده شما میرسانم که ابطال وامضای قرارنامه را بموجب تلغراف بخود «بارون رایتر» (۴) و بموجب نوشتجات رسمیه بوکیل او در دارالخلافه اعلام نمودیم و مصنف روزنامهٔ ایران هم این اعلان را بجمیع اهالی داخله و خـارجه اخبار نمود و همه روزه هم من مشغول مبادلهٔ نوشتجات با وکیل رایتر هستم وهر کاغذ را از کاغذ اول سخت‌تر و باثبات‌تر می‌نویسم و خیـال دارم دراین روزها به رشت تلغراف نمایم که اگرچند نفرعمله در راه کار می‌نماید مانع شده ونگذارند، از این بیانات ظاهراً وباطناً مسرور شد وگفت : اگردولت روس راضی ومایل به این راه‌آهن نبود برای دولت ایران نافع نبود .

www.tabarestan.info
تبرستان

فدوی گفت : این مسئله‌ئی است طویل الذیل عجالتاً مجـال دخول در این بحث نداریم لکن بطور یقین اعلیحضرت ملوکانه روحنـافداه محض عدم میل امپراطور این قرارنامه را برهم زدند نه‌خیال وتصور دیگر . بعدگفتم شبههٔ شما در کجـا بوده است بگویند تا من بقدری که فهمیده‌ام در صدد رفع آن توانم برآمد .

گفت: درفصل ۸ که می‌نویسد: اگر تا ۱۵ ماه ازتاریخ‌امضای قرارنامه شروع بـکارنشود یکصد هزار تومـان مرهونه ضبط خواهد شد . بارون رایتر بهمین کاری که کرده است خواهدگفت من شروع کرده‌ام . فدوی گفتم: درآخر فصل میگوید اگر تأخیر درشروع از بابت جنگ در ممالك خارجه و غرق و تأخیر درحمل ونقل بهم نرسیده باشد،اگرشروع همین تسطیح یك‌ربع فرسنگ زمین بـود که حالا کرده‌اند از برای همینقدر کار بهیچوجه محتاج فرنگستان نبودند که ازآنجا چیزی حمل‌ونقل نمایند که غرق وتاخیرحمل‌نقل آنهارا معاف تواند داشت .

وزیر مختارمشارالیه بهیچوجه متوجه این فقره نشده بود از استمـاع و دریافت‌این دلیل خیلی مشعوف شد وگفت: خوب‌عذروبهانه بدست‌آورده‌اند. گفتم همینقدر نیست، از بارون رایتر نوشته‌دارم که درایام مسافرت همـایونی در فرنگستان باکمـال اصرار شش‌مـاه دیگر از من تمدید مدت می‌خواست اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روحنافداه بنا بفرمایشی که‌به‌پرنس قارچاقوف فرموده بودنـد راضی نشدند و مهلت مرحمت نفرمودند علاوه بـراین دو دلیل فصل ۲۳ صراحتاً میگوید که‌کمپانی مجبور ومتعهد است که شروع به راه‌آهن ومعادن و میاه‌جنگلهارا دفعتاً واحده نماید و به اقرار و اعتراف خودش بـآن سه‌فقرهٔ اخیره بهیچوجه شروع نکرده است، مثل‌این است که درهیچیك شروع

نموده است ومقصود ما حاصل است ؛ علاوه بر آنچه شفاهاً بشما گفتم نوشتجاتی که دراین باره بین من ووکیل رایتر مبادله شده است وادله را واضحاً ومشروحاً آنجا نوشته‌ام همراه خود آورده‌ام که اگر بخواهند ملاحظه نمایند . از این فقره زیاد ممنون شد و ازمن خواهش کرد که نوشتجات را نزد او بگذارم آنشب بدقت درست ملاحظه نموده گفت خودم برداشته میآورم وبشما تسلیم می‌نمایم و گفت : در روز شرفیابی قرارشد که بعدازملاقات باشما اعلیحضرت همایون شاهنشاه دستخطی مرحمت فرمایند که از روی آن من تلغراف رمز به پرنس قارچاقوف بفرستم ، گفتم ازاین فقره من اطلاعی ندارم وفرمایش بمن نشده است .

خواهش کرد که درعرض و تقدیم راپرت عاجزانه بخاکپای اقدس اعلی این فقره را نیز عرض نموده وجواب بمشارالیه بدهم ، بامرقدرقدرت همایونی از وزرای مختار انگلیس و عثمانی و اتریش و فرانسه هم بازدید نمودم چون امر فرموده بودند که صورت مجلس ملاقات باوزیرمختار روس را بواسطهٔ عریضه عرض دارم جسارت نمودم ـ الامرالاقدس الاعلی مطاع مطاع ـ غلام خانه زاد ـ حسین (۵) .

www.tabarestan.info تبرستان

۱ـ سپهسالار = میرزاحسینخان.

۲ـ قراردادی که در ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۲۸۹ بین دولت ایران و بارون ژولیس رویتر تبعه انگلیس برای ایجاد راه‌آهن و استخراج معادن ایران به‌امضارسید.

۳ـ قارچاقوف = کرچکوف ـ وزیر خارجه روسیه تزاری .

۴ـ از این گزارش پیداست که ناصرالدین شاه در روسیه قول لغو قرارداد را بـه امپراطورروس داده وباین‌مناسبت‌میتوان احتمال دادکه تظاهرات برای لغوقراردادهنگام بازگشت ناصرالدین شاه به ایران بتحریک خود او بوده است .

۵ـ کتاب ۲۳ ـ اسناد وزارت امورخارجه .

سند صدم

گزارش فرهاد میرزا معتمدالدوله والی‌فارس (۱)

درباره خود سری ایلخانی

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم درباب محمدحسین‌خان بویراحمدی (۲) مکرر تفصیل را به‌عرض پیشگاه حضور آفتاب ظهور مبارك رسانیده که با وجود صغر سن چهاربرادر بی‌گناه خودرا در وسط مملکت کشته و پدرپیرخودش را محبوس ساخته و حالا باطمینان حسینقلی‌خان ایلخانی (۳) بدون وحشت و باکمال آزادی در پناه اوراه می‌رود ومطلقاً اندیشه از مواخذهٔ اولیای دولت قاهره ندارد. این اوقات میرزازکی‌خان سرتیپ فوج اردبیل و مشگین کاغذی باین غلام آستان‌همایونی نوشته وسوادآن را ملفوف رقعه علیحده خدمت جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم (٤) دام‌اقباله‌العالی فرستاده از نظر مهر اثرمبارك روحی‌فداه می گذرد تا حقیقت امربرعاکفان حضور همایونی مکشوف گردد که حسینقلی‌خان ایلخانی محمدحسین‌خان را با هزارخانوارایل نگاهداشته ونزد خود پنهان کرده است. بالصراحه عرض وجسارت‌می‌نماید که این امردروسط وبحبوحهٔ مملکت اتفاق افتاده وچشم وگوش الوار بهبهان و ایلات عربستان ولرستان وفارس جملگی براه است ومنتظرند که مؤدی ومنجر بکجا می‌شود، اگراولیای دولت روزافزون قاهره صرفنظر واغماض فرمایند رفته رفته بدخواهد شد واسباب اغتشاش سایرایلات خواهدگشت، ملاحظهٔ حالت ونظم مملکت‌الزم از ملاحظه احوال این غلام ودیگران است هرگاه

www.tabarestan.info
تبرستان

تنبیه و تدمیر محمدحسینخان را حالا معوق و موقوف خواهند فرمود حکومت بهبهان را مقرر فرمایند به حسینقلی خان مرحمت فرمایند، اقلا نظم کلی می‌دهد که دیگر کسی نتواند اسباب شرارت شود و یقیناً همان روز که بهبهان را به او مرحمت فرمایند همین محمدحسین خان را که حالا از او حمایت می‌کند و پناه می‌دهد خواهد کشت که دیگری باینگونه امور نتواند اقدام کند. انشاءالله‌تعالی این عرایض عاجزانهٔ این غلام در پیشگاه حضور مرحمت دستور مبارک موقع قبول یافته بدانچه رأی آفتاب ضیای مبارک قرار گیرد، امر و مقرر فرموده اوامر علیه شرف صدور خواهد یافت. امر امر جهان مطاع همایون است ربیع‌الاول ۱۲۹۵ پشت کاغذ ـ مهر ـ فرهاد(۵)

www.tabarestan.info
تبرستان

۱ـ فرهادمیرزا = معتمدالدوله فرزند عباس میرزا از شاهزادگان با کفایت و صاحبقلم دوره قاجاریه .

۲ـ محمدحسین خان بویر احمدی فرزند خداکرم خان بویر احمدی از رؤسای ایل بویر احمدی در بهبهان.

۳ـ حسینقلی‌خان ایلخانی بختیاری فرزند جعفرقلی خان ایلخانی .

۴ـ میرزا حسینخان سپهسالار.

۵ ـ کتاب ۱۳ ـ اسناد وزارت امور خارجه .

باباق استاد

www.tabarestan.info
تبرستان

کتابهای اسناد سیاسی که تاکنون بکوشش ابراهیم صفائی تالیف و تحقیق و چاپ شده است .

۱ ـ اسناد سیاسی دوران قاجاریه

۲ ـ گزارش های سیاسی علاء الملک

۳ ـ اسناد مشروطه (گزارش های وکیل الدوله)

۴ ـ اسناد نویافته

۵ ـ نامه‌های تاریخی

۶ ـ برگ های تاریخ

۷ ـ اسناد برگزیده

۸ ـ پنجاه نامهٔ تاریخی

۹ ـ یکصد سند تاریخی

بجز این کتاب‌ها: اسنادسیاسی و تاریخی بسیار ازطرف مؤلف درجلد اول و دوم «رهبران‌مشروطه» و در نشریهٔ «انجمن‌تاریخ» و در برخی از مجلات ضمن مقالات تحقیقی و تاریخی منتشر گردیده است .

www.tabarestan.info
تبرستان